



غدير پڑوہی

رضا کریمی

غدير پڑوہی

رضا کریمی



غدير پژوهی

رضا کریمی

با تشکر از بانوان صنایع و مصطفائیه



فهرست

فهرست.....	۵
عیدالله الاکبر یوم الغدیر.....	۱۳
اهمیت غدیر.....	۱۷
حساسیت زمانی ابلاغ.....	۱۷
تهدید خداوند.....	۱۸
نعره شیطان.....	۱۸
مهر ختام فرائض.....	۱۹
مهر ختام احتیاجات بشر.....	۱۹
روز رضایت خدا به اسلام.....	۲۱
جمع ۵ عید در روز غدیر.....	۲۲
روایات پیرامون غدیر.....	۲۵
۱- عید خلافت و ولایت.....	۲۵
۲- برترین عید امت.....	۲۵
۳- عید بزرگ خدا.....	۲۶
۴- عید ولایت.....	۲۶
۵- روز تجدید بیعت.....	۲۷
۶- عید آسمانی.....	۲۷
۷- عید بی نظیر.....	۲۷

- ۸- عید پر برکت..... ۲۸
- ۹- عید فروزان..... ۲۸
- ۱۰- یکی از چهار عید الهی..... ۲۹
- ۱۱- روز پیام و ولایت..... ۲۹
- ۱۲- روز اطعام..... ۲۹
- ۱۳- روز هدیه..... ۳۰
- ۱۴- روز کفالت..... ۳۰
- ۱۵- روز سپاس و شادی..... ۳۱
- ۱۶- روز نیکوکاری..... ۳۱
- ۱۷- روز سرور و شادی..... ۳۲
- ۱۸- روز تبریک و تهنیت..... ۳۲
- ۱۹- روز درود و برائت..... ۳۲
- ۲۰- عید اوصیاء..... ۳۳
- ۲۱- روز گشایش و درود..... ۳۴
- ۲۲- روز دیدار امام..... ۳۴
- ۲۳- روز تکبیر..... ۳۵
- ۲۴- روز دیدار و نیکی..... ۳۵
- ۲۵- نماز در مسجد غدیر..... ۳۵
- ۲۶- نماز روز غدیر..... ۳۶
- ۲۷- روزه غدیر..... ۳۶
- ۲۸- روز تبریک و تبسم..... ۳۷
- ۲۹- پیامبر و ولایت علی (ع)..... ۳۷
- ۳۰- زندگی پیامبرگونه..... ۳۸

- ۳۱- پیامبر و امامت علی (ع)..... ۳۸
- ۳۲- پایه های اسلام..... ۳۹
- ۳۳- ولایت جاودانه..... ۳۹
- ۳۴- ولایت و توحید..... ۳۹
- ۳۵- روز ناله نومیدی شیطان..... ۴۰
- ۳۶- ولایت علوی دژ توحید..... ۴۰
- ۳۷- جانشین پیامبر..... ۴۱
- ۳۸- اسلام در سایه ولایت..... ۴۱
- ۳۹- ده هزار شاهد..... ۴۱
- ۴۰- علی (ع) ، مفسر قرآن..... ۴۲
- عید غدیر و خطبه غدیر..... ۴۳**
- از مدینه تا غدیر..... ۴۳
- از مدینه تا مکه..... ۴۴
- تحويل میراث انبیاء به صاحب ولایت..... ۴۵
- سلام به عنوان امیرالمؤمنین..... ۴۶
- اعلان عمومی حضور در غدیر..... ۴۷
- موقعیت جغرافیایی غدیر خم..... ۴۸
- ورود به منطقه غدیر..... ۴۹
- آماده سازی جایگاه سخنرانی و منبر..... ۵۰
- پیامبر و امیرالمؤمنین بر فراز منبر..... ۵۱
- سخنرانی پیامبر..... ۵۲
- بنده خدا و تسلیم اویم..... ۵۲
- یا ایها الرسول بلغ..... ۵۳

- دوازده امام تا آخر دنیا ۵۴
- من كنت مولاه فهذا علي مولاه ۵۶
- دين خدا كامل شد ۵۷
- ماجرای سقيفه ۵۸
- ولایت و محبت اهل بيت ۵۹
- حضرت مهدی ۶۰
- احكام الهی جاودانه است ۶۲
- مراسم سه روزه در غدیر ۶۵
- بيعت مردان ۶۵
- بيعت زنان ۶۷
- عمامه سحاب ۶۸
- شعر غدیر ۶۸
- حضور جبرئيل در غدیر ۷۰
- معجزه الهی در غدیر ۷۱
- پایان مراسم غدیر ۷۳
- غدیر در ادعیه ۷۵
- عظیم بودن واقعه غدیر برای ملائکه ۷۵
- اثمه و غدیر ۷۶
- آموزش تبریک غدیر توسط ائمه ۷۷
- رسمیت عید غدیر به امر پیامبر (ص) ۷۷
- فضیلت غدیر از دیدگاه امام صادق (ع) ۷۹
- برگزاری عید غدیر توسط امام رضا و امام هادی علیه السلام ۸۰
- حضرت زهرا از پشت در آتش زده ۸۰

- حضرت علی علیه السلام در حال بیعت به زور طناب و شمشیر ۸۰
- حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل ۸۱
- امام صادق (ع) در سفر مکه کنار برکه غدیر ۸۵
- امام کاظم (ع) در برابر هارون در اوج خلافت ۸۵
- امام علی النقی علیه السلام در نجف در عید غدیر ۸۶
- خطبه غدیر ۸۷**
- بخش اول: حمد و ثنای الهی ۸۷
- بخش دوم: فرمان الهی برای مطالبی مهم ۹۱
- بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام ۹۴
- بخش چهارم: بلند کردن امیرالمومنین (ع) به دست رسول خدا (ص) ۹۷
- بخش پنجم: تأکید بر توجه امت به مسئله امامت ۱۰۱
- بخش ششم: اشاره به کارشکنی های منافقین ۱۰۳
- بخش هفتم: حلال و حرام، واجبات و محرمات ۱۰۶
- بخش هشتم: بیعت گرفتن رسمی ۱۰۹
- بخش نهم: حضرت مهدی عجل ا فرجه الشریف ۱۱۱
- بخش دهم: مطرح کردن بیعت ۱۱۲
- غدير در ادیان گذشته ۱۱۹**
- غدير، عهد الست سوم ۱۱۹
- روایات ۱۲۱
- غدير در کتب الهی ۱۲۲
- قرآن ۱۲۳
- عبور بنی اسرائیل از دریا ۱۲۴
- وظیفه ما پیرامون عید غدیر ۱۲۷**

۱۲۷.....	وظیفه ما در روز عید غدیر.....
۱۲۸.....	جمع شدن و باهم بودن و جشن گرفتن.....
۱۲۸.....	خطبه امیرالمومنین در غدیر در کوفه.....
۱۳۰.....	روزه غدیر.....
۱۳۰.....	تبریک گفتن مومنین به یکدیگر.....
۱۳۱.....	اطعام کردن.....
۱۳۱.....	هدیه دادن به مومنین.....
۱۳۲.....	احسان کردن به مومنین.....
۱۳۳.....	شاد کردن مومنین.....
۱۳۳.....	انفاق و صدقه.....
۱۳۳.....	صله رحم.....
۱۳۴.....	توسعه برعیال.....
۱۳۴.....	زیارت مؤمنین.....
۱۳۵.....	مصافحه کردن.....
۱۳۵.....	دیدار با امام.....
۱۳۵.....	زینت کردن.....
۱۳۶.....	روز تبسم.....
۱۳۷.....	پرسشنامه.....
۱۴۴.....	پاسخنامه.....

بسم الله الرحمن الرحيم

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي
مُنَاجَاتِهِ وَ إِلَى إِدْرِيسَ فِي تَمَامِهِ وَ كَمَالِهِ وَ جَمَالِهِ ... وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خَلْقِهِ وَ إِلَى
يَحْيَى فِي زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي بَطْشِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^۱

خدایا! بارالها! معبودا! سپاست می‌گوییم که به ما جمله فضایل را دادی،
حلم آدم را، فهم نوح را، مناجات موسی را، کمال و جمال ادريس را، محبت
ابراهيم را، زهد يحيى را، هيبت موسی را!
تو به ما «علی» را دادی!

به آن کس که «علی» را دادی چه ندادی؟

و به آن که «علی» را ندادی، چه دادی؟

ما از حق به علی رسیدیم و از علی به حق بازگشتیم و چه شیرین است که
وصف حق را از زبان علی بشنوی و دلت آرام گیرد به یاد خدای!
می‌گویند بر حقانیت خدایتان دلیل بیاورید، چه دلیلی شیرین‌تر و گواراتر از
این که علی می‌گوید خدایی هست و پیامبری هست و بهشتی هست.
چه لذتی بالاتر از بهشتی که آغازش با جرعه‌ای از جام دستان علی آغاز
شود.

و چه جهنمی بدتر از آن که نگذارند روی «علی» را بینی و در آتش بیفتی.
خدایا! سپاس که پوینده راه علی قرارمان دادی و این راه به هر جا که برود و
به هر چه ختم شود، شیرین است. چرا که قبل از ما «علی» در آن راه گام برداشته
است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ
عليهم السلام

عید الله الاکبر یوم الغدیر

حسن بن راشد می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت کردم! آیا غیر از عید فطر و عید قربان عیدی وجود دارد؟ در پاسخ فرمود: «نعم یا حسن! اعظمها و اشرفها»؛ آری بزرگتر و شریفتر از آن دو عید، عید دیگری هست. عرض کردم: آن روز کدام است؟ فرمود: «یوم نُصِبَ امیر المؤمنین عَلَمًا لِلنَّاسِ»^۱ آن روزی که امیر المؤمنین علی علیه السلام، به عنوان رهبر مردم نصب شد. عرض کردم: نصب علی به عنوان رهبر در کدام روز بود؟ فرمود: روز هجدهم ماه ذیحجه.^۲

در روز غدیر، پس از اتمام خطبه غدیر، جبرئیل بار دیگر بر حضرت محمد (ص) فرود آمد و از جانب خداوند آیه زیر بر حضرت نازل شد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم.»^۳

از سال ۳۱۰ هجری نویسندگان برازنده اهل سنت مثل طبری درباره این آیه بحث کردند. علامه امینی در کتاب الغدیر "جلد ۱ صفحه ۲۳۰" از ۱۶ منبع اهل سنت نقل کرده است که شان نزول این آیه شریفه در روز غدیر بوده است.^۱

۱. کافی، کلینی، ج ۴، ص ۱۴۸

۲. چهل حدیث پیرامون غدیر، اشتهازدی، ص ۴۸

۳. سوره مائده آیه ۴۰

۱. علامه امینی در کتاب الغدیر، ج ۱، ص ۲۳۰، از شانزده منبع اهل سنت نقل کرده است که شان نزول این آیه شریفه در روز غدیر بوده است که عبارتند از:

(۱) الحافظ ابوجعفر محمد بن جریر البطری المتوفی ۳۱۰، روی فی کتاب الولایه باسناده عن زید بن ارقم نزول الآیه الکریمه يوم غدیر خم فی امیر المؤمنین علیه السلام... (۲) الحافظ ابن مردویه الاصفهانی المتوفی ۴۱۰، روی من طریق ابی هارون العبدی عن ابی سعید الخدری... ثم رواه عن ابی هریره...، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴ (۳) الحافظ ابو نعیم الاصبهانی المتوفی ۴۳۰، روی فی کتابه ما نزل من القرآن فی علی. قال: حدثنا محمد بن احمد بن علی بن مخلد؛ (۴) الحافظ ابی بکر الخطیب البغدادی المتوفی ۴۶۳، روی فی تاریخ، ج ۸ ص ۲۹۰، عن عبدالله بن علی بن محمد بن بشران؛ (۵) الحافظ ابوسعید السجستانی المتوفی ۴۷۷؛ فی کتاب الولایه باسناده عن یحیی بن عبدالحمید الحماني الکوفی؛ (۶) ابوالحسن ابن المغازلی الشافعی المتوفی ۴۸۳، روی فی مناقبه عن ابی بکر احمد بن محمد بن طاوان؛ (۷) الحافظ ابوالقاسم الحاکم الحسکانی قال: اخبرنا ابو عبدالله الشیرازی؛ (۸) الحافظ ابوالقاسم بن عساکر الشافعی الدمشقی المتوفی ۵۷۱؛ روی الحدیث المذكور بطریق ابن مردویه عن ابی سعید و ابی هریره کما فی الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹؛ (۹) اخطب الخطباء الخوارزمی المتوفی ۵۶۸، قال فی المناقب، ص ۸۰: اخبرنا سیدالحافظ ابومنصور شهردار بن شیرویه بن شهردار الدیلمی فیما کتب الی من همدان؛

(۱۰) ابوالفتح النطنزی، روی فی کتابه الخصائص العلویه عن ابی سعید الخدری؛ (۱۱) ابوحامد سعدالدين الصالحانی، قال شهاب الدين احمد فی توضیح الدلائل علی ترجیح الفضایل؛ و بالاسناد المذكور عن مجاهد... رواه الصالحانی؛ (۱۲) ابوالمظفر سبط ابن الجوزی الحنفی البغدادی المتوفی ۶۵۴، ذکر فی تذکرته، ص ۱۸ ما اخرجه الخطیب البغدادی المذكور، ص ۲۳۲ من طریق الحافظ الدارقطنی...؛ (۱۳) شیخ الاسلام الحموی الحنفی المتوفی ۷۲۲، روی فی فراید السمطین فی الباب الثانی عشر قال: انبانی الشیخ تاج الدین ابوطالب علی بن الحب بن عثمان ابن ابن عبدالله الخازن...؛ (۱۴) عمادالدین ابن کثیر القرشی الدمشقی الشافعی المتوفی ۷۷۴، روی فی تفسیره: ج ۲، ص ۱۴ من طریق ابن مردویه عن ابی سعید الخدری و ابی هریره...؛ (۱۵) جلال الدین السیوطی الشافعی المتوفی ۹۱۱، رواه فی الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹ من طریق ابن مردویه والخطیب و ابن عساکر بلفظ مر فی روايه ابن مردویه. وقال فی الاتقان، ج ۱، ص ۳۱ عی عد الآیات السفریه: منها الیوم اکملت لکم دینکم...؛ (۱۶) میرزا محمد البدخشی، ذکر فی مفتاح النجا ما اخرجه ابن مردویه.

در این آیه نکته‌های فراوانی نهفته است که به بررسی آن می پردازیم:
 ۱. سرآغاز آیه، کلمه الیوم آمده است.

در اینجا الف و لام بر یوم وارد شده و اشاره به عظمت این روز دارد. یعنی قضیه آنقدر بزرگ است که خداوند یوم را به الف و لام تعریف کرده است.^۱

۲. از طرفی امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «الثامن عشر من ذی الحجة عید الله الاکبر، ما طلعت علیه الشمس فی يوم افضل عند الله منه...» روز هیجدهم ماه ذی الحجة عید اکبر خدا است؛ خورشید به روزی نتاییده که آن روز در پیشگاه خدا برتر از این روز باشد...^۲

در این روایت امام جعفر صادق علیه السلام غدير را، عید خدا خوانده‌اند نه عید مردم!

باید توجه کنیم که دو گونه عید وجود دارد.

یک عید برای مردم است، یک عید هم برای خداست. در این عید طرف اضافه خداست، عیدالله؛ آن هم موصوف به الاکبر که فهم این مطلب برای هر فکری میسر نیست.^۳

همچنین در برخی روایات به عظمت یوم الله الغدير اشاره شده:

عمل روز غدير برابر با ۸۰ ماه است.^۴

به علت اهمیت این روز اعمال و آدابی ذکر شده است که با هیچ روزی برابری نمی کند و مختص به قشر خاص و سن معینی نیست و دارای ابعاد اعتقادی و عبادی مختلفی است.

۱. نفس نفیس خاتمیت

۲. چهل حدیث پیرامون غدير، اشتهازدی، ص ۵۱

۳. نفس نفیس خاتمیت

۴. وسائل، ج ۷، باب ۱۴، ح ۶

معرفت و درک و اهمیت این روز از این حدیث به خوبی معلوم می‌شود که امیرالمومنین علیه السلام خطاب به مردم کوفه در روز غدیر فرمودند: کسانی که فضل غدیر را بدانند از افرادی هستند که قلب آنها برای ایمان امتحان شده است.^۱

در قسمتی دیگر از کلامشان فرموده اند: کسانی که فضل امروز را بدانند و معرفت نسبت به آن پیدا نمایند، ملائکه هر روز ۱۰ بار با آنها مصافحه می‌کنند. در ادامه می‌فرمایند فضیلت این روز در اعطای خداوند متعال به عامل آن به عدد قابل شمارش نیست.^۲

۱. اقبال صفحه ۴۶۸

۲. اقبال ص ۴۶۸.

اهمیت غدیر

پیامبر صلی الله علیه وآله:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُؤَالَ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ
أَعْدَاءَهُ:

هرکس دوست دارد خدا تمام خوبی‌ها را نصیبش کند بعد از من ولایت علی
علیه السلام را قبول کند و با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باشد.^۱
در این بخش به بررسی اهمیت شناخت ارزش غدیر خواهیم پرداخت.

حساسیت زمانی ابلاغ

غدیری شدن مهم است، آنقدر مهم که رحمت للعالمین، آن پیامبر مهربان و
دلسوز که برای بی‌تابی کودکی، نماز جماعت خود را به سریع‌ترین حالت ممکن
می‌خواندند،^۲ به جماعت دستور دادند که بایستید. هر که پیشتر رفته برگردد و آنها که
نرسیدند برسند، تا این قضیه ابلاغ شود. شدت گرما به حدی بود که اگر گوشت را

۱. الامالی شیخ صدوق، ص ۴۷۴.

۲. از امام صادق علیه السلام آمده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم طبق
عادت به مسجد برای خواندن نماز رفتند و نماز را به پا داشتند اما دو رکعت آخر را به سرعت به
پایان رساندند. پس از نماز مردم گفتند: یا رسول الله! آیا در نماز حادثه ای رخ داد؟ حضرت
پرسید: مگر چه شده است؟ عرض کردند: دو رکعت آخر نماز را با سرعت خواندید. حضرت
فرمودند: «مگر صدای شیون و فریاد کودک را نشنیدید؟» «قال: اما سمعتم صراخ الصبی» -

روی سنگ می انداختند حالت قدیدی^۱ پیدا می کرد. در چنین شرایطی خطبه غدیر را که مطالعه آن مجموعاً ۴۰ دقیقه طول می کشد، در طی ۴ ساعت زیر آفتاب داغ برای مسلمانان شرح دادند.

تهدید خداوند

اهمیت غدیر به حدی است که پیامبری که در قرآن به زیباترین حالات خطاب وحی قرار می گیرد «تو چراغ نوربخشی»^۲، پیامبری که خداوند در قرآن تنها به جان او قسم خورده است لَعْمُرُکَ^۳ و آنقدر عظیم الشأن است که در حدیث قدسی خداوند وجود او را هدف و انگیزه آفرینش هستی خوانده است، لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَکَ، اکنون طرز حرف زدن با او عوض میشود. به اینجا که می رسد ورق برمی گردد. یَا أَيُّهَا الرَّسُولُ^۴ اگر پیام را ابلاغ نکنی اصلاً تمام رسالت باطل شده انگار هیچ کار از اول نکرده ای و این تعبیر خیلی عجیب است.

نعره شیطان

غدیر مهم است. غدیر آنقدر مهم است، که جابر بن عبدالله از امام باقر علیه السلام روایت می کند: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر دست امام علی علیه السلام را در دست گرفت، شیطان در میان سپاهیانش نعره

۱. گوشتی که از پهنا بریده شده و خشک شده.

۲. احزاب: ۴۴ و ۴۵

۳. الحجر: ۷۲

۴. مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ۲۸۶؛ فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۲؛ قندوزی، ینابیع المودة، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۴.

۵. ای پیامبر، آنچه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی رسالتش را به انجام نرسانده ای؛ و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد. بی گمان، خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. مانده: ۶۷

برآورد و هیچ یک از آنها (سپاهیان شیطان) چه در خشکی و چه در دریا به جای نماند، مگر آنکه در پی او به سویش دویدند و گفتند آقا و معمولا چه بر سر تو آمده؟؟ ما هرگز از تو نعره ای وحشتناک تر از این نشنیده بودیم! شیطان به آنها گفت:

این پیامبر کاری کرد که اگر براستی این کار تحقق یابد، دیگر کسی هرگز خدا را نافرمانی نکند.^۱

مهر ختام فرائض

غدير از چنان اهمیتی برخوردار است که طبق فرموده امام باقر علیه السلام: واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می شد و امر ولایت، آخرین آنها بود که خدای عزوجل این آیه را نازل فرمودند: امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل می فرماید: بعد از این واجبی بر شما نازل نکنم، واجبات را برای شما کامل کردم.^۲

مهر ختام احتیاجات بشر

غدير ظهور عمومی یا ضمانت ابدی است. ضمانتی جاودان برای نجات بنی آدم از ضلالت و تاریکی. ابو اسامه می گوید:

نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم و مردی از مغیریه در آنجا حاضر بود. پس چیزی درباره سنت ها از امام پرسید.

امام علیه السلام گفت: هیچ چیزی که فرزندان آدم به آن نیاز داشته باشند نیست، که سنتی در آن از خدا و رسولش موجود نباشد و اگر چنین نبود خداوند به

۱. الکافی ط اسلامیة، ج ۸ ص ۳۴۴ و ۳۴۵

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۸۹

آنچه احتجاج کرده دلیل نمی‌آورد. مغیری می‌گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: خداوند به چه چیزی دلیل آورده است؟

امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم. و فرمود پس اگر واجبات و مستحبات آن و آنچه را که مردم به آن نیاز دارند کامل نکرده بود، به این آیه دلیل نمی‌آورد.^۱

همانطور که میدانید شان نزول آیه «الیوم...» در جایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم را در غدیر خم فراخواندند و بازوی علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفته و بلند کردند، هنوز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست امیرالمومنین علیه السلام را رها نکرده بود که این آیه نازل شد.

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً»^۲

پس با توجه به سخن امام صادق علیه السلام، خداوند در پاسخ به احتجاجات بشر به «آیه الیوم...» که شان نزولش اعلام ولایت امیرالمومنین علیه السلام است احتجاج نموده. زیرا تنها در سایه ولایت امیرالمومنین علیه السلام و اوصیای ایشان از ائمه معصومین علیهم السلام است که انسان پاسخی صحیح به احتجاجات خود می‌یابد.

همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر فرمودند: مردم، هیچ علمی نیست مگر آن که خداوند آن را در من جمع کرده است و هر علمی را که من آموخته‌ام در امام متقیان جمع نموده‌ام. و هیچ علمی نیست مگر آن را به علی آموختم و امام مبین علی است که خداوند در سوره یاسین آیه ۱۲ ذکر فرموده:

۱. مختصر بصائر الدرجات: ۶۶

۲. مناقب خوارزمی: ۸۰

«وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ: و هر چیزی را در امام مبین جمع کرده‌ایم».

امام مبین، امیرالمومنین علیه السلام است.^۱

در واقع یکی از مدارک خیلی واضح و روشن در دلالت به این نکته که هر چیزی در ولایت ایشان و در حضور احاطی ایشان در خلقت است که وجود دارد، همین آیه است.

روز رضایت خدا به اسلام

غدير مهم است. زیرا هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام مامور شد قواعد بیت خدا را بلند کند و بنای قلعه حق باشد، از خداوند خواست این عمل را از او بپذیرد و در ازای مزد آن اینگونه دعا کرد:

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»^۲

اسلامی که به این مرتبه رسیده است طبق آیه «الیوم...» تا روز غدیر ناقص و ناپسند خدا بود. آن روز این اسلام کامل و آن ناپسند پسندیده شد.

اینجا دیگر جایی نیست که توانی برای حرف زدن باشد آن روز چه شد؟؟ و چه مطلبی به بشر فهمانده شد؟

این انتصاب به قدری نزد خداوند متعال جایگاه داشت که این روز را روز اکمال دین و اتمام نعمت معرفی کرد؛ از این جهت این نوع دینداری را مرضی خود قرار داد و فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما دین مرضی قرار دادم».^۳

۱. خطابه غدیر

۲. بقره ۱۲۸

۳. نفس نفیس خاتمیت

جمع ۵ عید در روز غدیر

عن بن عباس: «اجتمعت فی ذلک الیوم خمسہ اعیاد الجمعة و الغدیر و عید اليهود و النصری و المجوس و لم یجتمع هذا فیما سُمِعَ قَبْلَهُ».

۵ عید در روز غدیر متفق شدند: عید یهود، عید نصارا، عید مجوس و روز جمعه و پنجمین عید، عید غدیر شد.^۱

تقارن زمانی غدیر با اعیاد و اتفاق‌های ادیان و ملل مختلف نشان دهنده برنامه دقیق دین برای سعادت همه بنی آدم است که این برنامه به خوبی توسط معمار غدیر اجرا می‌شود.

اکنون می‌یابیم کسانی که در قافله به غدیر نزدیک می‌شدند، تحت فرمان رسول خدا، برای سعادت همیشگی بشریت، به قلعه‌ای پناه می‌بردند که حوادث روزگار نمی‌توانست آسیبی به آن برساند.

حصن حصین ولایت، که اگر همه مردم داخل آن می‌شدند خداوند جهنم را برای همیشه خاموش می‌کرد.

آری غدیر مهم است زیرا غرض از خلقت و نتیجه بعثت، عبارت بود از اکمال دین به ولایت، اتمام نعمت به ولایت، رضایت اسلام به عنوان دین برای بشریت به ولایت.

و بزرگترین مژده در این راه، مژده‌ی حق تعالی در عید اکبر غدیر است که:
«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۲

امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد.»

۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۲۷؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۵۶

۲. سوره مائده آیه ۳۰

راستی مگر نفرمودند کہ:

«الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ»^۱؛ حقیقت دین محبت است؛ و حقیقت دین علی است؛ پس: این آیه ی شریفه ، عیدی اکبر خدای متعال است به دلیل اذن او به بندگان و شیعیان در یافتن کمال محبت و تمام معرفت امیرالمومنین علیه السلام.

پس این است رسیدن به کمال بندگی و به سلامت سر بردن در آن، وگرنه حقیقت دین الهی از روز اول به جز امیرالمومنین علیه السلام چیز دیگری نبوده؛ لذا: همه انبیاء علیهم السلام مخاطبین خود را به دین و حقیقت آن که امیرالمومنین علیه السلام بوده دعوت کرده و خود ملتزم به ایشان بوده اند؛ «دین الله» از روز اول حقیقتی جز علی علیه السلام نداشته و کامل بوده است؛ آنچه در روز غدیر اتفاق افتاده، و آن را بزرگترین عید برای عالمیان کرده است، رسیدن به کمال ولایت امیرالمومنین علیه السلام است که مقدور احدی نبوده و نیست.

آن روز به یمن وجود مبارك حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه وآله ودین خاتم ایشان ومنت معظم له، خداوند اذن دادند که موالیان آن حضرت امکان نیل به کمال در معرفت و محبت و ولایت آن حضرت را داشته باشند؛ لذا فرمودند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ».....

روایات پیرامون غدیر

۱- عید خلافت و ولایت

روی زیاد بن محمد قال : دخلت على ابي عبد الله (ع) فقلت :
للمسلمين عيد غير يوم الجمعة والفطر والاضحى ؟
قال : نعم ، اليوم الذى نصب فيه رسول الله (ص) امير المؤمنين (ع) .
زيد بن محمد گوید :

بر امام صادق (ع) وارد شدم و گفتم : یا مسلمانان عید غیر از عید قربان و عید
فطر و جمعه دارند ؟ امام (ع) فرمود : آری ، روزی که رسول خدا (ص)
امیرمؤمنان (ع) را (به خلافت و ولایت) منصوب کرد .^۱

۲- برترین عید امت

قال رسول الله (ص) :

يوم غدیر خم افضل اعياد امتی و هو اليوم الذى امرنى الله تعالى ذكره فيه
بنصب اخي على بن ابي طالب علما لامتى ، يهتدون به من بعدى و هو اليوم الذى
اكمل الله فيه الدين و اتم على أمتي فيه النعمة ورضي لهم الإسلام دينا .
رسول خدا (ص) فرمود :

روز غدیر خم برترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند
بزرگ دستور داد؛ آن روز برادر من علی بن ابی طالب را به عنوان پرچمدار (و فرمانده)

امتم منصوب کنم ، تا بعد از من مردم توسط او هدیت شوند ، و آن روزی است که خداوند در آن روز دین را تکمیل و نعمت را بر امت من تمام کرد و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندید .^۱

۳- عید بزرگ خدا

عن الصادق (ع) قال :

هو عيد الله الاكبر ، و ما بعث الله نبيا الا و تعيد في هذا اليوم وعرف حرمة واسمه في السماء يوم العهد المعهود وفي الارض يوم الميثاق المأخوذ والجمع المشهود .

امام صادق (ع) فرمود :

روز غدیر خم عید بزرگ خداست ، خدا پیامبری مبعوث نکرده ، مگر اینکه این روز را عید گرفته و عظمت آن را شناخته و نام این روز در آسمان ، روز عهد و پیمان و در زمین ، روز پیمان محکم و حضور همگانی است .^۲

۴- عید ولایت

قیل لابی عبدالله (ع) :

للمؤمنين من الاعياد غير العیدین و الجمعة ؟

قال : نعم لهم ما هو أعظم من هذا ، يوم عقيم اميرالمؤمنين (ع) فعقد له رسول الله الولاية في اعناق الرجال والنساء بغدير خم .

به امام صادق (ع) گفته شد :

یا مؤمنان غیر از عید فطر و قربان و جمعه عید دیگری دارند ؟ فرمود : آری ، آنان عید بزرگتر از اینها هم دارند و آن روزی است که امیرالمؤمنین (ع) در غدیر خم بالا برده شد و رسول خدا مسأله ولایت را بر گردن زنان و مردان قرار داد .^۱

۱ . امالی صدوق : ۱۲۵ ، ح ۸۰ .

۲ . وسائل الشیعه ، ۵ : ۲۲۴ ، ح ۱۰ .

۵- روز تجدید بیعت

عن عمار بن حریز قال دخلت علی ابی عبد الله (ع) فی یوم الثامن عشر من ذی الحجة فوجدته صائما فقال لی :

هذا یوم عظیم عظم الله حرمة علی المؤمنین و کمل لهم فیہ الدین و تمم علیهم النعمة و جدد لهم ما أخذ علیهم من العهد و الميثاق .^۲
 عمار بن حریز گوید: روز هجدهم ماه ذیحجه خدمت امام صادق (ع) رسیدم و آن حضرت را روزه یافتم . امام به من فرمود : امروز ، روز بزرگی است ، خداوند به آن عظمت داده و آن روز دین مؤمنان را کامل ساخت و نعمت را بر آنان تمام نمود و عهد و پیمان قبلی را تجدید کرد .

۶- عید آسمانی

قال الرضا (ع) : حدثني ابی ، عن ابیه (ع) قال :
 إن یوم الغدير فی السماء أشهر منه فی الأرض .
 امام رضا (ع) فرمود :

پدرم به نقل از پدرش (امام صادق (ع)) نقل کرد که فرمود : روز غدیر در آسمان مشهورتر از زمین است .^۳

۷- عید بی نظیر

قال علی (ع) :

إن هذا یوم عظیم الشأن ، فیہ وقع الفرج ، و رفعت الدرج و وضحت الحجج و هو یوم الإیضاح و الإیفصاح عن المقام الصراح ، و یوم کمال الدین و یوم العهد المعهود^۱

۱ . وسائل الشیعه ، ۷ : ۳۲۵ ، ح . ۵ .

۲ . مصباح المتعجد : ۷۳۷

۳ . مصباح المتعجد : ۷۳۷ .

علی (ع) فرمود :

امروز (عید غدیر) روز بس بزرگی است. در این روز گشایش رسیده و منزلت (کسانی که شایسته آن بودند) بلندی گرفت و برهان های خدا روشن شد و از مقام پاک با صراحت سخن گفته شد و امروز روز کامل شدن دین و روز عهد و پیمان است.

۸- عید پر برکت

عن الصادق (ع) :

والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات ...

و ما اعطى الله لمن عرفه ما لا يحصى بعدد.

امام صادق (ع) فرمود :

به خدا قسم اگر مردم فضیلت واقعی «روز غدیر» را می شناختند، فرشتگان روزی ده بار با آنان مصافحه می کردند و بخشش های خدا به کسی که آن روز را شناخته، قابل شمارش نیست.^۲

۹- عید فروزان

قال ابو عبد الله (ع) :

... و يوم غدیر بین الفطر و الاضحی و يوم الجمعة كالقمر بین الكواكب.

امام صادق (ع) فرمود :

... روز غدیر خم در میان روزهای عید فطر و قربان و جمعه مانند ماه در میان ستارگان است.^۳

۱. بحارالانوار، ۹۷: ۱۱۶.

۲. مصباح المتعجد: ۷۳۸.

۳. اقبال سید بن طاووس: ۴۶۶.

۱۰- یکی از چہار عید الہی

قال ابو عبد اللہ (ع) :

اذا كان يوم القيامة زفت اربعة يام الى الله عز و جل كما تزف العروس الى خدرها : يوم الفطر و يوم الاضحى و يوم الجمعة يوم غدير خم .
امام صادق (ع) فرمود : هنگامی کہ روز قیامت برپا شود چہار روز بہ سرعت بسوی خدا می شتابند همانطور کہ عروس بہ حجلہ اش بہ سرعت می رود . آن روزها عبارتند از : روز عید فطر و قربان و جمعہ و روز غدیر خم .^۱

۱۱- روز پیام و ولایت

قال رسول الله (ص) : يا معشر المسلمين ليبلغ الشاهد الغائب ، أوصي من آمن بي و صدقني بولية على ، الا ان ولاية على ولايتي و ولايتي ولاية ربي ، عهدها عهده الى ربي وأمرني أن أبلغكموه .
رسول خدا (ص) (در روز غدیر) فرمود :

ای مسلمانان ! حاضران بہ غایبان برسانند : کسی را کہ بہ من ایمان آورده و مرا تصدیق کردہ است ، بہ ولایت علی سفارش میکنم ، آگاہ باشید ولایت علی ، ولایت من است و ولایت من ، ولایت خدای من است . این عہد و پیمانی بود از طرف پروردگارم کہ فرمانم داد تا بہ شما برسانم .^۲

۱۲- روز اطعام

قال ابو عبد اللہ (ع) :

... و انه اليوم الذى اقام رسول الله (ص) عليا (ع) للناس علما و ابان فيه فضله و وصيه فصام شكرا لله عزوجل ذلك اليوم و انه يوم صيام و اطعام و صلة الاخوان و فيه مرضاة الرحمن ، و مرغمة الشيطان .

۱ . اقبال سید بن طاووس : ۴۶۶ .

۲ . بحار الانوار ۳۷ : ۱۴۱ ، ح ۳۵۰ .

امام صادق (ع) فرمود :

عید غدیر ، روزی است که رسول خدا (ص) علی (ع) را به عنوان پرچمدار برای مردم پرافراشت و فضیلت او را در این روز آشکار کرد و جانشین خود را معرفی کرد ، بعد به عنوان سپاسگزاری از خدای بزرگ آن روزه را روزه گرفت و آن روز ، روز روزه داری و عبادت و طعام دادن و به دیدار برادران دینی رفتن است. آن روز روز کسب خشنودی خدای مهربان و به خاک مالیدن بینی شیطان است.^۱

۱۳-روز هدیه

عن امیر المؤمنین (ع) قال :

... إذا تلاقيتم فتصافحوا بالتسليم و تهابوا النعمة في هذا اليوم ، و ليبلغ الحاضر الغائب ، والشاهد البين ، وليعد الغني الفقير و القوى على الضعيف امرني رسول الله (ص) بذلك .

امیرالمؤمنین (ع) (در خطبه روز عید غدیر) فرمود : وقتی که به همدیگر رسیدید همراه سلام ، مصافحه کنید ، و در این روز به یکدیگر هدیه بدهید ، این سخنان را هر که بود و شنید ، به آن که نبود برساند ، توانگر به سراغ مستمند برود ، و قدرتمند به یاری ضعیف ، پیامبر مرا به این چیزها امر کرده است .^۲

۱۴-روز کفالت

عن امیر المؤمنین (ع) قال :

... فكيف بمن تكفل عددا من المؤمنين والمؤمنات وأنا ضمينه على الله تعالى الامان من الكفر والفقر.
امیر مؤمنان (ع) فرمود :

۱ . وسائل الشیعه ۷: ۳۲۸ ، ضمن حدیث ۱۲۰

۲ . وسائل الشیعه ۷: ۳۲۷

... چگونه خواهد بود حال کسی که عهده دار هزینه زندگی تعدادی از مردان و زنان مؤمن (در روز غدیر) باشد، در صورتی که من پیش خدا ضامنم که از کفر و تنگدستی در امان باشد.^۱

۱۵- روز سپاس و شادی

قال ابو عبد الله (ع):

... هو يوم عبادة و صلاة و شكر الله و حمد له ، و سرور لما من الله به عليكم من ولايتنا ، و اني احب لكم ان تصوموا.
امام صادق (ع) فرمود:

عید غدیر، روز عبادت و نماز و سپاس و ستایش خداست و روز سرور و شادی است به خاطر ولایت ما خاندان که خدا بر شما منت گذارد و من دوست دارم که شما آن روز را روزه بگیرید.^۲

۱۶- روز نیکوکاری

عن الصادق (ع):

... والدرهم فيه بألف درهم لإخوانك العارفين ، فأفضل على إخوانك في هذا اليوم و سرفيه كل مؤمن ومؤمنة .
از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

یک درهم به برادران با ایمان و معرفت، دادن در روز عید غدیر برابر هزار درهم است، بنابراین در این روز به برادرانت اتفاق کن و هر مرد و زن مومن را شاد گردان.^۳

۱. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۷.

۲. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۸، ح ۱۳.

۳. مصباح المتعجد: ۷۳۷.

۱۷- روز سرور و شادی

قال ابو عبد الله (ع) :

انه يوم عيد و فرح و سرور و يوم صوم شكرا لله تعالى .

امام صادق (ع) فرمود: عید غدیر ، روز عید و خوشی و شادی است و روز روزه داری به عنوان سپاس نعمت الهی است .^۱

۱۸- روز تبریک و تهنیت

قال علی (ع) :

عودوا رحمکم الله بعد انقضاء مجمعکم بالتوسعة علی عیالکم ، والبر باخوانکم و الشکر لله عزوجل علی ما منحكم ، و اجتمعوا یجمع الله شملکم ، و تباروا یصل الله الفتکم ، و تهانوا نعمة الله کما هنا کم الله بالثواب فيه علی أضعاف الاعیاد قبله و بعده إلا فی مثله

علی (ع) فرمود :

بعد از پایان گردهم آئی خود (در روز غدیر) به خانه برگردید، خدا بر شما رحمت فرستد. به خانواده خود گشایش و توسعه دهید ، به برادران خود نیکی کنید ، خداوند را بر این نعمت که شما را بخشیده است ، سپاس گزارید ، متحد شوید تا خدا به شما وحدت بخشد ، نیکویی کنید تا خدا دوستی شما را پایدار کند. به همدیگر نعمت خدا را تبریک بگویید ، همانطور که خداوند در این روز با چندین برابر عید های دیگر پاداش دادن به شما تبریک گفته ، این گونه پاداش ها جز در روز عید غدیر نخواهد بود .^۲

۱۹- روز درود و برائت

روی الحسن بن راشد عن ابی عبد الله (ع) قال :

۱ . وسائل الشیعه ۷: ۳۲۶ ، ح . ۱۰ .

۲ . بحار الانوار ۹۷: ۱۱۷ .

قلت : جعلت فداک ، للمسلمین عید غیر العیدین ؟ قال : نعم ، یا حسن ! اعظمهما و اشرفهما ، قال : قلت له : و آی یوم هو ؟ قال : یوم نصب امیرالمؤمنین (ع) فیه علما للناس . قلت له : جعلت فداک و ما ینبغی لنا ان نصنع فیه ؟ قال : تصومه یا حسن و تكثر الصلوة علی محمد و آله فیه و تتبرأ إلی الله ، ممن ظلمهم ، فإن الانبیاء کانت تأمر الاوصیاء بالیوم الذی کان یقام فیه الوصی ان یتخذ عیدا .

حسن بن راشد گوید :

به امام صادق (ع) گفتم : یا مسلمانان بجز آن دو عید ، عید دیگری هم دارند ؟ فرمود : بله ، بزرگترین و بهترین عید . گفتم : کدام روز است ؟ فرمود : روزی که امیرمومنان به عنوان پرچمدار مردم منصوب شد . گفتم : فدایت شوم در آن روز سزاوار است ، چه کنیم ؟ فرمود : روزه بگیر و درود بر محمد و آل او بفرست و از ستمگران به آنان برائت بجوی ، زیرا پیامبران به جانشینان دستور می دادند که روزی را که جانشین انتخاب می شود ، عید بگیرند .^۱

۲۰- عید اوصیاء

عن أبي عبد الله (ع) قال :

... تذکرون الله عز ذکره فیه بالصیام والعبادة و الذکر لمحمد و آل محمد ، فان رسول الله (ص) اوصی امیرالمؤمنین ان یتخذ ذلک الیوم عیدا ، و کذلک کانت الانبیاء تفعل ، کانوا یوصون اوصیائهم بذلک فیتخذونه عیدا . امام صادق (ع) فرمود :

در روز عید غدیر ، خدا را با روزه و عبادت و یاد پیامبر و خاندان او یادآوری کنید ، زیرا رسول خدا به امیرالمؤمنین سفارش کرد که آن روز را عید بگیرد ،

همینطور پیامبران هم به جانشینان خود سفارش می کردند که آن روز را عید بگیرند ، آنان هم چنین می کردند.^۱

۲۱- روز گشایش و درود

عن ابی عبد الله (ع) قال :

واعمل فيه يعدل ثمانين شهرا ، و ینبغی ان یكثر فيه ذکر الله عزوجل ، والصلاة علی النبی (ص) ، ویوسع الرجل فيه علی عیاله .

امام صادق (ع) فرمود :

ارزش عمل در آن روز (عید غدیر) برابر با هشتاد ماه است ، و شایسته است آن روز ذکر خدا و درود بر پیامبر (ص) زیاد شود ، و مرد ، بر خانواده خود توسعه دهد .^۲

۲۲- روز دیدار امام

عن مولانا ابی الحسن علی بن محمد (ع) قال لأبی اسحاق :

و یوم الغدیر فیه اقام النبی (ص) أخاه علیا علما للناس وإماما من بعده ، [قال] قلت :

صدقت جعلت فداک ، لذلك قصدت ، اشهد انک حجة الله علی خلقه .

امام هادی (ع) به ابواسحاق فرمود :

در روز غدیر پیامبر اکرم (ص) برادرش علی (ع) را بلند کرد و به عنوان پرچمدار (و فرمانده) مردم و پیشوای بعد از خودش معرفی کرد .

ابواسحاق گفت : عرض کردم ، فدایت شوم راست فرمودی . به خاطر همین به زیارت و دیدار شما آمدم ، گواهی می دهم که تو حجت خدا بر مردم هستی.^۳

۱ . وسائل الشیعه ۷: ۳۲۷، ح ۱.

۲ . وسائل الشیعه ۷: ۳۲۵، ح ۶.

۳ . وسائل الشیعه ۷: ۳۲۴، ح ۳.

۲۳- روز تکبیر

عن علی بن موسی الرضا (ع):

من زار فيه مؤمنا ادخل الله قبره سبعین نورا و وسع فی قبره و يزور قبره كل يوم سبعون ألف ملك و يبشرونه بالجنة .

امام رضا (ع) فرمود :

کسی که در روز (غدير) مؤمنی را دیدار کند ، خداوند هفتاد نور بر قبر او وارد می کند و قبرش را توسعه می دهد و هر روز هفتاد هزار فرشته قبر او را زیارت می کنند و او را به بهشت بشارت می دهند.^۱

۲۴- روز دیدار و نیکی

قال الصادق (ع):

ينبغي لكم أن تتقربوا إلى الله تعالى بالبر و الصوم و الصلاة و صلة الرحم و صلة الاخوان ، فان الانبياء عليهم السلام كانوا اذا اقاموا اوصياء هم فعلوا ذلك و امروا به .

امام صادق (ع) فرمود :

شایسته است با نیکی کردن به دیگران و روزه و نماز و بجا آوردن صله رحم و دیدار برادران ایمانی به خدا نزدیک شوید ، زیرا پیامبران زمانی که جانشینان خود را نصب می کردند ، چنین می کردند و به آن توصیه می فرمودند.^۲

۲۵- نماز در مسجد غدير

عن أبي عبد الله (ع) قال :

أنه تستحب الصلاة في مسجد الغدير لأن النبي (ص) اقام فيه امير المؤمنين (ع) و هو موضع أظهر الله عزوجل فيه الحق .

امام صادق (ع) فرمود :

۱ . اقبال الاعمال : ۷۷۸ .

۲ . مصباح المتهجد : ۷۳۶ .

نماز خواندن در مسجد غدیر مستحب است ، چون پیامبر اکرم (ص) در آنجا امیرمؤمنان (ع) را معرفی و منصوب کرد . و آنجایی است که خدای بزرگ ، حق را آشکار کرد.^۱

۲۶- نماز روز غدیر

عن أبي عبد الله (ع) قال :

و من صلی فیہ رکعتین ای وقت شاء وأفضله قرب الزوال وهي الساعة التي اقيم فيها امير المؤمنين (ع) بغدير خم علما للناس و ... كان كمن حضر ذلك اليوم ...
امام صادق (ع) فرمود : کسی که در روز عید غدیر هر ساعتی که خواست ، دو رکعت نماز بخواند و بهتر این است که نزدیک ظهر باشد که آن ساعتی است که امیرالمؤمنین (ع) در آن ساعت در غدیر خم به امامت منصوب شد ، (هر که چنین کند) همانند کسی است که در آن روز حضور پیدا کرده است ...^۲

۲۷- روزه غدیر

قال الصادق (ع) :

صيام يوم غدیر خم يعدل صيام عمر الدنيا لو عاش انسان ثم صام ما عمرت الدنيا لكان له ثواب ذلك .

امام صادق (ع) فرمود :

روزه روز غدیر خم با روزه تمام عمر جهان برابر است . یعنی اگر انسانی همیشه زنده باشد و همه عمر را روزه بگیرد ، ثواب او به اندازه ثواب روزه عید غدیر است .^۳

۱ . وسائل الشیعه ۳ : ۵۴۹ .

۲ . وسائل الشیعه ۵ : ۲۲۵ ، ح . ۲ .

۳ . وسائل الشیعه ۷ : ۳۲۴ ، ح . ۴ .

۲۸- روز تبریک و تبسم

عن الرضا (ع) قال :

... و هو يوم التهنة يهنئ بعضكم بعضا ، فإذا لقي المؤمن أخاه يقول :
« الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و الائمة (ع) » و هو يوم
التبسم في وجوه الناس من اهل الايمان
امام رضا (ع) فرمود :

عيد غدیر روز تبریک و تهنیت است . هر یک به دیگری تبریک بگوید ، هر
وقت مؤمنی برادرش را ملاقات کرد ، چنین گوید : « حمد و ستایش خدایی را که به
ما توفیق چنگ زدن به ولایت امیر مومنان و پیشوایان عطا کرد » آری عید غدیر روز
لبخند زدن به چهره مردم با ایمان است ...^۱

۲۹- پیامبر و ولایت علی (ع)

عن ابی سعید قال :

لما کان يوم غدیر خم امر رسول الله (ص) منادیا فنادی : الصلوة جامعة ،
فأخذ یبید علی (ع) و قال :
اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه ، اللهم وال من والاه ، و عاد من عاداه .
ابوسعید گوید :

در روز غدیر خم رسول خدا (ص) دستور داد : منادی ندا دهد که : برای نماز
جمع شوید . بعد دست علی (ع) را گرفت و بلند کرد و فرمود :
خدایا کسی که من مولای اویم پس علی هم مولای اوست ، خدایا دوست بدار
کسی را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی را که با علی دشمنی کند .^۲

۱ . اقبال : ۴۶۴ .

۲ . بحار الانوار ۳۷ : ۱۱۲ ، ح ۴ .

۳۰- زندگی پیامبرگونه

قال رسول الله (ص) :

من يريد ان يحيى حياته ، ويموت مماتى ، ويساكن جنة الخلد التي وعدنى ربي فليتل علي بن ابي طالب ، (ع)
فانه لن يخرجكم من هدى ، ولن يدخلكم فى ضلالة .
رسول خدا (ص) فرمود :

کسی که می خواهد زندگی و مرگش همانند من باشد و در بهشت جاودانه ای که پروردگارم به من وعده کرده ، ساکن شود ، ولایت علی بن ابی طالب (ع) را انتخاب کند ، زیرا او هرگز شما را از راه هدایت بیرون نبرده ، به گمراهی نمی کشاند.^۱

۳۱- پیامبر و امامت علی (ع)

عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال : سمعت رسول الله (ص) يقول لعلي بن ابي طالب (ع) :

يا علي ! أنت أخي و وصيي و وارثي و خليفتي علي امتي في حياتي و بعد وفاتي محبک محبی و مبغضک مبغضی و عدوک عدوی .
جابر بن عبدالله انصاری می گوید :

از رسول خدا (ص) شنیدم که به علی بن ابی طالب (ع) فرمود :
ای علی ، تو برادر و وصی و وارث و جانشین من در میان امت من در زمان حیات و بعد از مرگ منی . دوستدار تو دوستدار من و دشمن و کینه توز تو دشمن من است .^۲

۱ . الغدير ۱۰ : ۲۷۸ .

۲ . امالی صدوق : ۱۲۴ ، ح . ۵۰ .

۳۲- پایه های اسلام

عن أبي جعفر (ع) قال :

بنی الاسلام علی خمس :

الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولاية لم یناد بشیء ما نودی بالولاية يوم الغدير .

امام باقر (ع) فرمود :

اسلام بر پنج پایه استوار شده است : نماز ، زکات ، روزه ، حج و ولایت و به هیچ چیز به اندازه آنچه در روز غدیر به ولایت تاکید شده ، ندا نشده است .^۱

۳۳- ولایت جاودانه

عن أبي الحسن (ع) قال :

ولیة علی (ع) مكتوبة فی صحف جميع الانبياء ولن یبعث الله رسولا الا نبوة محمد و وصیة علی (ع).

امام کاظم (ع) فرمود :

ولایت علی (ع) در کتاب های همه پیامبران ثبت شده است و هیچ پیامبری مبعوث نشد ، مگر با میثاق نبوت محمد (ص) و امامت علی (ع).^۲

۳۴- ولایت و توحید

قال رسول الله (ص) :

ولاية علی بن ابی طالب ولاية الله و حبه عبادة الله و اتباعه فريضة الله و اولیاءه اولیاء الله و اعداؤه اعداء الله و حربه حرب الله و سلمه سلم الله عز و جل .

رسول خدا (ص) فرمود :

۱ . کافی ۲ ، ۲۱ ، ح ۸۰ .

۲ . سفینة البحار ۲ : ۶۹۱ .

ولایت علی بن ابیطالب (ع) ولایت خداست ، دوست داشتن او عبادت خداست ، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خدا هستند ، جنگ با او ، جنگ با خدا و صلح با او ، صلح با خدای متعال است.^۱

۳۵- روز ناله نومیدی شیطان

عن جعفر ، عن ایبه (ص) قال :

ان ابلیس عدو الله رن اربع رنات :

یوم لعن ، و یوم اهبط الی الارض ، و یوم بعث النبی (ص) و یوم الغدیر .

امام باقر (ع) از پدر بزرگوارش امام صادق (ع) نقل کرد که فرمود :

شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد : روزی که مورد لعن خدا واقع شد و

روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم (ص) مبعوث شد و روز عید

غدیر.^۲

۳۶- ولایت علوی دژ توحید

عن النبی (ص) :

يقول الله تبارک و تعالی :

ولیة علی بن ابی طالب حصني ، فمن دخل حصنی أمن من ناري .

پیامبر اکرم (ص) فرمود :

خداوند می فرماید : ولایت علی بن ابیطالب دژ محکم من است ، پس هر کس

داخل قلعه من گردد ، از آتش دوزخ محفوظ خواهد بود .^۳

۱ . امالی صدوق : ۳۲۰

۲ . امالی صدوق : ۳۲۰

۳ . جامع الاخبار : ۵۲ ، ح ۷۰

۳۷- جانشین پیامبر

قال رسول الله (ص) :

يا على انا مدينة العلم و انت بابها ولن تؤتى المدينة إلا من قبل الباب ... انت امام امتی و خلیفتی علیها بعدی ، سعد من اطاعک و شقی من عصاک ، و ربیح من تولک و خسر من عاداک .

رسول خدا (ص) فرمود :

ای علی من شهر علمم و تو درب آن هستی ، به شهر جز از راه درب آن وارد نشوند ... تو پیشوای امت من و جانشین من در این شهر ، کسی که اطاعت تو کند سعادت مند است ، و کسی که تو را نافرمانی کند ، بدبخت است ، و دوستدار تو سود برده و دشمن تو زیان کرده است .^۱

۳۸- اسلام در سایه ولایت

قال الصادق (ع) :

أثافي الإسلام ثلاثة :

الصلوة و الزکوة و الولاية ، لا تصح واحدة منهن إلا بصاحبها .

امام صادق (ع) فرمود :

سنگهای زیربنای اسلام سه چیز است :

نماز ، زکات و ولایت که هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نمی شود.^۲

۳۹- ۵۵ هزار شاهد

قال ابو عبد الله (ع) :

العجب يا حفص لما لقي علي بن ابي طالب !! انه كان له عشرة الاف شاهد لم يقدر علي أخذ حقه و الرجل يأخذ حقه بشاهدين .

۱ . جامع الاخبار : ۵۲ ، ح ۹۰ .

۲ . کافی : ۲ ، ص ۱۸۰ .

امام صادق (ع) فرمود :

ای حفص ! شگفتا از آنچه علی بن ابی طالب (ع) با آن مواجه شد !
او با ده هزار شاهد و گواه (در روز غدیر) نتوانست حق خود را بگیرد ، در
حالی که شخص با دو شاهد حق خود را می گیرد.^۱

۴۰- علی (ع) ، مفسر قرآن

عن النبی (ص) فی احتجاجه یوم الغدیر :

علی تفسیر کتاب الله ، و الداعی الیه ، الا و ان الحلال و الحرام کثر من أن
احصیهما و اعرفهما ، فأمر بالحلال وأنهی عن الحرام فی مقام واحد ، فأمرت أن
أخذ البیعة علیکم و الصفقة منکم ، بقبول ما جئت به عن الله عز و جل فی علی امیر
المؤمنین و الائمة من بعده ، معاشر الناس تدبروا و افهموا آیاته ، و انظروا فی
محکماته و لا تتبعوا متشابیه ، فوالله لن یبین لکم زواجره ، و لا یوضع لکم عن
تفسیره الا الذی انا أخذ بیده .

پیامبر اکرم (ص) روز عید غدیر فرمود :

علی (ع) تفسیر کتاب خدا ، و دعوت کننده به سوی خداست ، آگاه باشید که
حلال و حرام بیش از آن است که من معرفی و به آنها امر و نهی کنم و بشمارم . پس
دستور داشتم که از شما عهد و پیمان بگیرم که آنچه را در مورد علی امیر مؤمنان ، و
پیشوایان بعد او از طرف خداوند بزرگ آوردم ، بپذیرید .

ای مردم ! اندیشه کنید و آیات الهی را بفهمید ، در محکومات آن دقت کنید و
متشابهات آن را دنبال نکنید . به خدا قسم هرگز کسی ندهای قرآن را نمی تواند بیان
کند و تفسیر آن را روشن کند ، جز آن کسی که من دست او را گرفته ام (و او را
معرفی کردم).^۲

۱ . بحار الانوار : ۳۷ ، ۱۴۰ .

۲ . وسائل الشیعه : ۱۸ ، ۱۴۲ ، ح ۴۳ .

عید غدیر و خطبه غدیر

از مدینه تا غدیر

آغاز سفر در سال دهم هجری پیامبر صلی الله علیه و آله برای اولین بار بطور رسمی اعلان عمومی حج دادند تا همه ی مردم در حد امکان حاضر شوند. آن حضرت این سفر را بعنوان 'حجة الوداع' مطرح کردند، که به معنای تنها سفر پر خاطره ی آن حضرت در دلها جا گرفت هدف از این سفر بیان دو حکم مهم از قوانین اسلام بود که هنوز برای مردم بطور کامل و رسمی تبیین نشده بود:

یکی حج، و دیگری مسئله ی خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دستور الهی، پیامبر صلی الله علیه و آله منادیانی را به مدینه و اطراف آن فرستادند و تصمیم این سفر را به اطلاع همه رساندند تا هرکس بخواهد خود را آماده ی این سفر و همراهی آن حضرت نماید پس از اعلان عمومی، عده ی بسیاری از اطراف مدینه به شهر آمدند تا همراه حضرت و مهاجرین و انصار در سفر. مکه ملازم رکاب حضرت باشند با حرکت کاروان پیامبر صلی الله علیه و آله در بین راه مدینه تا مکه افراد قبایل به جمعیت اضافه می شدند. بارسیدن این خبر مهم به مناطق دورتر، مردم اطراف مکه و شهرهای یمن و غیر آن نیز بسوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند و در این اولین سفر رسمی حضرت به عنوان حج شرکت داشته باشند اضافه بر آنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است، و این می توانست باعث شرکت همه جانبه ی مردم باشد جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر در مراسم حج

شرکت کردند، که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند، و جمعیت لبیک گویان در جای جای جاده در حرکت بودند^۱

از مدینه تا مکه

کاروان بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله روز شنبه بیست و پنجم ماه ذی قعدة از مدینه حرکت کردند. به دستور آنحضرت مردم لباس احرام همراه برداشته بودند، و خود حضرت نیز غسل کرده و دو لباس احرام همراه برداشتند؛ و برای احرام تا مسجد شجره در نزدیکی مدینه آمدند اهل بیت معظم پیامبر صلی الله علیه و آله که فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سایر فرزندان آن حضرت بودند، و نیز همسران آن حضرت همگی سوار بر شتران همراه حضرت بودند با رسیدن به 'مسجد شجره' احرام بستند و مسیر ده روزه تا مکه را آغاز کردند، و قافله ای عظیم که شامل مردم سواره و پیاده بود همراه آن حضرت به حرکت در آمدند.^۲

حجاج یمن همراه امیرالمؤمنین در ایامی که سفر حج اعلام شد، امیرالمؤمنین علیه السلام با لشکری از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به 'نَجْران' و سپس 'یمن' رفته بودند. هدف از این سفر دعوت به اسلام و جمع آوری خمس و زکات و جزیه بود و نیز حل اختلافی که بین اهل یمن پیش آمده بود پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام حرکت از مدینه برای امیرالمؤمنین علیه السلام نامه ای فرستادند، و طی آن دستور دادند آن حضرت نیز با لشکر و کسانی از اهل یمن که مایل به شرکت در مراسم حج هستند از آنجا به سوی مکه حرکت کنند.

۱. عوالم العلوم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۶۷ و ۲۹۷. الغدیر: ج ۱ ص ۹ و ۱۰. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۸۴ (و ۳۹۰)، ج ۲۸ ص ۹۵، ج ۳۷ ص ۲۰۱

۲. الغدیر: ج ۱ ص ۹ و ۱۰. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۹۰، ج ۲۸ ص ۹۵، ج ۳۷ ص ۲۰۱. (عوالم العلوم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۲۹۷ - بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰، ج ۳۷ ص ۲۰۱. عوالم العلوم: ج ۳: ۱۵ ص ۲۹۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از پایان کارهای محوله در نجران و یمن، با لشکر همراه و دوازده هزار نفر از اهل یمن عازم مکه شدند. با نزدیک شدن کاروان پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه از طرف مدینه، امیرالمؤمنین علیه السلام هم از طرف یمن به این شهر نزدیک شدند و دستور دادند مردم در میقات اهل یمن احرام ببندید سپس حضرت جانشینی در لشکر تعیین کردند و خود پیشتر به ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله شتافتند، و در نزدیکی مکه خدمت حضرت رسیدند و گزارش سفر را دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار مسرور شدند و دستور دادند هر چه زودتر لشکر همراه و حجاج یمنی را به مکه بیاورد. امیرالمؤمنین علیه السلام به محل لشکر بازگشتند و همراه آنان - همزمان با قافله ی پیامبر صلی الله علیه و آله - روز سه شنبه پنجم ذی حجه وارد مکه شدند، اعمال حج با رسیدن روز نهم ذی حجه مراسم حج آغاز شد.

سپس طواف و سعی و بعد از آن اعمال دیگر حج را به ترتیب به انجام رساندند، و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند. بدینسان تا پایان روز دوازدهم ذی الحجة اعمال سه روزه ی حج پایان یافت.

تحویل میراث انبیاء به صاحب ولایت^۱

پس از پایان مراسم حج دستور الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نازل شد: نبوت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده است. اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیاء را به علی بن ابی طالب بسپار که او اولین مؤمن است. من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجت بعد از "پیامبرم باشد رها نخواهم کرد.

۱. بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۹۶، ج ۳۷ ص ۲۰۲، ج ۴۰ ص ۲۱۶

یادگارهای انبیاء علیهم السلام صُحُفْ آدم و نوح و ابراهیم علیهم السلام و تورات و انجیل و عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و سایر میراث های ارجمندی است که فقط در دست حجج الهی است، و نزد انبیای گذشته و اوصیای ایشان دست به دست گشته تا آن روز که خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله حافظ آن بود، و اینک باید

به اوصیای آن حضرت انتقال می یافت پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام را فرا خواند و مجلس خصوصی تشکیل دادند و ودایع الهی را به آن حضرت تحویل داد، و بدین سان میراث شش هزار ساله ی انبیاء علیهم السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام سپرده شد. این ودایع از امیرالمؤمنین علیه السلام به امامان بعد منتقل شده تا کنون که در دست مبارک آخرین. حجت پروردگار حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام است.

سلام به عنوان امیرالمؤمنین^۱

پیش از حرکت به سوی غدیر، در مکه جبرئیل لقب "امیرالمؤمنین" را به عنوان اختصاص آن به علی بن ابیطالب علیه السلام از جانب الهی آورد، اگرچه این لقب قبلاً نیز برای آن حضرت تعیین شده بود پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا بزرگان اصحاب جمع شوند و طی مراسم خاصی نزد علی علیه السلام بروند و بعنوان "امیرالمؤمنین" بر او سلام کنند و "السلام علیک یا امیرالمؤمنین" بگویند، و بدینوسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیر بودن علی علیه السلام گرفت. در اینجا ابوبکر و عمر به عنوان اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: آیا این حقی از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناک شد و فرمود:

حقی از طرف خدا و رسولش است. خداوند این دستور را به من داده است.

۱. بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۲۰. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۳۹. کتاب سلیم: ص ۷۳۰

اعلان عمومی حضور در غدیر^۱

با اینکه انتظار می رفت پیامبر صلی الله علیه و آله در این اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلام کند فردا- روز چهاردهم ذی حجه- همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در "غدیر خم" حاضر باشند و کسی جز معلولان نباید باقی بماند. انتخاب منطقه ی "غدیر" به امر خاص الهی از چند جهت قابل ملاحظه بود:

یکی اینکه در راه بازگشت از مکه، کمی قبل محل افتراق کاروانها و تقاطع مسیرها در جحفه است.

دوم اینکه در آینده های اسلام که کاروان های حج در راه رفت و برگشت از این مسیر عبور می کنند با رسیدن به وادی غدیر و نماز در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، تجدید خاطره و بیعت با این زیربنای اعتقادی خود می نمایند و یاد آن در دلها احیا می گردد.

سوم اینکه "غدیر" محلی بسیار مناسب برای برنامه ی سه روزه پیامبر صلی الله علیه و آله و ایراد خطبه برای آن جمعیت انبوه بود.

اینک پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دوری ده ساله از وطن خود مکه- بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارش بیایند و مسائل خود را مطرح کنند- با پایان مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در "غدیر" امر نمودند.

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۵، ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۵۸. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۵۹۳.

الغدیر: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۶۸

موقعیت جغرافیایی غدير خم^۱

منطقه ی غدير خم بیابانی باز و وسیع در مسیر سیلاب وادی جحفه بود. این سیلاب از مشرق به مغرب جاری میشد و پس از عبور از غدير به جحفه می رسید و سپس تا دریای سرخ ادامه پیدا می کرد و سیلهای سالیانه را به دریا می ریخت.

در این مسیر آبگیر های طبیعی بوجود آمده بود که پس از عبور سیل، آب های باقیمانده در آن جمع می شدند و در طول سال به عنوان ذخایر آبی شناخته می شدند و به آنها اصطلاحاً "غدير" می گفتند.

در مناطق مختلف، غدير های زیادی در مسیر سیل ها وجود داشت که با نامگذاری از یکدیگر شناخته می شدند.

این غدير هم برای شناخته شدن از غدير های دیگر بنام "غدير خم" نامگذاری شده بود کنار این آبگیر پنج درخت سرسبز و کهنسال از نوع "سَمُر" شبیه درخت چنار وجود داشت، که درخت خاص صحراها است.

این پنج درخت با شاخ و برگ انبوه و قامت بلند، سایبانی خوب برای مسافران خسته ایجاد کرده بود.

لذا در آن شرایط، این بیابان وسیع به عنوان بهترین مکان برای مراسم سه روزه غدير انتخاب شد، و جایگاه سخنرانی زیر همان درختان در نظر گرفته شد که هم مشرف بر بیابان و محل تجمع مخاطبین بود و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطابه بنظر می آمد.

۱. معجم ما استعجم: ج ۲ ص ۳۶۸ و ۴۹۲ و ۵۱۰. لسان العرب: ماده ی خم و غدر. معجم البلدان: ج ۲ ص ۳۵۰ و [۳۸۹، ج ۳ ص ۱۵۹، ج ۴ ص ۱۸۸، ج ۶ ماده غدير. معجم معالم الحجاز: ج ۱ ص ۱۵۶. تاج العروس: ماده خم، غدر. النهاية "ابن اثیر": ماده خم. الروض المعطار: ص ۱۵۶. وفاء الوفاء: ج ۲ ص ۲۹۸. صفة جزيرة العرب: ص ۲۵۹

ورود به منطقه غدیر^۱

روز پنجشنبه قافله ی عظیم غدیر به حرکت درآمد، و سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر بودند به همراه حضرت سفر پنج روزه تا غدیر را آغاز کردند. حتی پنج هزار نفر از اهل مکه و دوازده هزار نفر از اهل یمن- در جهت مخالف مسیر دیار خود- برای درك مراسم غدیر همراه حضرت آمدند طبق فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله کسی از حاجیان در مکه باقی نماند و همه به قصد حضور در بزرگترین همایش تاریخی اسلام عازم میعادگاه غدیر شدند. کاروان از همان مسیری که از مدینه تا مکه آمده بودند باز می‌گشتند. نزدیک ظهر روز دوشنبه هجدهم ذی حجه، همینکه به منطقه ی «غدیر خم» رسیدند، حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ، أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ، أَنَا رَسُولُ اللَّهِ

ای مردم، دعوت کننده ی خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم.^۲ این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است. لذا فرمان دادند تا منادی ندا کند: ”همه ی مردم متوقف شوند، و آنان که پیش رفته اند بازگردند، و آنانکه پشت سر هستند توقف کنند“، تا آهسته آهسته همه ی جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند همچنین دستور دادند: کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن مکان برای برپایی جایگاه سخنرانی خالی بماند.

۱. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵] [و. ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱. الغدير: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۲. مدينة المعاجز: ص ۱۲۸. الفصول المهمة: ص ۲۴ و ۲۵

۲. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱

پس از این دستور، همه ی مَرکبها متوقف شدند، و کسانی که پیشتر رفته بودند بازگشتند، و همه ی مردم در منطقه ی غدیر پیاده شدند، و هر يك برای خود جایی پیدا کردند و برای توقف سه روزه خیمه زدند، و کم کم آرام گرفتند. اینك صحرا برای اولین بار شاهد تجمع عظیم بشری بود. وجود مقدس پنج نور پاك، پیامبر و امیرالمومنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام عظمت این اجتماع بزرگ را چندین برابر می کرد ترکیب مختلفی مردان و زنان، از اقوام و قبایل و شهرهای مختلف، با درجات متفاوتی از ایمان در برابر منبر پیامبر شان زانو زده بودند، که این نیز نقطه ی جالب توجه دیگری از این همایش با شکوه بود.

شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین به حدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه ای از لباس خود را به سر انداخته و گوشه ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده ای از شدت گرما عباي خود را به پایشان پیچیده بودند.

آماده سازی جایگاه سخنرانی و منبر^۱

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله چهار نفر از اصحاب خاص خود یعنی مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را فرا خواندند و به آنان دستور دادند تا به محل درختان کهنسال - که در يك ردیف کنار هم بودند- بروند و آنجا را آماده کنند آنها خارهای زیر درختان را کنند و سنگهای ناهموار را جمع کردند و آنجا را جارو زدند و آب پاشیدند. سپس شاخه های پایین آمده ی درختان را که تا نزدیکی زمین آمده بود قطع کردند، بعد از آن در فاصله ی بین دو درخت، روی شاخه ها پارچه ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه ی سه روزه ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

۱. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۲۰۹. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۴۴ و ۹۷ و ۳۰۱. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۶۷ ح [۳۸۷ و ۳۹۱. احقاق الحق: ج ۲۱ ص ۵۳ و ۵۷

لذا آنها در زیر سایبان، سنگها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها هم کمک گرفتند، و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه ای انداختند. منبر را طوری برپا کردند که نسبت به جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند با توجه به کثرت جمعیت، ربیعه را که صدای بلندی داشت انتخاب کردند تا کلام حضرت را برای افرادی که دورتر قرار داشتند تکرار کند تا مطالب را بهتر بشنوند.

پیامبر و امیرالمؤمنین بر فراز منبر^۱

مقارن ظهر، انتظار مردم به پایان رسید و منادی حضرت ندای نماز جماعت داد. مردم از خیمه ها بیرون آمدند و مقابل منبر جمع شدند و صف های نماز را منظم کردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از خیمه ی خود بیرون آمدند و در جایگاه نماز قرار گرفتند، و نماز جماعت را اقامه فرمودند بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر غدیر بالا رفتند، و بر فراز آن ایستادند. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام را فراخواندند، تا بر فراز منبر در سمت راستش بایستد. قبل از شروع خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر يك پله پایین تر در طرف راست حضرت ایستادند و دست پیامبر صلی الله علیه و آله بر شانه ی آن حضرت بود.

۱. روضة الواعظین: ج ۱ ص ۸۹. "الاحتجاج": ج ۱ ص ۶۶. "اليقين": ص ۳۴۳ باب ۱۲۷. "نزهة الكرام": ج ۱ ص [۱۸۶]. "الْعُدَّة الْقَوِيَّة": ص ۱۶۹. "التحصين": ص ۵۷۸ باب ۲۹ از قسم دوم. "الصراط المستقيم": ج ۱ ص ۳۰۱، به نقل از كتاب "الولاية" تأليف مورخ طبري. "نهج الايمان": ص ۹۲، به نقل از كتاب "الولاية" تأليف مورخ طبري. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۱ تا ۲۰۷. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۴، ج ۳ ص ۵۵۸.

سپس آن حضرت نگاهی به راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. زنان نیز در قسمتی از مجلس نشستند که پیامبر صلی الله علیه و آله را بخوبی می دیدند پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه‌ی رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند. با در نظر گرفتن این شکل خاص سخنرانی، که دو نفر بر فراز منبر ایستاده اند، و بیش از صد و بیست هزار بیننده، آن مبلغ اعظم را می نگرند؛ به استقبال سخنان حضرت خواهیم رفت.

دقت در این نکته لازم به نظر می‌رسد که اجتماع ۱۲۰۰۰۰ نفر برای يك سخنرانی و در مقابل يك خطیب که همه بتوانند او را ببینند، در دنیای امروز هم مسئله‌ی غیر عادی است؛ تا چه رسد به عصر بعثت که در گذشته‌ی شش هزار ساله‌ی انبیا تا آن روز هرگز چنین مجلس عظیمی برای سخنرانی تشکیل نشده بود.

سخنرانی پیامبر^۱

سخنرانی تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر که حدود يك ساعت طول کشید، در یازده بخش قابل ترسیم است:

بنده خدا و تسلیم اویم

حضرت در اولین بخش سخن، به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر نمودند، و: بعد از آن به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند و فرمودند:

به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش دائماً ایمان می آورم. دستور او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم.

۱. بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷. امالی شیخ مفید: ص ۵۷۱

یا ایها الرسول بلغ

در بخش دوم، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند که باید فرمان مهمی درباره ی علی بن ابی طالب ابلاغ کنم، و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده ام و ترس از عذاب او دارم.

همچنین تصریح کردند که خداوند به من چنین وحی کرده است:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ^۱

ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده- درباره ی علی، یعنی خلافت علی بن ابیطالب- و [اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند سپس امر مؤکد پروردگار درباره ی اعلام ولایت را با صراحت تمام مطرح کردند و فرمودند: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم- که او سلام است- مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپاخیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است جز این که پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است:

”إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ“^۲

صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.” و علی بن ابی طالب است که نماز را برپا

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. سوره مائده، آیه ۵۵.

داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عزوجل را قصد می کند. خداوند از من راضی نمی شود، مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

دوازده امام تا آخر دنیا

در سومین بخش، امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا اعلام فرمودند تا همه ی طعمها یکباره قطع شود. برای درك عمیق از اهمیت مسئله فرمودند: ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید از نکات مهم در سخنرانی حضرت، اشاره به عمومیت ولایت آنان بر همه ی انسانها و در طول زمانها و در همه ی مکانها و نفوذ کلماتشان در جمیع امور بود، که به این صورت اعلام فرمودند: خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

نیابت ائمه علیهم السلام از خدا و رسول در حلال و حرام و جمیع امور دنیا و آخرت از نکات بسیار مهم خطبه بود که آن را با کلماتی دقیق بیان فرمودند:

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان "امامان" حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان "امامان" بر شما حرام کرده باشند. خداوند عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

پس از بیان این همه عظمت، مردم را از مخالفت بر حذر داشتند و فرمودند: ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هرکس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر

همه ی مخلوقین از اهل آسمانها و زمینها هستم. هرکس در این مطالب شك کند مانند كفار جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شك کند در همه ی آنچه بر من نازل شده شك کرده است، و هرکس در یکی از امامان شك کند در همه ی آنان شك کرده است، و شك کننده درباره ی ما در آتش است بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: ”هرکس با علی دشمنی کند و. ”ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد.

در اینجا حضرت می خواستند حساس ترین قسمت سخنرانی را که برنامه ای عملی نیز همراه داشت بیان کنند.

لذا برای آمادگی مردم فرمودند: بخدا قسم، باطن قرآن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است؛ و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، و ولایت او از جانب خداوند عزوجل است که بر من نازل کرده است سپس تصاویر زیبایی از ارتباط دو رکن اعظم اسلام ارائه نمودند و فرمودند: ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر يك از این دو از دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

در این مرحله با قاطعیت تمام هرگونه تعرض به مقام صاحب غدیر را حرام شمردند و فرمودند:

بدانید که امیرالمؤمنینی جز این برادر من نیست. بدانید که ”امیرالمومنین” بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

من كنت مولاه فهذا علي مولاه

در بخش چهارم خطبه، پیامبر صلي الله عليه و آله پس از مقدمه چینی های قبل و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد و در این راه هر تلاشی در نطفه خنثی شد، آنچه بطور لسانی فرموده بودند به صورت عملی انجام دادند.

ابتدا به امیرالمؤمنین علیه السلام که بر فراز منبر کنارشان ایستاده بودند، فرمودند: "نزدیکتر بیا".

آن حضرت نزدیکتر آمدند و پیامبر صلي الله عليه و آله از پشت سر دو بازوی او را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را باز کردند تا دستهای هر دو به سوی آسمان قرار گرفت سپس پیامبر صلي الله عليه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را- که يك پله پایین تر قرار داشت- از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر صلي الله عليه و آله قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل ایشان را دیدند که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِاَهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ

هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیار تر بوده ام این علی هم نسبت به او صاحب اختیار تر است. خدایا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس او را خوار کند.

در این قسمت از خطبه، نزول وحی درباره ی کمال دین با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را اعلام نمودند که بسیار احساس برانگیز بود.

حضرت فرمودند:

پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز، این آیه را درباره ی او نازل کردی: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».^۱ «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲

امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم، هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نمی شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. پروردگارا، تو شاهدهی که من ابلاغ نمودم.

دین خدا کامل شد

در بخش پنجم حضرت صریحاً فرمودند: ”ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه.“ خداوند عزوجل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود.

سپس برای آنکه مردم قدر چنین نعمتی را بدانند فرمودند: پیامبران بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند. ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند، ولی نسل من از صلب امیرالمؤمنین علی است. بعد از آن ضمن بیان شمه ای از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی دوستی نمی کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص.

در اینجا با توجه به آیه ی: رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فرمودند:

۱ . سوره مائده، آیه ۳.

۲ . سوره آل عمران، آیه ۸۵.

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده ی رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا بترسید آنطور که باید ترسید، و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

ماجرای سقیفه

مرحله ششم از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله جنبه ی غضب الهی را نمودار کرد. حضرت با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن فرمودند:

منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستیم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده است، و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.

در این مرحله به خلقت نورانی خود و اهل بیت اشاره کردند و فرمودند: ای مردم، نور از جانب خداوند عزوجل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم؛ که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد، می گیرد.

سپس به امامان گمراهی که مردم را به جهنم می کشانند اشاره کرده فرمودند:

ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه ی آتش اند و چه بد است جای متکبران سپس اشاره ای رمزی به ماجرای سقیفه نمودند که نطفه ی آن توسط منافقان در حجة الوداع با امضای صحیفه ی ملعونه در مکه منعقد شده بود، و فرمودند: ”بدانید که آنان اصحاب صحیفه هستند. پس هر يك از شما در صحیفه!!ی خود نظر کند.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله نام ”اصحاب صحیفه“ را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد، و فقط مجریان

سقیفه و عده ی کمی که توسط آن حضرت از ماجرا مطلع بودند، مقصود. حضرت را فهمیدند.

احساس رساندن پیامی بزرگ توسط بزرگِ پیامبران، سنگینی آن را از دوش حضرت برداشته بود. این بود که کلماتی حاکی از این رضایت قلبی بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند .

من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم، تا حجت باشد بر حاضر و غائب، و بر همه ی کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان، و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

در اینجا با صراحت بیشتری درباره ی سقیفه فرمودند: ”به زودی امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند

سپس مسئله ی امتحان الهی و عاقبت غاصبین را چنین مطرح کردند: ”ای مردم، خداوند عزوجل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند. ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه خداوند اهل آن را در اثر تکذیب آیات الهی قبل از روز قیامت هلاک خواهد کرد و آن را تحت حکومت مهدی در خواهد آورد، و خداوند وعده ی خود را عملی می نماید.

ولایت و محبت اهل بیت

در بخش هفتم، حضرت تکیه ی سخن را بر اثرات ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام قرار دادند و سوره ی حمد را- که همه روزه تمام مسلمانان آن را میخوانند- قرائت کردند و فرمودند:

”این سوره درباره ی من نازل شده، و به خدا قسم درباره ی ایشان “امامان” نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره ی آنان است.”

و بیان کردند که اصحاب صراط مستقیم در سوره ی حمد شیعیان اهل بیت علیهم السلام هستند.

سپس آیاتی از قرآن درباره ی اهل بهشت تلاوت فرمودند و آنها را به شیعیان و پیروان آل محمد علیهم السلام تفسیر فرمودند. آیاتی هم درباره ی اهل جهنم تلاوت کردند و آنها را به دشمنان آل محمد علیهم السلام معنی کردند. از جمله فرمودند:

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند، و ملائکه با سلام به ملاقات

آنان می آیند و می گویند: "سَلَامٌ عَلَیْكُمْ، طِبُّنُمْ، فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ".

سلام بر شما، پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید.

نسل امامت، مسئله ی دیگری بود که با لسانی دیگر در این بخش مورد تأکید حضرت قرار گرفت و فرمودند: ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

حضرت مهدی

در بخش هشتم مطالبی اساسی درباره ی حضرت بقیه الله الاعظم الحجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه فرمودند و مفصلاً اوصاف و شئون خاص حضرتش را مطرح کردند و آینده ای پر از عدل و داد به دست امام زمان عجل الله فرجه را به جهانیان مژده دادند. سخنان بلند حضرت برای جمعیتی که در آغاز راه اسلام بودند بسیار تعجب انگیز بود که فرمودند بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده ی آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرك و هدایت کننده ی آنان.

بدانید که اوست گیرنده ی انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده ی دین خدا بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده ی خداوند. اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالا برنده ی آیات الهی. اوست هدایت یافته ی محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است. اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که به عنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او. بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده ی او بین خلقتش و امین او بر نهان و آشکارش. پیمان وفاداری با غدیر در بخش نهم مسئله ی بیعت را مطرح کردند و ارزش و پشتوانه ی آن را چنین بیان فرمودند:

بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من به عنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا میخوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم.

در این باره به قرآن استناد کردند و فرمودند: خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ. فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ. عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا^۱ (سوره ی فتح: آیه ی ۱۰)

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۲۸ ص ۹۰، ج ۳۷ ص ۱۶۶ و ۱۲۷. الغدير: ج ۱ ص ۵۸ و ۲۷۱ و ۲۷۴. عوالم: ج [۱۵:۳۰ ص ۴۲ و ۶۰ و ۶۵ و ۱۳۴ و ۱۳۶ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۲۰۳ و ۲۰۵ و

کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد.

احکام الهی جاودانه است

در دهمین بخش، حضرت درباره ی احکام الهی سخن گفتند که مقصود، بیان چند پایه ی مهم عقیدتی بود.

یکی پیش بینی آینده ی مسلمین در مشکلات که فرمودند: اگر زمان طولی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند. او که خداوند عزوجل بعد از من به عنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم. او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سوال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند.

سپس مسئله ی ثابت بودن احکام الهی تا ابد را با عباراتی بلند بیان فرمودند: ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها بر نگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آن را حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

نکته ی دیگر مسائل جدیدی بود که در آینده برای مسلمین پیش می آمد که در این باره فرمودند: مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزوجل درباره ی امیرالمؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، “و آن موضوع” امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را ملاقات کند.

دیگر اینکه بالاترین امر به معروف و نهی از منکر را تبلیغ پیام غدير اعلام کردند و فرمودند:

بدانید بالاترین امر به معروف آن است که سخن مرا بفهمید و آن را به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عزوجل و از نزد من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم با دوازده امام بیعت کنید. در آخرین مرحله ی خطابه بیعت لسانی انجام شد.

برای این هدف دو زمینه سازی انجام شد یکی بیان علت این بیعت لسانی بود. درباره ی اینکه قبل از بیعت با دست به صورت زبانی از آنان اقرار گرفتند، فرمودند: ای مردم، شما بیش از آن هستید که با يك دست و در يك زمان با من دست دهید، و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره ی آنچه منعقد نمودم برای علی امیرالمؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

دیگری تعیین عبارات حاکی از محتوای بیعت بود که می بایست همه ی مردم به آن اقرار می کردند و بیعت با دست هم حساب میشد. از آنجا که این بیعت بر سر يك مسئله ی موقت و زودگذر نبود بلکه بر سر يك اعتقاد آن هم به بلندای ابدیت بود، لذا حضرت عبارات مفصلی را بر لسان مبارك جاری کردند و از مردم خواستند آنها را عیناً تکرار کنند.

لذا خطاب به حاضرین فرمودند: پس همگی چنین بگوئید:

ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره ی آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی، درباره ی امر امامت امامان علی امیرالمؤمنین و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده

زنده ایم و با آن می میریم و “روز قیامت” با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول برنمیگردیم و پیمان را نمی شکنیم. تو ما را به موعظه ی الهی نصیحت نمودی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنان که خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانه هایمان و ضمائر مان و دستهایمان. هرکس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند. “در این باره” از نفس هایمان دگرگونی نیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم.

خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی. پیداست که حضرت، عین کلامی را که می بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس به شکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به مطلب واحدی که حضرت از آنان می خواهد التزام دهند و بر سر آن بیعت نمایند. مردم نیز پس از هر جمله، آن را تکرار می کردند و بدینوسیله از همان فراز منبر بیعت عمومی گرفته شد همچنین از مردم خواستند خدا را بر چنین نعمتی سپاسگزار باشند که اجازه نداد مردم با انتخاب ناقص خود خلیفه ای برای خود برگزینند، بلکه ذات الهی مستقیماً در این باره تصمیم گیری نمود و نتیجه ی آن را به بشر الزام فرمود کلمات نهایی پیامبر صلی الله علیه و آله دعا برای اقرار کنندگان به سخنانش و نفرین بر منکرین اوامر آن حضرت بود، و با حمد خداوند خطابه ی حضرت پایان یافت.

مراسم سه روزه در غدیر^۱

تبریک و تهنیت غدیر و ولایت پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمان اطاعت می کنیم بعد به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و بایشان دست بیعت می دادند. این ابراز احساسات و فریادهای شعفی که از جمعیت برمی خاست، شکوه و ابهت بی مانندی به آن اجتماع بزرگ می بخشید

در این حال پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ نکته ی قابل توجهی که در هیچ یک از پیروزی های پیامبر صلی الله علیه و آله - چه در جنگها و چه سایر مناسبتها و حتی فتح مکه- سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غدیر فرمودند: به من تبریک بگویید! به من تهنیت بگویید! زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم را به امامت اختصاص داده است؛ و این نشانه ی فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق بود از سوی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به منادی خود دستور دادند تا بین مردم گردش کند و این خلاصه ی غدیر را تکرار کند: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، تا در غدیر بعنوان تابلوی ابدی ولایت بر دلها نقش بندد.

بیعت مردان^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن سخنرانی وعده داده بودند که پس از پایان سخنرانی از شما بیعت خواهم گرفت، آنجا که فرمودند بدانید که من بعد از پایان

۱. بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸. عوالم ج ۳/۱۵ ص ۳۰۹

۲. الغدير: ج ۱ ص ۲۹۱. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۱۹۹. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۱۰۲

خطابه ام شما را به دست دادن با من به عنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم بیعت غدیر به معنای التزام و پیمان وفاداری به ولایت دوازده امام معصوم علیهم السلام بود، و محتوای آن ضمن سخنرانی حضرت تعیین شده بود، و مردم بصورت لسانی به آن اقرار کرده بودند برای آنکه رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم بیعت را بطور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پایان سخنرانی دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی از خیمه ها را مخصوص خود قرار دادند و در آن جلوس فرمودند، و به امیرالمؤمنین علیه السلام دستور دادند تا در خیمه ی دیگر جلوس نماید، و امر کردند تا مردم جمع شوند پس از آن مردم دسته دسته در خیمه ی پیامبر صلی الله علیه و آله حضور می یافتند و با آن حضرت دست بیعت می دادند و تبریک و تهنیت می گفتند.

سپس در خیمه ی مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر می شدند و به عنوان امام و خلیفه ی بعد از پیامبرشان با آن حضرت دست بیعت می دادند و پیمان وفاداری می بستند، و بعنوان امیرالمؤمنین بر او سلام می کردند، و این مقام والا را تبریک می گفتند.

برنامه ی بیعت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند، و برنامه چنان حساب شده بود که همه ی مردم در آن شرکت کردند از کسانی که در غدیر با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نمودند همان هایی بودند که زودتر از همه آن را شکستند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری رو در روی امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند.

جالب اینکه عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند: افتخار برای ت باد، گوارایت باد ای پسر ابی طالب! خوشا به حالت ای ابالحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده ای.

از آن جالب تر اینکه پس از امر پیامبر صلی الله علیه و آله همه ی مردم بدون چون و چرا با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت می کردند، ولی ابوبکر و عمر گفتند: آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش یعنی: از جانب خود می گویی؟ حضرت فرمود:

از طرف خدا و رسولش است. آیا چنین مسئله ی بزرگی بدون امر خداوند می شود؟ و نیز فرمود: آری حق است از طرف خدا و رسولش که علی امیرالمؤمنین است.

بیعت زنان^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا زنان هم با آن حضرت بیعت کنند و به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنند و به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره ی همسران خویش موکد داشتند.

برای این منظور- چون اکثر زنان نامحرم بودند- به دستور حضرت ظرف آبی آوردند و پرده ای بر روی آن زدند بطوری که زنان در آن سوی پرده دست خود را در آب قرار می دادند و امیرالمؤمنین علیه السلام در سوی دیگر دست خود را در آب می گذاشت و بدین صورت بیعت زنان هم با آن حضرت انجام گرفت

یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند. همچنین کلیه ی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ام

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸، ج ۳۷ ص ۱۱۲ و ۱۶۶ و ۱۹۵. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۴۱ و ۹۸ و

۱۴۴ و ۲۰۱. کفایة []. الطالب: ص ۶۴

هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه دختر حضرت حمزه و اسما بنت عمیس در آن مراسم حضور داشتند

عمامه سحاب^۱

عرب هرگاه می خواستند ریاست شخص بزرگی را بر قومی اعلام کنند یکی از مراسمشان بستن عمامه بر سر او بود. اهمیت این برنامه آنگاه بیشتر میشد که شخص بزرگی عمامه ی خود را بر سر کسی ببندد و این به معنای اعتماد بر او بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مراسم غدیر عمامه ی خود را که سحاب نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام بستند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت قرار دادند و فرمودند: عمامه تاج عرب است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین می فرمایند:

پیامبر در روز غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و يك طرف آن را بر دوشم آویختند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین، مرا با ملائکه‌ای که چنین عمامه‌ای به سر داشتند یاری نمود.

شعر غدیر^۲

از زیباترین برنامه های غدیر جلوه ی فرهنگی آن بود که در قالب ادبیات شعری خود را نشان داد. در مراسم پرشور غدیر، حضور حسان بن ثابت شاعر بزرگ عرب از عنایات خداوند بود، چرا که درخواست این شاعر زبردست بسیار جلب توجه کرد او به حضرت عرض کرد: یا رسول الله ، اجازه می فرمایید شعری را که به

۱. بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰ و ۱۶۱. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۸۵ و ۱۳۶

۲. بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶ و ۱۶۲ و ۱۶۷. عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۵۶ و ۵۷ و ۱۲۹ و ۱۴۴.

الغدیر: ج ۱ ص ۱۹۳

مناسبت این واقعه ی عظیم درباره ی علی بن ابی طالب علیه السلام سروده ام
بخوانم؟

حضرت فرمودند: بخوان به نام خداوند و برکت او حسان بر جای بلندی قرار
گرفت و مردم برای شنیدن کلامش ازدحام کردند و گردن کشیدند.

او گفت: ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.

سپس اشعاری را که همانجا سروده بود خواند تا به عنوان سند غدير بماند. ذیلاً

متن عربی شعر حسان و ترجمه ی آن را می آوریم:

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا وَقَدْ جَاءَهُ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ
وَبَلَّغَهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، رَبَّهُمْ
عَلَيْكَ فَمَا بَلَّغْتَهُمْ عَنْ إِلَهُهِمْ فَقَامَ بِهِ إِذْ ذَاكَ رَافِعٌ كَفَّهُ فَقَالَ لَهُمْ:
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ مِنْكُمْ فَمَوْلَاهُ مِنْ بَعْدِي عَلَيَّ وَ إِنِّي
فِي رَبِّ مَنْ وَالِي عَلِيًّا فَوَالِهِ
وَيَا رَبِّ فَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ لِنَصْرِهِمْ
وَيَا رَبِّ فَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ
وَ كُنْ لَهُمْ لَدَى دَوْحٍ حُمٍ حِينَ قَامَ مُنَادِيًّا
بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَاثِيًّا
وَ أَنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ وَ حَاذَرْتَ بَاغِيًّا
رِسَالَتَهُ أَنْ كُنْتَ تَخْشَى الْأَعَادِيَا
يُثْمِنِي يَدِيهِ مُعْلِنُ الصُّوْتِ عَلِيًّا
وَ كَانَ لِقَوْلِي حَافِظًا لِي سَ نَاسِيًّا
بِهِ لَكُمْ دُونَ الْبَرِيَّةِ رَاضِيًّا
وَ كُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيًّا
إِمَامَ الْهُدَى كَالْبُدْرِ يَجْلُو الدِّيَا حِيَا
إِذَا وَقَفُوا يَوْمَ الْحِسَابِ مُكَافِيًّا

آیا نمی دانید که محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کنار درختان غدیر خم به حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سستی مکن که تو محفوظ خواهی بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگار را نرسانده ای.

در اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را بلند کرد و با صدای بلند فرمود:

هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا بیاد می سپارد و فراموش نمی کند، مولای او بعد از من علی است، و من فقط به او - نه به دیگری - به عنوان جانشین خود برای شما راضی هستم. پروردگارا، هر کس علی را دوست بدارد او را دوست بدار، و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار. پروردگارا، یاری کنندگان او را یاری فرما بخاطر

نصرتشان امام هدایت کننده ای را که در تاریکی ها مانند ماه شب چهارده روشنی می بخشد. پروردگارا، خوارکنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می ایستند خود جزا بده

پس از اشعار حسان، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای حسان، مادامی که با زبانت از ما دفاع می کنی، از سوی روح القدس مؤید خواهی بود.

حضور جبرئیل در غدیر^۱

ظهور ملائکه به صورت آدمی در موارد خاصی اتفاق افتاده که پیام خاصی برای هدایت مردم همراه داشته است. در غدیر نیز این اتفاق پس از سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمد و بار دیگر حجت را بر همگان تمام کرد.

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶، ج ۳۹ ص ۳۳۶، ج ۴۱ ص ۲۲۸. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۶۸. کشف المهم: ص ۱۰۹. [بصائر الدرجات: ص ۲۰۱]

مردی زیبا صورت و خوشبوی کنار مردم ایستاده بود و می گفت:

بخدا قسم، روزی مانند امروز هرگز ندیدم. چقدر کار پسر عمویش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافر به خدا و رسولش آن را بر هم نمی زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند.

عمر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: شنیدی این مرد چه گفت؟! حضرت فرمود: آیا او را شناختی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: او روح الامین جبرئیل بود. تو مواظب باش این پیمان را نشکنی، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!

معجزه الهی در غدیر^۱

آنچه در غدیر برای مردم بیان شد بزرگترین پیام اسلام، یعنی ولایت اهل بیت علیهم السلام بود.

اگر در موارد بسیاری از اتمام حجت های الهی معجزه ای از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله صورت می گرفت تا اطمینان قلوب آن مردم و نسل های تاریخ باشد، در غدیر خداوند در حضور پیامبرش مستقیماً معجزه نشان داد و امضای الهی را بر خط پایان غدیر ثبت کرد.

در آخرین ساعات از روز سوم حارث فهری با دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

۱. ای محمد! سه سؤال از تو دارم آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خود را از جانب پروردگارت آورده ای یا از پیش خود گفتی؟

۲. آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده ای یا از پیش خود گفتی؟

۱. بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۱۸۶. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۵.

۳. آیا اینکه درباره ی علی بن ابی طالب گفتی: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ...، از جانب پروردگار بود یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند: خداوند به من وحی کرده است، و واسطه ی بین من و خدا جبرئیل است و من اعلان کننده ی پیام خدا هستم و بدون اجازه ی پروردگارم خبری را اعلان نمی کنم حارث گفت: خدایا، اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذابی دردناک بر ما بفرست.

همینکه سخن حارث تمام شد و به راه افتاد، خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و همانجا او را هلاک کرد و ماجرای اصحاب فیل جلوی دیدگان ۱۲۰۰۰۰ جمعیت حاضر در غدیر تکرار شد.

بعد از این جریان، آیه ی سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ...^۱ [سوره ی معارج: آیات ۱ تا ۳.] نازل شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله رو به مردم کردند و فرمودند: آیا دیدید؟ گفتند: آری.

فرمودند: شنیدید؟ گفتند: آری.

پس از این اقرار مردم فرمودند: خوشا به حال کسی که ولایت او را بپذیرد، و وای بر کسی که با او دشمنی کند.

علی و شیعیانش را می بینم که درروز قیامت سوار بر شتران با چهره هایی جوان، در باغ های بهشت گردانده می شوند در حالی که تاج بر سر دارند و ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند و با رضایتی عظیم از سوی خدا مؤید هستند، و این است رستگاری بزرگ!!

۱. کتاب گزارش لحظه به لحظه غدیر محمدباقر انصاری

تا آنکه در حظيرة القدس از جوار رب العالمين ساکن شوند، که در آن برايشان هر چه بخواهند و آنچه چشمها لذت ببرند آماده است و در آن دائمی خواهند بود، و ملائکه به آنان می گویند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».^۱ [سوره ی رعد: آیه ی ۲۴.]

با این معجزه، بر همگان مسلّم شد که "غدير" از منبع وحی سرچشمه گرفته و يك فرمان الهی است.

از سوی دیگر، تعیین تکلیف برای همه ی منافقان آن روز و طول تاریخ شد که همچون حارث فہری فکر می کنند و به گمان خود خدا و رسول را قبول دارند، و بعد از آنکه می دانند ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداست صریحاً می گویند: ما تحمل آن را نداریم!!

این پاسخ دندان شکن و فوری خداوند ثابت کرد، که هر کس ولایت علی علیه السلام را نپذیرد منکر سخن خدا و رسول است

پایان مراسم غدير^۲

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم غدير پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان "ایام الولاية" در ذهنها نقش بست.

گروهها و قبائل عرب، با دنیایی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او، راهی شهر و دیار خود شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز عازم مدینه گردیدند در حالیکه کاروان نبوت را به سر منزل مقصود رسانده بودند.

خبر "واقعه ی غدير" در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدون شك توسط مسافران و ساربانات و بازرگانان تا اقصی نقاط

۱. بحارالانوار ج ۳۸ ص ۲۳۸ ح ۳۹

۲. عوالم العلوم ج ۳/۱۵ ص ۲۲۲

عالم آن روز یعنی ایران و روم و چین پخش شد و غیر مسلمانان هم از آن با اطلاع شدن بدین وسیله جامعه ی اسلامی بار دیگر قدرت خود را به نمایش گذاشت، و از حملات احتمالی بیگانه مصون ماند.

بدین گونه بود که خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

مَا عَلِمْتُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَرَكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَلَا لِقَائِلٍ مَقَالًا...^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر برای احدی عذری و برای کسی سخنی باقی نگذاشت.^۲

فرهنگ سازی با شعر غدیر توسط امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام که صاحب غدیر است در برابر دشمن غدیر شعری سروده است؛

ماجرا از این قرار است که معاویه نام های به عنوان تفاخر به امیرالمؤمنین نوشت: ای ابالحسن من فضایل بسیاری دارم: پدرم در جاهلیت آقا بود و من در اسلام پادشاه شده ام و من دایی مومنین هستم.

وقتی حضرت علی نامه معاویه را خواند فرمود:

ایا پسر هند جگرخوار با فضایل بر من فخر می فروشد؟! ای غلام آنچه میگویم برایش بنویس و حضرت اشعاری سرود که یک بیت آن درباره غدیر خم بود، که معنی آن به این شرح بود: پیامبر در روز غدیر ولایت خود بر شما را برای من نیز واجب کرد.

وقتی معاویه پاسخ امیرالمؤمنین را خواند گفت: ای غلام این نامه را پاره کن که مبدا اهل شام آن را بخوانند و به علی بن ابی طالب تمایل پیدا کنند.^۱

۱. بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه ۱۰۹

۲. بحارالانوار جلد ۳۷ صفحه ۱۶۳ _عوامل العلوم جلد ۳/۱۵ ص ۲۲۱

غدير در ادعيه

در ادعيه مختلف نیز درباره غدير صحبت شده است : مثلاً در دعای ندبه که مراحل بعثت پیامبران را تا غدير بيان میکند متن واقعه را بسيار ساده می آورد و در مورد آن توضيح می دهد، يا در دعای عديله که دعایی است برای حفظ عقیده در هنگام مرگ و فراموش نکردن اعتقادات میباشد در مورد واقعه غدير صحبت شده است، از آنجا که اين دعا برای یکی از حساس ترین موقعیت های زندگی انسان یعنی موقعیت قبل از مرگ در نظر گرفته شده است، بيانگر جایگاه ویژه واقعه غدير می باشد که با یاد سفر آخرت انسان را متوجه یکی از ابعاد مهم می نماید که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد که متن این دعا در مفاتیح الجنان آورده شده است.

عظيم بودن واقعه غدير برای ملائکه

ملائکه در آسمان ها هيچ جشن سالانه ای جز عيد غدير ندارند. امام رضا عليه السلام از این مراسم ملائکه در آسمان ها خبر داده و فرموده اند:

روز غدير، روزی است که خداوند به جبرئيل امر می کند تا تختی از کرامت خود در مقابل بيت المعمور قرار دهد. سپس جبرئيل بر فراز آن قرار میگیرد و ملائکه از همه آسمان ها جمع می شوند و بر پیامبر (ص) ثنا می فرستند و (برای شیعیان امیرالمومنین و ائمه (ع) و محبین ایشان استغفار می کنند.^۲

همچنین امام صادق عليه السلام از اهدای هدایا توسط ملائکه در مراسم غدير خبر داده و می فرماید: روز غدير نزد اهل آسمان مشهورتر از اهل زمین است. خداوند تعالی در بهشت قصری خلق فرموده که بنای آن خشتی از نقره و خشتی از طلاست. در آن قصر صد هزار اتاق سرخ رنگ و صد هزار خیمه سبز رنگ وجود دارد و خاک آن از مشک و عنبر است. در آن قصر چهار نهر جاری است نهری از شراب و

۱. بحارالانوار جلد ۴۸ ص ۱۴۷

۲. عوالم العلوم جلد ۳/۱۵

نهری از آب و نهری از شیر و نهری از غسل در کناره ی این نحرها درختانی از انواع میوه ها قرار دارد و بر آن درختان پرندگانی هستند که بدن های آنها از لولو و بال هایشان از باقوت است و به انواع صداها می خوانند.

روز غدیر که فرا می رسد اهل آسمان ها وارد این قصر می شوند و تسبیح و تقدیس و تهلیل می گویند. آن پرندگان هم به پرواز در می آیند و خود را به آب میزنند و سپس در آن مشک و عنبر می غلتند. آنگاه که ملائکه شدند بار دیگر به پرواز در می آیند و آن عطرها را بر آنان می پاشند و ((ملائکه در روز غدیر، نثار فاطمه(س) همان میوه های درخت طوبی که در شب زفاف حضرت به امر الهی از آن درخت در آسمان ها پخش شد و ملائکه آنها را به عنوان یادگار برداشتند - به یکدیگر هدیه می دهند.^۱

وقتی آخرین ساعات روز غدیر فرا می رسد ندا می آید به مراتب و درجات خود برگردید که به حرمت محمد و علی علیه السلام تا سال آینده در چنین روزی از لغزش و خطر در امان خواهید بود.^۲

ائمه و غدیر

امامان نیز بر این پایه اصلی امامت حتی در مقابل دشمنان سرسخت غدیر تاکید فرموده اند. از جمله، ایامی است که امام کاظم(ع) در زندان بود و هارون حضرت را احضار نموده و درباره ولایت اهل بیت (ع) بر مردم از آن حضرت سوال کرد. حضرت فراتر از خیال هارون به او پاسخ داد و دلیل آن را کلام پیامبر ذکر کرده و فرمود ما می گوئیم ولایت همه خلایق با ماست!!... و ما این ادعا را از کلام پیامبر در غدیر خم می نمایم که فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه»^۳

۱. عوالم العلوم جلد ۳/۱۵ ص ۲۲۳

۲. بحارالانوار جلد ۳۷ ص ۱۰۹ ح ۲

۳. عوالم العلوم جلد ۳/۱۵ ص ۲۱۱

آموزش تبریک غدیر توسط ائمه

نکته جالب اینجاست که نه فقط دستور تبریک در روز عید غدیر به ما داده شده است بلکه کیفیت آن را نیز به ما آموزش داده اند تا ابعاد اعتقادی این روز بزرگ را در تهنیت گویی آن بکار ببریم در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

هرگاه در این روز برادر مومن خود را ملاقات کردی بگو:

شکر خدایی را که ما را به این روز گرامی داشته و ما را از مومنان و از وفاداران قرار داده و به پیمانی که با ما بسته و عهده‌ای که درباره‌ی الیان امرمان و برپا دارندگان عدالت از ما گرفته و ما را از منکران و تکذیب کنندگان روز (قیامت) قرار نداده است.^۱ همچنین امام رضا علیه السلام ضمن اشاره به معنای تبریک غدیر که سپاسگزاری از نعمت عظیم ولایت می‌باشد فرموده اند این روز به یکدیگر تبریک و تهنیت بگویید و هر گاه برادر مومن خود را ملاقات کردید چنین بگویید: سپاس خدایی را که ما را از توسل کنندگان به ولایت امیرالمومنین علیه السلام قرار داده است.^۲

رسمیت عید غدیر به امر پیامبر (ص)

پس از بازگشت به مدینه پیامبر نه تنها روز غدیر را عید رسمی اعلام کردند بلکه آن را اعظم اعیاد نامیدند بدین معنی که در طول سال اسلامی هیچ مناسبت فرخنده و شادی آوری بالاتر از عید غدیر نیست و در این باره فرمودند:

روز غدیر برترین اعیاد امت من است و آن همان روزی است که خداوند تعالی به من دستور داد برادرم علی بن ابیطالب را برای امت منصوب نمایم تا بعد از من به وسیله او هدایت شوند غدیر روزی است که خدا دین را در آن کامل کرد و نعمت را در آن به کمال رساند و اسلام را به عنوان دین آنان راضی شد. من علی را علم و

۱. بحارالانوار جلد ۹۴ ص ۱۱۴ و ۱۱۵

۲. عوالم العلوم ج ۳/۱۵ ص ۲۱۳ — الیقین ص ۳۷۲ باب ۱۳۲

علامت برای اتمم در زمین منصوب نکردم مگر بعد از آنکه خداوند نام او را در آسمانها مشهور کرد و ولایت او را بر ملائکه اش واجب فرمود.^۱

همچنین پیامبر به طور خاص دستور عید گرفتن این روز را برای بعد از خود به امیرالمومنین علیه السلام وصیت فرموده و سابقه این عید را قبل از وقوع آن در زمان نمایندگان و حجج الهی خبر داد که به امر خدا به بزرگداشت این روز اقدام می کردند آن حضرت در این باره فرمودند: انبیا هم چنین می کردند و به جانشینان خود وصیت می کردند که این روز را عید بگیرند.^۲

اما اجرای رسمی جشن غدیر به صورت حکومتی اولین بار در خلافت ظاهری امیرالمومنین علیه السلام دقیقاً ۲۵ سال بعد از غدیر اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یک سال به بهانه مقارن شدن عید غدیر با روز جمعه حضرت علی علیه السلام توانست عزت غدیر را با خطبه نماز جمعه مطرح فرماید و مطالب مفصلی درباره آن بیان کنند که بسیاری از مردم آن را متعجبانه میشنیدند و حضرت علی علیه السلام در این روز از رسمیت غدیر سخن گفتند و با اشاره به جمع شدن دو عید رسمی اسلام در آن روز فرمودند:

خداوند در این روز دو عید عظیم و بزرگ را برای شما جمع کرده است... خداوند دینی را قبول نمی کند مگر با ولایت آن که به ولایتش دستور داده و اسباب اطاعتش با تمسک به دستاویزهای او و اهل ولایتش نظام می یابد.

این است که خداوند در روز غدیر بر پیامبرش فرستاد آنچه بیانگر اراده اش درباره انتخاب شدگانش بود و به او دستور ابلاغش را داد... و برای او حفظ از منافقین را ضمانت نمود. خداوند دینش را کامل کرد و چشم پیامبرش و مومنان و تابعین را روشن ساخت.

۱. عوالم العلوم ج ۱۵/۳ ص ۲۱۳

۲. عوالم العلوم ج ۱۵/۳ ص ۲۱۱

امروز روز عظیم الشانی است و روز کمال دین است همچنین حضرت علی علیه السلام پس از اعلام عمومی عید غدیر با تدارک که از قبل توسط امام مجتبی علیه السلام دیده شده بود، مردم را برای پذیرایی و خانه آن حضرت دعوت نمود پس از نماز جمعه حضرت به همراه مردم به مجلس جشنی رفتند که امام حسن علیه السلام در منزلشان گرفته بودند و در آنجا اطعام و پذیرایی مفصل از شرکت کنندگان به عمل آمد.^۱

فضیلت غدیر از دیدگاه امام صادق (ع)

در روزگار امام صادق علیه السلام با انقراض بنی امیه و قبل از قدرت گرفتن بنی عباس، حضرت توانستند بار دیگر به احیای رسمیت غدیر بپردازند از یک سو اهمیت سرور در این روز را مطرح کردند و فرمودند روز غدیر روز شریف و عظیمی است... این روز عید و شادی و سرور است.^۲

از سوی دیگر عید الهی بودن این روز را متذکر شدند و فرمودند: روز غدیر خم روزی است که خداوند آن را برای (شیعیان و محبان) ما عید قرار داده است.^۳ سپس عنوان بزرگترین عید الهی را برای غدیر به میان آوردن و فرمودند عید غدیر عید الله اکبر است.^۴

سپس امام صادق علیه السلام غدیر را بر سایر اعیاد رسمی اسلامی مطرح کرده و فرمودند: عید غدیر خم از عید فطر و قربان و روز جمعه و روز عرفه افضل است و نزد خداوند منزلت والاتری دارد.^۵

۱. عوالم العلوم ج ۳/۱۵ ص ۲۱۰؛ ۲۱۱؛ ۲۱۲

۲. عوالم العلوم ج ۳/۱۵ ص ۲۲۳

۳. عوالم العلوم ج ۳/۱۵ ص ۲۲۶

۴. بحار الانوار ج ۲۸ ص ۲۰۵

۵. بحار الانوار ج ۲۸ ص ۲۷۳

برگزاری عید غدیر توسط امام رضا و امام هادی علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمودند این روز روز عید اهل بیت محمد (ص) است.^۱

امام هادی علیه السلام نیز در این باره فرمودند: روز غدیر روز عید است و افضل اعیاد نزد اهل بیت و محبان ایشان. به شمار می آید.^۲

همچنین ثامن الائمه (ع) علاوه بر اعلام رسمی شخصاً جشن غدیر را در میان دوستان اهل بیت (ع) برپا ساختند. این رسمیت هم با پذیرایی دوستان تحقق یافت و هم با فرستادن هدایا به منازل آنان در محیط خانواده‌ها رسمیت غدیر احیا شد.

اهمیت انتقال و ترویج غدیرانتقال و ترویج غدیر در میان معصومین از چنان اهمیتی برخوردار بوده که آنها در سخت ترین موقعیت ها هم آن را فراموش نکرده اند از جمله این موقعیت های دشوار و حساس می توان به موارد زیر اشاره نمود:

حضرت زهرا از پشت در آتش زده^۳

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: گویا شما نمیدانید پیامبر در روز غدیر خم چه فرمود؟! به خدا قسم در آن روز برای علی بن ابیطالب پیمان ولایت را بست تا بدان وسیله امید شما را از آن قطع کند.

حضرت علی علیه السلام در حال بیعت به زور طناب و شمشیر^۴

حضرت علی علیه السلام در آن شرایط دشوار فرمودند ای مسلمانان ای مهاجرین و انصار شما را به خدا قسم میدهم آیا از پیامبر شنیدید که در روز غدیر خم چه می فرمود؟

۱. دلائل الامامه ص ۳۸_خصال ص ۱۷۳_بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۶۱

۲. بحار الانوار ج ۳۱ صفحه ۳۳۲_۳۵۱_۴_۳۸۱_۳۷۳_

۳. الغدير ج ۱ ص ۱۸۶_۵

۴. بحار الانوار ج ۳۳ ص ۳۸۸_۶

حضرت زهرا علیہ السلام در عیادت غیر مترقبہ نمایندگان سقیفہ از ایشان^۱
امیرالمومنین (ع) در شورای فرمایشی عمر برای ادامہ غضب خلافت^۲

امیرالمومنین فرمود: شما را بہ خدا قسم میدہم آیا در بین شما غیر از من کسی
ہست کہ پیامبر در روز غدیر خم را بہ امر خداوند منصوب کردہ و فرمودہ باشد: من
کنت مولاه فعلی مولاه، اللہم وال من والاہ و عاد من عاداہ، فلیبلغ الحاضر الغائب؟
ہمہ اقرار کردند و گفتند کسی جز تو صاحب این فضیلت نیست بہ اقتضای
حساسیت آن لحظات حضرت بعد دیگری از غدیر را مطرح کردہ و در ادامہ فرمود:
آیا کسی غیر از من در بین شما ہست کہ پیامبر در جحفہ کنار درختان غدیر خم بہ
فرمودہ باشد ہرکس تو را اطاعت کند مرا اطاعت کردہ و ہر کس مرا اطاعت کند
خدا را اطاعت کردہ و ہرکس از تو سرپیچی کند مرا عصیان نمودہ و ہر کس از من
سرپیچی کند از خدای تعالی سرپیچی کردہ است؟ ہمہ در پاسخ بہ قسم دادن
امیرالمومنین اقرار کردند و گفتند کسی جز تو صاحب این مقام نیست.

حضرت علی علیہ السلام در جنگ جمل^۳

در جنگ جمل امیرالمومنین طلحہ را بہ وسط میدان جنگ فراخواند او را پیش
چشم ہمہ محاکمہ کرد و فرمود تو را بہ خدا قسم می دہم کہ از پیامبر شنیدی کہ
میفرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللہم وال من والاہ و عاد من عاداہ؟
طلحہ گفت آری؛

حضرت فرمود پس چرا بہ جنگ من آمدہ ای؟

۱. کتاب سلیم حدیث ۲۵-۷

۲. بحارالانوار ج ۳۸ ص ۲۳۸ ح ۳۹-۸

۳. بحارالانوار ج ۹ ص ۳۱-۴۴۷ ج ۳۷ ص ۱۹۹/عوالم العلوم ج ۳/۱۵ ص ۸۹-۴۹۰/الغدیر
ج ۱ ص ۹۳/مسند احمد ج ۱ ص ۸۴/شرح نہج البلاغہ ج ۱ ص ۳۶۱-ج ۴ ص ۴۸۸/تاریخ ابن عساکر
ج ۳ ص ۵۰

گفت: در خاطر من نبود!

سپس طلحه به لشکر!!!! خود بازگشت .

حضرت علی علیه السلام در حرکت برای جنگ با معاویه^۱

حضرت علی علیه السلام بر منبر در میدان جنگ صفین^۲

حضرت علی علیه السلام در پاسخ منظوم به تکبر معاویه^۳

در پاسخ به نامه ای که معاویه متکبرانه به حضرت علی علیه السلام نوشته بود و خواسته بود که به دروغ به ایشان فخر فروشی کند، حضرت علی علیه السلام نامه ای به او نوشتند و شعری در مورد غدیر سرودند که معاویه از بیم اینکه شامیان با خواندن آن به حضرت علی علیه السلام تمایل پیدا کنند، نامه را پاره کرد.

حضرت علی (ع) در حکومت غدیر و حیات صاحب غدیر در مجلسی عظیم و غیرعادی^۴

حضرت علی علیه السلام مجلسی ترتیب دادند که از نظر موقعیت جغرافیایی مرکزی ترین نقطه پایتخت کشور پهناور اسلام بود که شامل حجاز و عراق و شام و ایران می شد.

میدانی که دقیقاً کنار مسجد کوفه و دارالاماره قرار داشت و جایی وسیع تر و همگانی تر از آن وجود نداشت از نظر افراد نیز صحابه پیامبر که در غدیر حاضر بودند که از دوستان قدیمی از مخالفان به این مجلس دعوت شدند تا گذشته از حضور در مجلس درباره آن شهادت دهند.

۱ . اثبات الهداه ج ۲ ص ۸۸ ح ۳۶۰ / بحار الانوار ج ۱۰ ص ۱۳۹-۱۰

۲ . بحار الانوار ج ۴ ص ۷۵-۸۳-۱۱

۳ . بحار الانوار ج ۳ ص ۱۴۰ ح ۳۴-۱۲

۴ . اثبات الهداه ج ۲ ص ۱۶ ح ۶۷-۶۱ ح ۸۷ / بحار الانوار ج ۳ ص ۱۷۲-۱۳ ح ۵۵

مجلسی عظیم و غیر عادی تشکیل شد و امیرالمومنین به عنوان حاکم مطلق کشور بزرگ اسلام بر فراز منبر قرار گرفت و صحابه را درباره غدیر دو گونه قسم داد. یکی این که به اصل واقعه غدیر شهادت دهند و دیگر اینکه جزئیات ماجرا را برای مردم بازگو کنند. حضرت در این مجلس شاهدان غدیر را ملزم کرد که مشاهدات خود را برای نسلی که در آن روز نبوده اند بازگو کند.

پس از این کلام حضرت عده زیادی از صحابه پیامبر (که حداقل ۳۰ نفر ذکر شدند) برخاستند و غدیر را آنچنان که دیده بودند بازگو نمودن و شهادت خود را نسبت به آن اعلام کردند.

در این میان چهار نفر از اصحاب پیامبر برای شهادت بر نخواستند و سکوت آنان توجه مردم را جلب کرد بنابراین حضرت علی علیه السلام برای جلوگیری از تاثیر منفی این حرکت از این چند نفر خواستند تا از نظر خود را بیان دارند و فرمودند: شما که در غدیر حاضر بودید چرا برنمیخیزید و شهادت نمیدهید؟ گفتند سن ما بالا رفته و فراموش کرده ایم!

حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای آنس، اگر از پیامبر شنیدی که فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه و امروز بر نمی خیزی برای من به ولایت شهادت دهی از دنیا نروی، مگر به برص مبتلا گردی که نتوانی آن را پنهان کنی.

و تو ای اشعث اگر از پیامبر این ندا را شنیدی و امروز برای من به ولایت شهادت نمی دهی از دنیا نروی، مگر آنکه خداوند چشمانت را کور کند و اما تو ای خالد بن یزید، اگر این ندا را از پیامبر شنیدی و برای من امروز به ولایت شهادت نمی دهی، خدا تو را به مرگ جاهلیت بمیراند و تو ای براء بن عازب، اگر این پیام را از پیامبر شنیدی و امروز برای من به ولایت شهادت نمیدهی، خدا تو را در همان جایی که از آن هجرت کرده ای یعنی یمن بمیراند و چهار نفر دیگر هم بودند که برای شهادت بر نخواستند که حضرت هر یک از آنان را نیز نفرین کرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام بر منبری مقابل معاویه^۱

امام حسن مجتبی علیه السلام در مجلس اهانت به صاحب غدیر^۲

امام حسن مجتبی علیه السلام مجبور به حضور در مجلس شدند که به آن حضرت و پدر بزرگوارش ناسزا گفتند و اینان جز معاویه و عمروعاص و گروهی از سابقه داران سقیفه کسان دیگری نبودند آنقدر بی مقدار و بی ادب بودند که لیاقت پاسخ نداشتند ولی این شرایط حساس بستر مناسبی برای تبلیغ واقعه غدیر بود چرا که تا به امروز گفتگوی آن مجلس ضبط شده و میلیونها نفر آن را شنیده‌اند.

امام حسن علیه السلام پس از جسارتهای آنان سخن را آغاز کرده و فرمودند: پیامبر در حالی که بر فراز منبر بود علی علیه السلام را فرا خواند و سپس او را با دستانش گرفت و فرمود: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه
خدایا هرکس با علی دشمنی کند برای او در زمین نشیمنگاهی و در آسمان راه سعودی قرار نداده و او را در پایین ترین درجه آتش قرار ده.

امام باقر(ع) در مقابله با یکی از ارکان فرهنگی سقیفه^۳

حسن بصری یکی از محدثان سقیفه است که با نفاق خود گفته هایش را مقبول همه قرار میداد و دورویی او برای همه معلوم بود. یکی از موارد نفاق او در تفسیر آیات قرآن بود که در این جهت نیز شهرتی به دست آورده بود.

آیت مربوط به اهل بیت را بیان نمی کرد و درباره آنها به ابهام می گذراند. در این شرایط حساس حسن بصری که خود را در اجتماع به عنوان یک مرجع علمی معرفی کرده بود در مجلس امام باقر علیه السلام که آیات غدیر مطرح شد، سکوت کرد.

۱. بحارالانوار ج ۴۸ ص ۱۴۷-۱۴۸

۲. مصباح المجتهد ص ۶۹۱/بحارالانوار ج ۹۷ ص ۳۶۰-۳۶۱

۳. کتاب تبلیغ غدیر محمدباقر انصاری

مردی به نام اعشی عرض کرد: حسن بصری آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک را میخواند و میگوید: درباره مردی نازل شده و نام او را نمی گوید. امام باقر علیه السلام موقعیت را مغتنم شمرده از همین فرصت تبلیغ غدیر را نشانه رفت و فرمودند: او را چه شده است؟ خدا نمازش را قبول نکند اگر میخواست خبر میداد درباره چه کسی نازل شده است.

جبرئیل بر پیامبر نازل شد و عرض کرد خداوند به شما امر می کند امتت را راهنمایی کنی که ولیشان کیست و این آیه را نازل کرد پیامبر هم قیام کرد و دست حضرت علی را...گرفت و بلند کرد و فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه.

امام صادق (ع) در سفر مکه کنار برکه غدیر

امام صادق علیه السلام پس از طی ۲۰۰ کیلومتر از مدینه به مسجد غدیر رسیدند و به بازسازی صحنه غدیر پرداخته و با نگاهی به سمت چپ مسجد فرمود آن جای پای پیامبر است هنگامی که می فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه و با نگاهی به سمت دیگر مسجد فرمودند: آنجا جای خیمه ابوبکر و عمر و سالم مولی ابی حذیفه و ابوعبیده جراح است.

امام کاظم (ع) در برابر هارون در اوج خلافت

هارون که خود را در قله خلافت نشان داده و به آفتاب می گوید هر کجا سیر کنی از مملکت من خارج نیستی، امام کاظم علیه السلام را فرا می خواند و در همین زمینه از آن حضرت سوال می کند و امام نیز در پاسخ تمام طول و عرض حکومت هارون را گوشه ای از حکومت الهی خود اعلام کرده و فرمودند: ما می گوئیم ولایت همه خلایق با ماست که ولایت دین است و این جاهلان آن را پادشاهی می پندارند و این ادعا را از کلام به پیامبر در غدیر خم می نمایم که فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه.

امام علی النقی علیه السلام در نجف در عید غدیر

امام علی النقی علیه السلام در شرایط حساسی که معتصم عباسی ایشان را از مدینه به سامرا تبعید کردند در روز عید غدیر به کوفه آمدند و سپس در نجف امیرالمومنین را زیارت کردم و زیارتنامه مفصلی که یک دوره کامل اعتقادی درباره فرهنگ غدیر از خواندند و ماجرای غدیر را ضمن آن به مردم آموزش دادند.

خطبه غدیر

بخش اول: حمد و ثنای الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ فَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ

ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است ؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است . بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود ، بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

مَجِيداً لَمْ يَزَلْ مَحْمُوداً لَا يَزَالُ بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاجِي الْمَذْخُوتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضَيْنِ وَ السَّمَاوَاتِ قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ - مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَأءِهِ مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءهِ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست . اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزله از خصایص آفریده هاست و در منزله بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است . هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش. آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست . به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ لَا يُعَجَّلُ
بِإِتْقَامِهِ وَ لَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ قَدْ فَهَمَ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الصَّمَائِرَ وَ لَمْ
تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَ لَا اسْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ

و بردبار و شکیباست . رحمت اش جهان شمول و عطایش منت گذار . در
انتقام بی شتاب و در کیفر سزاواران عذاب ، صبور و شکیباست . بر نهان ها آگاه و بر
درون ها دانا . پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است .

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءٌ دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی . نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر
پدیده ویژه اوست . او را همانندی نیست و هموست ایجادگر هر موجود در
تاریکستان لاشیء . جاودانه و زنده و عدل گستر . جز او خداوندی نباشد و . اوست
ارجمند و حکیم .

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا يَلْحَقُ
أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنَةٍ وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَ عَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ
عَلَى نَفْسِهِ

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها . بر پنهانی ها آگاه و بر
کارها داناست . کسی از دیدن به . وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار
دست نیابد مگر ، او - عزوجل - خود ، راه نماید و بشناساند .

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ وَ الَّذِي يُغَشِّي الْأَبَدَ نُورَهُ وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ
بِلَا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ - وَ لَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ وَ لَا تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى
غَيْرِ مِثَالٍ وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لَا تَكْلُفٍ وَ لَا اخْتِيَالٍ أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ
بَرَأَهَا فَبَانَتْ فَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ * الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ الْعَدْلُ
الَّذِي لَا يَجُورُ وَ الْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ

و گواهی می دهم که او الله است . همو که تنزهش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش ابدیت را شامل است . بی مشاور ، فرمانش را اجرا ، بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور ساماندهی فرماید . صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی ، هستی بخشیده است . جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است . پس اوست « ا » که معبودی به جز او نیست . همو که صنعش استوار است و . ساختمان آفرینشش زیبا . دادگری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارها به او باز می گردد

و أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَلِكُ الْأَمْلَاقِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَ مُسَخَّرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى * يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا قَاصِمٌ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

گواهی می دهم که او الله است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزتش رام و به توانایش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند . پادشاه هستی ها و چرخاننده سپهر ها و رام کننده آفتاب و ماه که هریک تا اجل معین جریان یابند . او پرده شب را به روز و پرده روز را - که شتابان در پی شب است - به شب پیچد . اوست شکننده هر ستمگر سرکش و نابود کننده هر شیطان رانده شده

لَمْ يَكُنْ مَعَهُ صِدٌّ وَ لَا يُدُّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جَدَّ يَشَاءُ فَيَمْضِي وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي وَ يَعْلَمُ فَيَحْصِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ يُفْقِرُ وَ يُغْنِي وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ * لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

نه او را ناسازی باشد و نه برایش انباز و مانندی . یکتا و بی نیاز ، نه زاده و نه زاییده شده ، او را همتایی نبوده ،

خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به انجام رساند. اراده کند و حکم نماید. بداند و بشمارد. بمیراند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند. بخنداند و بگریاند. نزدیک آورد و دور برد. بازدارد و عطا کند. اوراست پادشاهی و ستایش. به دست توانی اوست تمام نیکی. و هموست بر هر چیز توانا. شب را در روز و روز را در شب فرو برد. معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛

مُحِبُّ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِخِينَ وَ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلْحِحِينَ الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ وَ الْمُؤَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ وَ مَوْلَى الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ

اجابت کننده دعا و افزاینده عطا، بر شمارنده نفس ها؛ پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید، فریادفریادکنندگان او را آزرده نکنند و اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد. نیکوکاران را نگاهدار، رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان.

أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ وَ أَوْمِنُ بِهِ وَ بِمَلَأْنِكَتِهِ وَ كُتْبِهِ وَ رُسُلِهِ أَسْمَعَ أَمْرِهِ وَ أَطِيعَ وَ أَبَادِرْ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَ أَسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرُهُ وَ لَا يَخَافُ جُورُهُ

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی و به او و فرشتگان و نبشته ها و فرستاده هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می گذارم و اطاعت می کنم؛ و به سوی خشنودی او میشتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به فرمانبری او شائق و از کیفر او ترسانم.

زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از بی عدالتیش ترسان نباشد. زیرا او را ستمی نیست.

بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم

وَأُفِّرْ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدْ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحُلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ

لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَغْتُ رِسَالَتَهُ وَقَدْ صَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةُ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ

و اکنون به عبودیت خویش و پروردگاری او گواهی می دهم . و وظیفه خود را در آنچه وحی شده انجام می دهم مباد که از سوی او عذابی فرود آید که کسی یاری دور ساختن آن از من نباشد . هر چند توانش بسیار و دوستی اش (با من) خالص باشد . - معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی) نازل کرده به مردم نرسانم ، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام ؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برایم تضمین کرده و البته که او بسنده و بخشنده است.

فَأَوْحَى إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلَيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

پس آنگاه خداوند چنین وحی ام فرستاد: (به نام خداوند همه مهر مهرورز . ای فرستاده ما! آن چه از سوی پروردگارت درباره علی و خلافت او بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده » . و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جَبْرِئِيلَ ع هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَيْضٍ وَ أَسُودَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع أَخِي وَ

وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ

ہاں مردمان ! آنچہ بر من فرود آمدہ ، در تبلیغ آن کوتاہی نکرده ام و حال برایتان سبب نزول آیہ را بیان می کنم: همانا جبرئیل سه مرتبہ بر من فرود آمد از سوی سلام ، پروردگارم - کہ تنها او سلام است - فرمانی آورد کہ در این مکان بہ پا خیزم و بہ ہر سفید و سیاہی اعلام کنم کہ علی بن ابی طالب برادر ، وصی و جانشین من در میان امتو امام پس از من بودہ جایگاہ او نسبت بہ من بہ سان ہارون نسبت بہ موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواہد بود او (علی)، صاحب اختیاران پس از خدا و رسول است ؛

وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ^۱ وَ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ

و پروردگارم آیہ ای بر من نازل فرمودہ کہ : (همانا ولی ، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و مومنانی ہستند کہ نماز بہ پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.) و ہر آینہ علی بن ابی طالب نماز بہ پا داشتہ و در رکوع زکات پرداختہ و پیوستہ خداخواہ است.

وَ سَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِدْغَالِ^۲ الْآثِمِينَ وَ خَلَلِ^۳ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْإِسْنَةِ^۴ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ يَحْسِبُونَهُ هَيِّئًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

و من از جبرئیل درخواستم کہ از خداوند سلام اجازہ کند و مرا از این ماموریت معاف فرماید . زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسہ ملامت گران و مکر

^۱ (۲) المائدة: ۵۵.

^۲ (۳) الإدغال: المخالفة و الخيانة، و ادغل في الأمر: ادخل فيه ما يفسده.

^۳ (۴) الخلل: الخديعة.

مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصفشان فرموده: (به زبان آن را میگویند که در دلهایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند.) حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است.

وَ كَثْرَةُ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أُذْنًا؛ وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِنِّي وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا- وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ- خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ الْآيَةُ

و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانده تا بدانجا که مرا اُذن [سخن شنو و زودباور] نامیده اند ، به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من، تا بدانجا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو فرستاده : (و از آنانند کسانی که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند : او سخن شنو و زودباور است .)

بگو: آری سخن شنو است . - بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماس است . او (پیامبر صلی الله علیه و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راستگو می انگارد.

وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَيْتُ- وَ أَنْ أُوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأُوْمَأْتُ وَ أَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ وَ كُلَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا ص- يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلَيٍّ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می توانستم . لیکن سوگند به خدا در کارشان کرامت نموده لب فرو بستم . با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی علیه السلام

۴ (۵) الاذن بضمين: الرجل المستمع لما يقال له.

فرو فرستاده به گوش شما برسانم . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خواند : ای پیامبر ما ! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی - ابلاغ کن ؛ وگرنه کار رسالتش را انجام نداده ای . و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.

بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام
 فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَقَهُ فَقَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ

هان مردمان ! بدانید این آیه درباره اوست . ژرفی آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده ، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر صحرانشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است . [هشدار که] اجرای فرمان و گفتار او لازم و امرش نافذ است . ناسازگارش رانده ، پیرو و بارور کننده اش در مهر و شفقت است . هر آینه خداوند ، او و شنوایان سخن او و پیروان راهش را آمرزیده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ إِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ ص وَ لِيَكُمْ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَ لِيَكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

هان مردمان ! آخرین بار است که در این اجتماع به پا ایستاده ام . پس بشنوید و فرمان حق را گردن گذارید ؛ چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و ولی و معبود شماست ؛ و پس از خداوند ولی شما ، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر

شماست و با شما سخن می گوید . و پس از من به فرمان پروردگار ، علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست . آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد بود . این قانون تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ لِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ

روا نیست ، مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند ؛ و ناروا نیست مگر آن چه آنان ناروا دانند . خداوند عزوجل ، هم روا و هم ناروا را برای من بیان فرموده و آنچه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من . آموخته در اختیار علی نهاده ام .

إِنَّا جَبْرِئِلَ خَبَرْنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ : (مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي) ، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا - إِنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزِلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - . إِنْ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

هان مردمان ! عل را برتر دانید ؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است ؛ تا آن هنگام که آفریدگان پدیدارند و روزی شان فرود آید . دور دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و بامن سازگار نباشد ! هان ! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد : (هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد ، نفرین و خشم من بر او باد !) البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده . [هان !] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی بپرهیزید . مباد که گام هایتان پس از استواری در لغزد . که خداوند بر کردارتان آگاه است

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ جَنَّبُ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يَخَالِفُهُ) : (إِنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا .) عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَبِ اللَّهِ

هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده و درباره ستیزندگان با او فرموده : (تا آنکه مبدا کسی در روز رستخیز بگوید : افسوس که درباره همجوار و همسایه ی خدا)... کوتاهی کردم

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ ، قَالَ اللَّهُ لَنْ يَبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُضْعِدُهُ إِلَى وَشَائِلٍ بَعْضُهُمْ (وَ رَافِعُهُ يَدَيَّ) وَ مُعْلِمُكُمْ : اِنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً . فَهَذَا عَلَى مَوْلَاً ، وَ هُوَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ ، وَ مَوَالَتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر محکماش نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید . پس به خدا سوگند که باطن ها و تفسیر آن را آشکار نمی کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و

بالا آورده ام و اعلام می دارم که : هر آن که من سرپرست اویم ، این علی سرپرست اوست . و او علی بن ابی طالب است ؛ برادر و وصی من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنْ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي (مِنْ صَلْبِي) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ ، فَكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ . عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ . إِلَّا أَنَّهُمْ آمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ

هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ، یادگار گرانسنگ کوچکترند و قرآن یادگار گرانسنگ بزرگتر . هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با آن سازگار است . آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند . هان ! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

الْوَاقِدُ اَدِيْتُ . الْاَوْقَدُ بَلَعْتُ ، الْاَوْقَدُ اَسْمَعْتُ، الْاَوْقَدُ اَوْصَحْتُ، الْاَوْ اِنْ اَللّٰهَ
عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ اَنَا قُلْتُ عَنِ اَللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ. الْاِنَّهُ لَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ غَيْرَ اَخِيْ هَذَا ، الْا
لَا تَجِلْ اَمْرُهُ الْمُؤْمِنِيْنَ بَعْدِي لِاِحْدٍ غَيْرِهِ

ہشدار کہ من وظیفہ ی خود را ادا کردم . ہشدار کہ من آن چہ بر عہدہ ام بود
ابلاغ کردم و بہ گوشتان رساندم و روشن نمودم . بدانید کہ این سخن خدا بود و من
از سوی او سخن گفتم . ہشدار کہ ہرگز بہ جز این برادرم کسی . نباید امیرالمؤمنین
خواندہ شود . ہشدار کہ پس از من امارت مؤمنان بری کسی جز او روا نباشد.
ثم قال : ايها الناس ، مَنْ اَوَّلَىٰ بِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ ؟ قالوا : الله و رَسُوْلُهُ . فَقَالَ:
اَلَا مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلٰى مَوْلَاهُ. . اللهم والِ مَنْ والاه و عادِ مَنْ عاداه و انصُرْ مَنْ
نَصَرَه و اخذْ مَنْ خَذَلَه

سپس فرمود: مردمان ! کیست سزاوارتر از شما بہ شما ؟ گفتند خداوند و پیامبر
او ! سپس فرمود آگاہ باشید ! آن

کہ من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست ! خداوندا دوست ہدار
آن را کہ سرپرستی او را بپذیرد و دشمن ہدار ہر آن کہ او را دشمن دارد و یاری کن
یار او را ؛ و تنها گذار آن را کہ او را تنها بگذارد

بخش چہارم: بلند کردن امیرالمومنین (ع) بہ دست رسول خدا (ص)
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، هَذَا عَلٰى اَخِيْ وَ وَصِيٍّ وَ وَاٰعٰى عِلْمِيْ ، وَ خَلِيْفَتِيْ فِيْ اُمْتِيْ عَلٰى
مَنْ اَمَنَ بِيْ وَ عَلٰى تَفْسِيْرِ كِتَابِ اَللّٰهِ
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، عَلٰى (فَضْلُوْهُ) . مَا مِنْ عِلْمٍ الْاَوْقَدُ اَخْصَاهُ اَللّٰهُ فِيْ ، وَ كُلِّ عِلْمٍ
عُلِمْتُ فَقَدْ اَخْصَيْتُهُ فِيْ اِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ ،
وَمَا مِنْ عِلْمٍ الْاَوْقَدُ عِلْمَتُهُ عَلِيًّا ، وَ هُوَ الْاِمَامُ الْمُبِيْنُ (الَّذِيْ ذَكَرَهُ اَللّٰهُ فِيْ سُوْرَةِ
يَس:) (وَ كُلِّ شَيْءٍ اَخْصَيْنَاهُ فِيْ اِمَامٍ مُّبِيْنٍ) .

ہان مردمان ! او را برتر بدانید . چرا کہ ہیچ دانشی نیست مگر اینکہ خداوند آن
را در جان من نبشتہ و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران ، علی ، ضبط کردہ ام .

او (علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سوره یاسین یاد کرده که : (و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم)

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، لَا تَصِلُوا عَنْهُ وَلَا تَتَفَرُّوا مِنْهُ ، وَلَا تَسْتَكْفُوا عَنْ وِلَايَتِهِ ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، وَيَزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهِي عَنْهُ ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ .
 أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِأَوْسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ) ، وَالَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدَ يَعْبُدَا مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ . (أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ) مَنْ عَبَدَا مَعِيَ أَمْرُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي ، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ

هان مردمان !

از علی رو برنتابید . و از امامتش نگریزید . و از سرپرستی اش رو برنگردانید .
 او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید . او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد . در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد .
 او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته . و
 همو جان خود را فدای رسول ا نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا

عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود . اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است . از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده ، پذیرفت که جان خود را فدای من کند .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَضْلُوهَ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ ، وَاقْبَلُوهَ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ
 مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ أَمَامٌ مِنَ اللَّهِ ، وَلَنْ يَثُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ انْكَرَ وِلَايَتَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَالِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يَعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدَّهْوَرِ . فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ . فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أَعِدْتُ لِلْكَافِرِينَ

هان مردمان ! او رابتر دانید ، که خداوند او را برگزیده ؛ و پیشوایی او را بپذیرید ، که خداوند او را برپا کرده است. هان مردمان ! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد . این است روش قطعی خداوند درباره ناسازگار علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند . از مخالفت او بهراسید و گرنه. در آتشی در خواهید شد که آتشگیره آن مردمانند ؛ و سنگ ، که برای حق ستیزان آماده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، بى - وَاللّٰه - بَشَرًا لَّوْنٌ مِّنَ النَّبِيِّنَ وَالْمُرْسَلِينَ ، وَاَنَا - (وَاللّٰه) - خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِّنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ . فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كَفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِّنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِّنَ الْأَثْمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ ، وَالشَّكَّاءُ فِينَا فِي النَّارِ .

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم . آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است، و شک و ناباوری در امامت یکی از امامان، به سان شک و ناباوری در تمامی آنان است . و هرآینه جایگاه ناباوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، حَبَانِي اللّٰه عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَتًّا مِنْهُ عَلَى وَاحِسَانًا مِنْهُ إِلَى وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، إِلَّا لَهُ الْحَمْدُ مِنْ بَدَأَ الْأَمْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ

هان مردمان ! خداوند عزوجل از روی منت و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد و البته که خدایی جز. او نیست . آگاه باشید : تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام ویژه اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذِكْرِ وَ اثْنِي مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ . مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَلَمْ

يُؤَافِقُهُ عَزَّوَجَلَّ وَالِدَاعَى إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ .

هان مردمان ! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من . و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آنچه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد.

اِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ التَّاكُثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ . يَقُولُ : (مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَى) . بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ : اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) (وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاعْصِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ

همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان ، رویگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین پیکار کند . خداوند فرماید: (فرمان من دگرگون نخواهد شد .)

پروردگارا ! اکنون به فرمان تو چنین می گویم : خداوندا ! دوستداران او را دوست دار . و دشمنان او را دشمن دار . پشتیبانان او را پشتیبانی کن . یارانش را یاری نما . خودداری کنندگان از یاری اش را به . خود رها کن . ناباورانش را از مهرت بران و بر آنان خشم خود را فرود آور

اللهم انك انزلت الآية في علي وليك عند تبين ذالك ونصيبك اياه لهذا اليوم : (اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام ديناً) ، (و مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) اللهم اني اشهدك اني قد بلغت معبودا !

تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که : (امروز آیین شما را به کمال ، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم ، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم .)

و آن که به جز اسلام دینی را بجوید ، از او پذیرفته نبوده ، در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود . (خداوندا ، تو را گواه می گیرم که پیام تو را به . مردمان رساندم .)

بخش پنجم: تاکید بر توجه امت به مسئله امامت

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنَّمَا اكْمَلَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِامَامَتِهِ . فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مَنْ صَلَّيْهِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فَاولئك الذين حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ (فى الدنيا والآخرة) وَ فى النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ، (لا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ .

هان مردمان ! خداوند عزوجل دین را با امامت علی تکمیل فرمود . اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من

و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا - پیروی نکنند ، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود ، به گونه ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، هَذَا عَلَى ، انصُرْكُمْ لى وَاحِقْكُمْ بى وَاقْرُبْكُمْ اِلَى وَاعَزْكُمْ عَلَى ، وَالله عَزَّوَجَلَّ وَاَنَا عَنْهُ راضِيَانِ . وَ مَا نَزَلَتْ آيَةُ رِضًا (فى الْقُرْآنِ) الاّ فيه ، وَ لا خَاطَبَ الله الذين آمَنُوا الاّ بَدْءُ بِهِ ، وَ لا نَزَلَتْ آيَةُ مَدْحٍ فى الْقُرْآنِ الاّ فيه ، وَ لا شَهِدَ الله بِالْجَنَةِ فى (هَلْ اَتَى عَلَى الْاِنْسَانِ) الاّ لَهُ ، وَ لا اُنْزِلَها فى سِوَاهِ وَ لا مَدْحٍ بِهَا غَيْرُهُ .

هان مردمان ! این علی یاور ترین ، سزاوار ترین و نزدیکترین و عزیزترین شما نسبت به من است . خداوند عزوجل و من از او خشنودیم . آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره ی اوست . و خدا هرگاه ایمان آورندگان را خطاب نموده به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است] . و آیه ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره ی او . و خداوند در سوره ی (هل أتى على الانسان) گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر برای او و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ
الْهَادِي الْمَهْدِي . نَبِيكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ) .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، ذُرِيَةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ ، وَذُرِيَّتِي مِنْ صُلْبِ (اميرالمؤمنين) عَلِيٍّ

هان مردمان ! او ياور دين خدا و دفاع كننده ي از رسول اوست . او پرهيزكار
پاكيزه و رهنمی ارشاد شده [به دست خود خدا] است . پيامبرتان برترين پيامبر ،
وصی او برترين وصی و فرزندان او برترين اوصيائند . هان مردمان ! فرزندان
هر پيامبر از نسل اويند و فرزندان من از صلب و نسل اميرالمؤمنين علي است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنْ اِبْلِيسَ اخْرَجَ اَدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْطِطَ
اَعْمَالُكُمْ وَتَزَلْ اَقْدَامُكُمْ ، فَاِنْ اَدَمَ اهْبِطَ اِلَى الْاَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ ، وَهُوَ صَفْوَةٌ
عَزَّوَجَلَّ ، وَكَيْفَ يَكُمُ وَاَنْتُمْ اَنْتُمْ وَمِنْكُمْ اَعْدَاءُ اللَّهِ ، اِلَّا وَانْهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا . الْاَشَقَى ، وَ
لَا يُوَالِي عَلِيًّا اِلَّا تَقَى ، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ اِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ .

هان مردمان! به راستی كه شیطان اغواگر ، آدم را با رشك از بهشت رانده مبادا
شما به علی رشك ورزید كه كرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهد شد . آدم به
خاطر يك اشتباه به زمین مهبوط كرد و حال آن كه برگزیده ی خدی عزوجل بود . پس
چگونه خواهید بود شما و حال آن كه شما شمايید و دشمنان خدا نیز از میان
شمايند . آگاه باشيد ! كه با علی نمی ستیزد مگر بی سعادت . و سرپرستی او را نمی
پذیرد مگر رستگار پرهيزگار و به او نمی گروود مگر ايمان دار بی آلايش .

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ : (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، وَالْعَصْرِ ،
اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (اِلَّا عَلِيًّا الَّذِي اٰمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ) مَعَاشِرَ النَّاسِ ،
قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَيَّ الرُّسُولِ اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِتَّقُوا حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنْ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و سوگند به خدا كه سوره ی والعصر درباره ی اوست : (به نام خداوند همه مهر
مهر ورز . قسم به زمان كه انسان در زیان است .) مگر علی كه ايمان آورده و به
درستی و شكیایی آراسته است . هان مردمان ! خدا را گواه گرفتم و پیام او را به شما

رساندم . و بر فرستاده وظیفه ی جز بیان و ابلاغ روشن نباشد ! هان مردمان ! تقوا پیشه کنید. همان گونه که بایسته است . و نمیرید جز با شرف اسلام.

بخش ششم: اشاره به کارشکنی های منافقین

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، (اٰمِنُوْا بِاِ وَ رَسُوْلِهِ وَالنَّوْرِ الَّذِي اَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَّظْمِسَ وُجُوْهَاً فَنَرُدَّهَا عَلٰى اٰذْخَانِهَا اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا اَصْحَابَ السَّبْتِ) . (با ما عنی بهذه الآیة الا قَوْماً مِنْ اَصْحَابِیْ اَعْرِفُوْهُمْ بِاَسْمَائِهِمْ وَاَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ اَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلٰى مَا يَجِدُ لِعَلٰی فِی قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ)

هان مردمان ! به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره ها را تباه و باژگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند] رانده شوید . « به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم . آنک هر کس پایه کار خویش را (مهر و یا خشم علی در دل قرار دهد) و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمِّهِ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ. وَالْإِيمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ

مردمان ! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من ، سپس در جان علی بن ابی طالب ، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می ستاند - جای گرفته چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اَنْذِرْكُمْ اِنِّي رَسُوْلُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِی الرُّسُلُ، اَفَاَنْ مِتْ اَوْ قُتِلْتُ اَنْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِيَّ اللَّهُ

الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ) . اَلَا وَاَن عَلِيًّا هُوَ الْمُؤْصَفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ
وُلِدَى مِنْ صَلْبِهِ

هان مردمان ! هشدارتان می‌دهم : همانا من رسول خدایم . پیش از من نیز
رسولانی آمده و سپری گشته اند . آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم ، به جاهلیت عقب
گرد می کنید ؟ آن که به قهقرا برگردد ، هرگز خدا را زیانی نخواهد رسانید و خداوند
سپاسگزاران شکیا گر را پاداش خواهد داد . بدانید که علی و پس از او فرزندان من
از نسل او ، . داری کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكَ بِاتِّبَاعِهِ ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي .
ثُمَّ وُلِدَى مِنْ صَلْبِهِ إِئِمَّةٌ (الْهُدَى) ،، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ . ثُمَّ قَرَأَ : (بِسْمِ
اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . إِلَى آخِرِهَا ...)

هان مردمان ! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده . و
پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او ، پیشوایان راه راستند که به درستی
و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله
قرائت فرمود : (بسم الله الرحمن الرحيم الحمد رب العالمين الرحمن الرحيم) تا
آخر سوره

وَقَالَ : فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهِ) نَزَلَتْ ، وَلَهُمْ عَمَتْ وَايَاهُمْ خَصَتْ ، اُولَئِكَ
اَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ، اَلَا اِنْ حِزَّبَ اللَّهُ هُمُ الْغَالِبُونَ . اَلَا اِنْ
اَعْدَائُهُمْ هُمُ السَّفَهَاءُ الْغَاوُونَ اِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ . زُخْرُفَ
الْقَوْلِ غُرُورًا ...

هان ! به خدا سوگند این سوره درباره ی من نازل شده و شامل امامان می باشد
و به آنان اختصاص دارد . آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست ،
آگاه باشید : البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود . هشدارکه : ستیزندگان با
امامان ، گمراه و همکاران شیاطین اند . برای گمراهی مردمان ، سخنان بیهوده و پوچ
را به یکدیگر می رسانند.

الا ان اولیائہم الذین ذکرہم اللہ فی کتابہ ، فقال عزوجل : (لا تجد قوماً یؤمنون
 بِاِیّامِ الْاَخرِ یوادونَ مَنْ حاد اللہ و رسلہ ولوکأنوا آبائہم اوابنائہم اواخوانہم
 او عسیرتہم ، اولئک کتب فی قلوبہم الایمان) الی آخر الایۃ

بدانید کہ خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کردہ : ([ای پیامبر
 ما] نمی یابی ایمانیان بہ خدا و روز بازپسین ، کہ ستیزہ گران خدا و رسول را دوست
 ندارند ، گرچہ آنان پدران ، برادران و خویشانان باشند . آنان [کہ چنین اند] خداوند
 ایمان را در دل ہایشان نبشتہ است - تا آخر آیہ .)

الا ان اولیائہم المؤمنون الذین وصفہم اللہ عزوجل فقال : (الذین آمنوا ولم
 یلبسوا ایمانہم بظلم اولئک لہم الامن و ہم مہتدون) . (الا ان اولیائہم الذین
 آمنوا ولم یرتابوا) . الا ان اولیائہم الذین یدخلون الجنة بسلام امنین ، تلقاہم
 الملائکۃ بالتسلیم یقولون : سلام علیکم طیبتم فادخلوها خالدين . الا ان اولیائہم ،
 لہم الجنة یرزقون فیہا بغير حساب

ہان ! دوستان امامان ایمانیان اند کہ قرآن چنان توصیف فرمودہ : «آنان کہ
 ایمان آورده و باور خود را بہ شرک نیالوده اند، در امان و در راہ راست ہستند
 »[ہشدار! یاران پیشوایان کسانی ہستند کہ بہ باور رسیدہ و از تردید و انکار دور
 خواہند بود . ہشدار ! اولیای امامان آنانند کہ با آرامش و سلام بہ بہشت وارد
 خواہند شد و فرشتگان با سلام آنان را پذیرفتہ، خواہند گفت: (درود بر شما کہ
 پاک شدہ اید . اینک داخل شوید کہ در بہشت، جاودانہ، خواہید بود .) ہان ! بہشت
 پاداش اولیای آنان است و در آن بی حساب روزی دادہ خواہند شد .

الا ان اعدائہم الذین یصلون سعیراً . الا ان اعدائہم الذین یسمعون لجنہم
 شہیقاً و ہی تفور و یرون لها زفیراً . الا ان اعدائہم الذین قال اللہ فیہم : (کلما
 دخلت امة لعنت احبھا) الایۃ . الا ان اعدائہم الذین قال اللہ عزوجل : (کلما اتقی
 فیہا فوج سألہم خزنتھا الم یأتکم نذیر ، قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل

اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ الْاَفْئِدَةُ كَبِيرٌ) اِلَى قَوْلِهِ: (الْاَفْسُحَقًا لِاَرْضِ حَبِ السَّعِيرِ)
اَلَا اِنْ اَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ. وَاجْرٌ كَبِيرٌ.

هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش درآیند. و همانا ناله‌ی افروزش
جهنم را می‌شنوند در حالی که شعله‌ی آتش زبانه می‌کشد و زفیر (صدای بازدم)
جهنم را نیز در می‌یابند. هان! خداوند درباره‌ی ستیز گران با آنان فرموده: (هرگاه
امتی داخل جهنم شود همتای خود را نفرین کند.) «هشدار! که دشمنان امان
همانند که خداوند

درباره‌ی آنان فرموده: هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می
پرسند: مگر برایتان ترساننده‌ی نیامد؟! می‌گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب
کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی.

آگاه باشید من با خداوند و علی با من پیمان بسته و من اکنون از سوی خدا
عزوجل بری امامت او پیمان می‌گیرم. «ای پیامبر! آنان که با تو بیعت کنند هر آینه
با خدا بیعت کرده‌اند. دست خدا بالای دستان آنان است. و هر کس بیعت شکند،
بر زیان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به
او پاداش بزرگی خواهد داد.

بخش هفتم: حلال و حرام، واجبات و محرمات

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنْ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوْ اعْتَمَرَ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطُوفَ بِهِمَا) الْآيَةُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ اَهْلُ بَيْتِ
اَلَا اسْتَعْنُوا وَابْشَرُوا، وَلَا تَخْلِفُوا عَنْهُ الْاَبْتَرُوا وَافْتَقَرُوا. مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ
بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ الْاَعْفَرُ لِلَّهِ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ اِلَى وَفِّهِ ذَالِكِ، فَاِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ
اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يَضِيعُ
اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَصْرِفُوا عَنِ
الْمَشَاهِدِ اِلَّا بِتَوْبَةٍ وَافْلَاحٍ

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند. هان مردمان! در خانه ی خدا حج گذارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مژده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید. هان مردمان! مومنی در موقف (عرفات، مشعر، منا) نماند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامرزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک] کار خود را از سر گیرد. هان مردمان! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه های سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید. و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تبه نخواهد کرد. هان مردمان! خانه ی خدا را با دین کامل و دانش ژرفی آن دیدار کنید و از زیارتگاهها جز با توبه و باز ایستادن [از گناهان] برنگردید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلَىٰ وَلِيِّكُمْ وَلَيْكُمُ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلَقَهُ. أَنَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي. يَخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيَعْنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماست. خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفریدگانش نهاده. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش های شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

إِنِ الْهَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَاعْرِفَهُمَا فَأَمَرُ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا حِثُّ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ. مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتَمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يَقْدُرُ وَ يَقْضِيهِان!

روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم . از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند. آورده ام درباره علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان ، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او با خداوند. قدر و قضا دیدار کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَ كُلِّ حَلَالٍ دَلَّ تَكْمَ عَلَيْهِ وَ كُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبْدِلْ . اَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ اَلَا وَ اِنِّي اُجَدُّ الْقَوْلَ: اَلَا فَاقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ امُرُّوا بِالْمَعْرُوفِ . وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز برنمی گردم . بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید . هشدار که دوباره. می گویم بیدار باشید ! نماز را به پا دارید . و زکات بپردازید . و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

اَلَا وَ اِن رَّاسِ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ اِنْ تَتَّبِعُوا اِلَى قَوْلِي وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَ تَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ .، فَانَّهُ اَمْرٌ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنِّي . وَ لَا اَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ اِلَّا مَعَ اِمَامٍ مَّعْصُومٍ

و بدانید که ریشه ی امر به معروف این است که به گفته ی من [درباره ی امامت] برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من.فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، الْقُرْآنُ يَعْرِفُكُمْ اِنْ الْاَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِمْ وُلِدُوا ، وَعَرَفْتُمْ اَنْهُمْ مِنْهُ ،
 حَيْثُ يَقُولُ اللّٰهُ فِي كِتَابِهِ : (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ) . وَقُلْتُ : لَنْ تَصِلُوا مَا اَنْ
 تَمْسِكْتُمْ بِهِمَا .

ہاں مردمان! قرآن بر شما روشن می کند کہ امامان پس از علی فرزندان اویند
 و من به شما شناساندم کہ آنان از او و از من اند . چرا کہ خداوند در کتاب خود می
 گوید: (امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد ...) و من نیز گفته ام کہ : مادام
 کہ به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراہ نخواہید شد

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، التَّقْوَى ، التَّقْوَى ، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ : (اِنْ
 زُلْزَلَتِ السَّاعَةُ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اُذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ
 وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَي رَّبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ . فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ اُثِيبَ .
 عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ

ہاں مردمان! تقوا را ، تقوا را رعایت کردہ از سختی رستخیز بہر اسید ہماں گونه
 کہ خداوند عزوجل فرمود : البتہ زمین لرزہ ی روز رستخیز حادثہ ی بزرگ است ...
 مرگ ، قیامت ، و حساب و میزان و محاسبہ ی در برابر پروردگار جہانیاں و پاداش
 کیفر را یاد کنید . آن کہ نیکی آورد ، پاداش گیرد . و آن کہ بدی کرد ، بہرہ ای از
 بہشت . نخواہد برد.

بخش ہشتم: بیعت گرفتن رسمی

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اَنْكُمْ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ ، وَقَدْ
 اَمَرَنِي اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ اَنْ اَخُذَ مِنْ السِّنِّتِكُمْ. الْاَقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِي امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ،
 وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْاَئِمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ ، عَلَي مَا اَعْلَمْتُكُمْ اَنْ دُرَيْتِي مِنْ صُلْبِهِ

ہاں مردمان! شما بیش از آنید کہ در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید .
 از این روی خداوند عزوجل بہ من دستور دادہ کہ از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان
 ولایت علی امیرالمؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او کہ . از نسل من و
 اویند؛ ہماں گونه کہ اعلام کردم کہ ذریہ من از نسل اوست

فَقُولُوا بِاجْمَعِكُمْ : اَنَا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنا وَرَبِّكَ فِي امْرِ اِمَامِنَا عَلِيٍّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْاَيْمَةِ . نُبَايِعُكَ عَلِيَّ ذَالِكَ بِقُلُوبِنَا وَاَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَاَيْدِنَا . عَلٰى ذَالِكَ نَحْيٰى وَ عَلَيْهِ نَمُوْتُ وَ . عَلَيْهِ نُبْعَثُ وَلَا نَغْيَرُ وَلَا نُبْدَلُ ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا تَرْتَابُ ، وَلَا تَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا تَنْقُضُ الْمِيثَاقَ

پس همگان بگوئید: البتہ کہ سخنان تو را شنیده پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن گذار و بر آنچه از سوی پروردگار مان در امامت امامان علی امیرالمؤمنین و امامان دیگر - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست هایمان . با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد. برانگیخته می شویم و هرگز آن را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم .

وَعَظَّمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْاَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا . فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَاَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَصَمَائِرِنَا وَاَيْدِنَا . مَنْ اَذْرَكَهَا يَيْدِمُ وَلَا فَقَدْ اَفْرَ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِيْ بِذَالِكَ بَدَلًا وَلَا يَرٰى اللَّهُ مِنْ اَنْفُسِنَا حَوْلًا . نَحْنُ نُؤَدِّيْ ذَالِكَ عَنْكَ الدَّانِي الْقَاصِي مِنْ اَوْلَادِنَا وَاَهَالِنَا، وَنُشْهِدُ اِذَالِكَ وَ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا وَاَنْتَ عَلَيْنَا بِهٖ شَهِيدٌ [ی رسول خدا] ما را به فرمان خدا پند دادی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان از نسل خود و او، که حسن و حسین و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستمان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست. و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.»!

« تا آن جا كه فرمايد : » هان ! نابود باد دوزخيان ! « هان ! ياران امامان در نهان، از پروردگار خويش ! ترسانند ، آمرزش و پاداش بزرگ براى آنان خواهد بود .
 مَعَاشِرَ النَّاسِ ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ ، (مَعَاشِرَ النَّاسِ) ، عَدُونَا مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَلَعَنَهُ ، وَلَيْنَا (كل) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ .
 هان مردمان ! چه بسيار راه است ميان آتش و پاداش بزرگ .
 هان مردمان ! خداوند ستيزه جويان ما را ناستوده و نفرين فرموده و دوستان ما را ستوده و دوست دارد .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، الْاَوَاثِي (اَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلَى الْبَشِيرِ (مَعَاشِرَ النَّاسِ) ، الْاَوَانِي مُنْذِرٌ وَ عَلَى هَادٍ . مَعَاشِرَ النَّاسِ (الْاَوَانِي) وَ اَنْتَى نَبِيٌّ وَ عَلَى وَصِيٍّ . (مَعَاشِرَ النَّاسِ) ، الْاَوَانِي رَسُولٌ وَ عَلَى الْاِمَامِ وَالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي ، وَالْاِئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَلَدَهُ . الْاَوَانِي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صَلْبِهِ)

هان مردمان ! بدانيد كه همانا من انذار گرم و على مژده دهنده هان ! كه من بيم دهنده ام و على راهنما . هان مردمان ! بدانيد كه من پیامبرم و على وصی من است .
 هان مردمان ! بدانيد كه همانا من فرستاده و على امام و وصی پس از من است . و امامان پس از او فرزندان اويند . آگاه باشيد ! من والد آنانم ولى ايشان از نسل على خواهند بود .

بخش نهم: حضرت مهدی عجل ا فرجه الشریف

الَا اِنْ خَاتَمَ الْاِئِمَّةُ مِنَ الْقَائِمِ الْمَهْدِي . الْاِنْهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ . الْاِنْهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ . الْاِنْهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِيهَا . الْاِنْهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ اَهْلِ الشَّرِكِ وَهَادِيهَا . الْاِنْهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِاَوْلِيَاءِ اللَّهِ . الْاِنْهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ . الْاِنْهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ . الْاِنْهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ . الْاِنْهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُحْتَازُهُ

آگاه باشيد ! همانا آخرين امام ، قائم مهدی از ماست . هان ! او بر تمامی اديان چيره خواهد بود . هشدار ! كه اوست

انتقام گیرنده از ستمکاران . هشدار ! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها
 هشدار ! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان . هشدار ! که او
 خونخواه تمام اولیای خداست . آگاه باشید ! اوست یاور دین خدا . هشدار ! که از
 دریایی ژرف پیمانه هایی افزون گیرد . هشدار ! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی
 ارزش او ، و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند . هشدار ! که
 او نیکو و برگزیده ی خداوند است .

الا انه وارث كل علمٍ والمُحيطُ بكلِّ فهمٍ . الا انه المُخبرُ عن ربِّه عزَّوجلَّ و
 المُسئِدُ لِأمرِ آياتِهِ . الا انه الرشيدُ السديدُ .

الا انه المُفوضُ اليه . الا انه قد بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ . الا انه
 الباقي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ الْأَمْعَةِ وَلَا نُورَ الْأَعْنَدَةِ . الا انه لا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ
 عَلَيْهِ . الا وَاِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَامِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ .

هشدار ! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست . هان ! بدانید که او از
 سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه های او را برپا کند . بدانید همانا
 اوست بالیده و استوار . بیدار باشید ! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان]
 به او واگذار شده است . آگاه باشید ! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده
 اند . آگاه باشید ! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود . [۲] درستی
 و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست . هان ! کسی بر او پیروز نخواهد شد و
 ستیزنده ی او یاری نخواهد گشت . آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در
 میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است

بخش دهم: مطرح کردن بیعت

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنِّی قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَافَهَمْتُكُمْ ، وَ هَذَا عَلَیْیَ فِیْهِمْكُمْ بَعْدِ الْاَوَانِی
 عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِی اَدْعُوْكُمْ اِلَیْ مُصَافَقَتِی عَلَیْ بَیْعَتِهِ وَ الْاَقْرَارِیْهِ ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِی

هان مردمان ! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفہیم نمودم . و این علی است کہ پس از من شما را آگاہ می کند. اینک شما را می خوانم کہ پس از پایان خطبہ با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کردہ بہ امامت او اقرار نمایید .

اَلَا وَاِنِّیْ قَدْ بَايَعْتُ اللّٰهَ وَ عَلٰی قَدْ بَايَعَنِی . وَاَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ . اِنَ الَّذِیْنَ یَبِیْعُوْنَكَ اِنَّمَا یَبِیْعُوْنَ اللّٰهَ، یُدَالِلُہُ فَوْقَ اَیْدِیْہُمْ . فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا یُنْكَثُ عَلٰی نَفْسِہِ، وَ مَنْ اَوْفٰی بِمَا عَاہَدَ عَلَیْہِ اللّٰهُ فَسَیُؤْتِیْہِ اَجْرًا عَظِیْمًا

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَاِنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ کُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِیَہُ کُلَّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اِهْتَدٰی فَلِنَفْسِہِ وَ مَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْہَا)، وَ مَنْ بَايَعَ فَاِنَّمَا یَبِیْعُ اللّٰهَ ، (یدالہ فَوْقَ اَیْدِیْہُمْ) . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَبِایِعُوا اللّٰهَ وَ بَايِعُوْنِی وَ بَايِعُوا عَلِیًّا . امِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ الْاَئِمَّةَ (مِنْہُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ) کَلِمَةً بَاقِیَّةً

هان مردمان ! چہ می گوئید ؟ همانا خداوند ہر صدایی را می شنود و آن را کہ از دل ہا می گذرد می داند . « ہر آن کس ہدایت پذیرفت ، بہ خیر خویش پذیرفتہ . و آن کہ گمراہ شد ، بہ زیان خود رفتہ . » و ہر کس بیعت کند ، ہر آینہ با خداوند پیمان بستہ ؛ کہ دست خدا بالای دستان آنہاست .

هان مردمان ! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان ببندید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از آنان از نسل آنان کہ نشانہ ی پایدارند در دنیا و آخرت

یُہْلِکَ اللّٰهُ مَنْ غَدَرَ وَ یَرْحَمُ مَنْ وَفٰی، وَ مَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا یُنْكَثُ عَلٰی نَفْسِہِ وَ مَنْ اَوْفٰی بِمَا عَاہَدَ عَلَیْہِ ا فَسَیُؤْتِیْہِ اَجْرًا عَظِیْمًا .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِی قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلٰی عَلِیِّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَ قُولُوا: (سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا غُفْرَانَکَ . رَبَّنَا وَ اِلَیْکَ الْمَصِیْرُ)، وَ قُولُوا: (اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا وَ مَا کُنَّا لِنَهْتَدِیْ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ) الْاٰیة

خداوند مکاران را تبه می کند و به باوفايان مهر می ورزد. هر که پیمان شکند (جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهده که با خدا بسته پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد).

هان مردمان! آن چه بر شما گفتم بگوئید و به علی با لقب امیرالمؤمنین سلام کنید و بگوئید: « شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است. » و نیز بگوئید: « تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود و گرنه راه نمی یافتیم » - تا آخر آیه

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنْ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَ قَدْ اَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - اَكْثَرَ مِنْ اَنْ اَخْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ اَنْبَاكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدُقُوهُ . مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْاِئِمَّةَ الَّذِيْنَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا هان مردمان! هر آینه برتری هی علی بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم . پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید . هان مردمان! آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی کند ، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، السَّابِقُونَ اِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِاَمْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيْمِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَاِنْ تَكْفُرُوا اَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا .. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ (بِما اديت و امرت) وَ اغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَا حِدِيْنَ) الْكَافِرِيْنَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

هان مردمان! سبقت جوئيان به بيعت و پيمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین ، رستگارانند و در بهشت هی پر بهره خواهند بود . هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند بگوئید . پس اگر شما و تمامی زمینيان کفران ورزند، خدا

را زبانی نخواهد رسانید . پروردگارا ، آنان را کہ بہ آن چہ ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند ، بیا مرز . و بر منکران کافر خشم گیر! والحمد للہ رب العالمین .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، لَا تَمُنُّوا عَلٰی بِاسْلَامِكُمْ ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلٰی اللّٰهِ فَيَخِطَ عَمَلَكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَیْكُمْ وَیَتَلٰیکُمْ بِشَوَاطِیْ مِنْ نَّارٍ وَنُحَاسٍ ، اِنْ رَبَّکُمْ لِابْلَاصَادٍ

ہاں مردمان ! اسلامتان را بر من منت نگذارید ؛ کہ اعمال شما را ببہودہ و تباہ خواہد کرد و خداوند بر شما خشم خواہد گرفت و سپس شما را بہ شعلہ ی از آتش و مس گداختہ گرفتار خواہد نمود . ہمانا پروردگار شما در کمین گاہ است .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنَّهُ سَیَكُونُ مِنْ بَعْدِیْ اَئِمَّةٌ یَدْعُوْنَ اِلَی التَّارِ وَیَوْمَ الْقِیَامَةِ لَا یَنْصُرُوْنَ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنْ اللّٰهِ وَاَنَا بَرِیْثَانٌ مِنْهُمْ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنَّهُمْ وَاَنْصَارُهُمْ وَاتَّبَاعُهُمْ وَاَشِیَاعُهُمْ فِی الدَّرْكِ الْاَسْفَلِ مِنَ التَّارِ وَلَیْسَ مَثْوٰی الْمُتَكَبِّرِیْنَ . اِلَّا اَنْهُمْ!! اَصْحَابُ الصَّحِیْفَةِ ، فَلَیَنْظُرْ اَحَدُكُمْ فِی صَحِیْفَتِهِ

مردمان ! بہ زودی پس از من پیشوایانی خواہند بود کہ شما را بہ سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها بدون یاور خواہند ماند . ہاں مردمان ! خداوند و من از آنان بیزاریم . ہاں مردمان ! آنان و یاران و پیروانشان در بدترین جای جہنم ، جایگاہ متکبران خواہند بود . بدانید آنان اصحاب صحیفہ اند . اکنون ہر کس در صحیفہ ی خود نظر کند .

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اِنِّیْ اَدْعُہَا اِمَامَةً وَوِرَاثَةً (فِی عَقِیْبِیْ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ) ، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا اَمِرْتُ بِتَبْلِیْغِہٖ حُجَّةً عَلٰی کُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَ عَلٰی کُلِّ اَحَدٍ مِنْ شَہِدٍ اَوَّلَمْ یَشْہَدُ ، وُلِدَ اَوَّلَمْ یُولَدُ ، فَلَیْبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

ہاں مردمان ! اینک جانشینی خود را بہ عنوان امامت و وراثت بہ امانت بہ جای می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز . و حال ، مأموریت تبلیغی خود را انجام میدہم تا برہان بر ہر شاہد و غایب و بر آنان کہ زادہ شدہ یا نشدہ اند و بر تمامی مردمان باشد . پس بایستہ است این سخن را حاضران بہ غایبان و پدران بہ فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند

وَسَيَجْعَلُونَ الْأَمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتَصَابًا، إِلَّا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ،
وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ مَنْ يَفْرُغُ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظَ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ
فَلَا تَنْتَصِرَانِ

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابجا نموده. آن را
غصب کرده و به تصرف خویش درآورند. هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و
چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله هی. آتش و مس
گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید
شد

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرَكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى
يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ
قَزِيَّةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُمْلِكُهَا الْأَمَامَ الْمُهْدَى وَاللَّهُ مُصَدِّقُ
وَعْدِهِ

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا
ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند. هان
مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن [حق
را]، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی خواهد سپرد. و
هر آینه خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ صُلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ
الْآخِرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ
بِالْمُجْرِمِينَ، وَبَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِبِينَ

هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند
آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده ی آیندگان است. او خود در کتابش آورده: «آیا
پیشینیان را تباہ نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختمیم؟»! با مجرمان این
چنین کنیم وای بر ناباوران.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنَّ اللّٰهَ قَدْ اَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ اَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِاَمْرِهٖ). فَعِلْمُ
 الْاَمْرِ وَالنَّهْيِ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِاَمْرِي تَسْلَمُوا وَاطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِتَهْيِهِ تَرْشَدُوا ،
 (وَصِيْرُوا اِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ

ہاں مردمان ! ہمانا خداوند امر و نہی خود را بہ من فرمودہ و من نیز بہ دستور
 او دانش آن را نزد علی نہادم . پسرمان او را بشنوید و گردن نہید و پیرویش نمایند و
 از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راہ یابید بہ سوی ہدف! او حرکت کنید . راہ
 ہی گونہ گون شما را از راہ او بازندارد بخش ہفتم: پیروان اہل بیت علیہم السلام و
 دشمنان ایشان.

غدیر در ادیان گذشته

غدیر، عهد الست سوم

زمین از ابتدای خلقتش تا آن ساعت، صحنه‌های بی‌شمار در حافظه داشت. اما گفتی صبورانه چنین روزی را انتظار می‌کشید. آن هنگام که خداوند مردم را در ابتدای خلقت‌شان به صورت اشباح قرار داد، فرمود: آیا من خدای شما نیستم؟ همه گفتند: آری، تو خدای مایی. بعد فرمود: آیا محمد صلی الله علیه و آله وسلم، پیامبر شما نیست؟ همه گفتند: بلی پیامبر ماست. بعد فرمود: آیا علی، امام شما نیست؟ همه منکر ولایت امیرالمومنین علیه السلام شدند و از اقرار به فضل او امتناع نمودند.

جز عده معدودی، که آن‌ها اصحاب یمین بودند و ایشان اقل قلیل بودند.^۱ تاریخ تکرار می‌شود. پیامبر خطاب به خیل عظیم مسلمانان در روز غدیر با استفاده از فطرت، آنچه در عهد الست نخست اتفاق افتاده بود فرمودند:

(الست اولی بکم من انفسکم؟ قالو بلی)

آیا من نسبت به شما ولایت ندارم؟

گفتند: بلی.

۱. نقل از جابر بن عبدالله از ابی عبدالله علیه السلام، مشارق الانوار الیقین، الحافظ رجب البرسی، ص ۲۴، بحار الانوار، العلامه المجلسی، ج ۲۶، ص ۲۹۵؛ (نفس نفیس خاتمیت)

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من کنت مولا فلهذا علی مولا. در نتیجه عهد الست (پیمانی که خداوند در عالم ذر از همه‌ی آدمیان گرفته است) برای سومین بار تکرار شد. کلمه «الست بریکم» عهد الست اول است، کلمه «الست اولی بکم من انفسکم»، عهد الست دوم و پیمان ولایت امیرالمومنین علیه السلام در غدیر عهد الست سوم است.^۱

مطابق روایت مشهور امام جعفر صادق علیه السلام، خداوند پیامبری را مبعوث نکرده است مگر این که این روز را عید گرفته و عظمت آن را شناخته و نام این روز در آسمان روز عهد معهود و در زمین میثاق مأخوذ و حضور همگانی است.^۲

باید بدانیم که:

۱. عید در لغت از ماده عود به معنای بازگشت است و همانطور که خواندیم روز غدیر، «روز اعلام ولایت» امیرالمومنین علیه السلام، روز «میثاق مأخوذ» و «عهد معهود» گفته می‌شود.

۲. سپس باید بدانیم که مطابق فرمایش امیرالمومنین علیه السلام، هدف کلی همه رسولان الهی نیز مطالبه میثاق فطرت از مردمان هر عصری می‌باشد.^۳

پس می‌توان برداشت کرد که عید غدیر، روز یادآوری و بازگشت به عهد و پیمانی است که پیش‌تر از انسان گرفته شده و پیامبران هر عصر، در چنین روزی،

۱. عهد الست سومی مضمر پنهان شده در عهد الست دوم است و آن این است که من کنت مولا فلهذا علی مولا... نفس نفیس خاتمیت.

۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۱۴۳

۳. پیامبرانش را در میان آنان مبعوث کرد و انبیایش را پی در پی به سوی آنان گسیل داشت تا پیمان فطرتش را از آنان مطالبه نمایند و نعمت‌های فراموش شده‌اش را به یاد آن‌ها آورند. نهج البلاغه،

عهد معهود که همان اقرار به ولایت امیرالمومنین علیه السلام است را از مردمان زمان خود مطالبه می نمودند.

به این ترتیب عید و بازگشت ما به فطرت، زمانی اتفاق می افتد که در سایه ولایت امیرالمومنین علیه السلام قرار گیرد.

با سیری در تاریخ به این نکته پی می بریم که واقعه غدیر تنها یک روز نیست بلکه یه جریان در طول تاریخ است و از ابتدا سنت وصایت و انتخاب جانشینان پیامبران الهی به ویژه ابلاغ برتری و ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، همگی در روز مبارک ۱۸ ذی الحجه صورت می گرفت. برای اثبات این ادعا میتوان به اسناد زیر اشاره نمود.

روایات

امام رضا علیه السلام فرموده اند:

و خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر آنکه روز مبعوث شدنش نزد او مانند روز غدیر بوده و حرمت آن را شناخته، زیرا در این روز برای امت خود جانشین و خلیفه بعد از خودش را قرار داده است.^۱ امام صادق علیه السلام می فرماید:

غدیر روزی است که خداوند به آدم عنایت فرمود و آدم آن روز را به سپاس روزه گرفت؛

روزی است که ابراهیم از آتش نجات یافت و وی در آن روز برای شکرگزاری از خداوند روزه داشت؛

روزی است که موسی، هارون را برپا داشت و او برا شکر آن روز را روزه گرفت؛
روزی است که عیسی، وصی اش شمعون صفا را نصب کرد و وی آن روز را برای شکرگزاری از خداوند روزه گرفت؛

۱. سیدبن طاووس؛ اقبال الأعمال ۴۶۴

روزی است که رسول خدا علی علیه السلام را به عنوان علم نصب فرمود و وصایت و افضلیت او را بیان داشت و آن حضرت در این روز برای شکرگزاری از خداوند روزه گرفت.

این روز، روز عبادت و روزه و اطعام و صلّه است. رضای الهی در این روز است و بینی شیطان به خاک مالیده می‌شود.^۱
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

خداوند متعال فرموده است: من جان هیچ‌یک از پیامبرانم را نستاندم؛ مگر پس از اکمال دینم و حجتّم و اتمام نعمتم به ولایت اولیایم و دشمنی دشمنانم و چنین است کمال توحیدم و کمال دینم و اتمام نعمتم بر خلقم از طریق تبعیت و اطاعت ولیّ ام و اینگونه زمین را از ولی و قیم خالی نگذاشته‌ام تا حجت من بر خلق باشند. پس امروز (روز غدیر) دین شما را برای شما کامل کردم و...^۲

غدير در كتب الهی

واقعه غدیر - که تثبیت عمومی ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای آخرین امت‌هاست - واقعه ایست بس عظیم که به نظر می‌رسد انبیای پیشین با نام به آن اشاره کرده بودند.

دکتر توماس مک الوین (Dr. Thomas McElwain) دانشمند الهیات مسیحی، زبان‌شناس معاصر آمریکایی و استاد دانشگاه استکهلم، در سلسله درسهایی که با عنوان اعتقادات شیعی در کتاب مقدس به زبان انگلیسی عرضه شد می‌گوید که واژه عبری ghadeer، در متن عبری کتاب مقدس، معادل واژه «جدار» (دیوار یا حصار) به کار رفته است؛ لیکن به نظر وی، این واژه در برخی موارد اشاره سمبلیک به واقعه غدیر در اسلام دارد.

۱. اقبال الأعمال ۴۶۶؛ وسائل الشیعه (باب ۱۴، کتاب صوم، ح ۱۲)

۲. الاحتجاج ۱: ۵۶

وی مواردی چند یاد می‌کند که ما در اینجا برای نمونه به ذکر یکی از آنها بسنده می‌کنیم:

در فصل ۵۸، عبارت ۷ تا ۱۲ کتاب اِشعیای نبی، برخی از خصوصیات حضرت علی علیه السلام را که مظهر غدير است بیان می‌کند. نهایتاً در عبارت ۱۲ به مشتقی عبری از واژه غدير (godeer) به معنای سازنده غدير اشاره می‌شود.^۱ ترجمه‌ی نزدیک به متن عبری کتاب اِشعیای نبی چنین می‌شود:

۱۱- خداوند تو را پیوسته هدایت خواهد کرد و نفس تو را در خشکگاه‌ها اغنا خواهد کرد و تو را قوی خواهد ساخت و تو مثل باغی خواهی بود که آب فراوان دارد و مثل چشمه‌ای که هیچ وقت خشک نخواهد شد.

۱۲- آنان که از تو خواهند بود مکان‌های ویران قدیمی را خواهند ساخت. تو بنیاد نسل‌های بسیاری را خواهی برافراشت و تو سازنده غدير و بازسازنده سبل آرامش خوانده خواهی شد.

عبارت ۱۲ عبری با نویسه گردانی الفبای انگلیسی چنین است:

û v ä n û m i M «k h ä c h ä r» v ô t ô l ä m m ô Š «d ë y d ô r
- w ä d ô r T» q ô m ë m
w «q ô r ä l» k h ä G o d ë r (godeer) peretz m 'shovë v
n 'tiyvôt läshävet.^۹

قرآن

پیمانی که از بنی اسرائیل گرفته شد

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۱. کتاب غدير ها پیش از غدير

«و زمانی را (به یاد آرید) که از شما پیمان گرفتیم و طور سینا را بر فراز سرتان بالا بردیم (و به شما گفتیم): آنچه را به شما داده ایم، با قدرت بگیرید و هرچه را در آن است یاد کنید؛ شاید پرهیزگار شوید»^۱

از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است: خداوند عزوجل به آن‌ها (بنی اسرائیل) فرمود: به یاد آورید زمانی را که از شما عهدها گرفتیم که به تورات و به آنچه در فرقان است عمل کنید؛ همان که در خصوص یاد کردن (نبوت) محمد صلی الله علیه و آله وسلم و (ولایت) علی علیه السلام و فرزندان پاک ایشان بر موسی نازل کردیم (و گفتیم) که آن‌ها سروران خلق‌اند و بر پاداران حق.

نیز از شما پیمان ستانیدیم که این حقیقت را بپذیرید و به فرزندان خویش برسانید و آن‌ها نیز به بعد از خود همین طور تا پایان دنیا... که به پیغمبر خدا محمد صلی الله علیه و آله وسلم ایمان آورند و در پذیرش اینکه علی علیه السلام از سوی خدا ولی اوست و جانشینانش به پا دارندگان حق‌اند، تسلیم وی شوند.

اما شما کبر ورزیدید و از پذیرش آن تن زدید. ما به جبرئیل فرمودیم قطعه‌ای از کوه فلسطین را به مساحت یک فرسنگ در یک فرسنگ... بلند کند و بالای سر سپاه گذشتگان شما بگیرد.

موسی علیه السلام به آن‌ها گفت: اگر فرمان نپذیرید این کوه بر سرتان فرود خواهد آمد. جز معدودی که به واقع قبول کردند - همه با اکراه پذیرفتند.^۲

عبور بنی اسرائیل از دریا

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

۱. بقره: ۶۳

۲. البرهان: ۲۳۲؛ بحارالانوار ۲۶: ۲۸۸

«نیز (به یاد آرید که) دریا را برای شما شکافتیم و نجاتتان دادیم و فرعونیان را در برابر دیدگان شما غرق کردیم»^۱

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند:

وقتی موسی به لب دریا رسید خداوند بر او وحی فرمود که به بنی اسرائیل بگو: دوباره به یگانگی من اقرار کنند و در قلب خود به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند و ولایت علی علیه السلام و امامان اولاد او را باز به خویش عرضه کنند و بگویند: خداوند! به جاه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ما را از این دریا به سلامت عبور ده... تا آب شکافته شده‌ی زمین نمایان گردد و عبور کنید.^۲

آنچنان که ملاحظه می‌شود محور تمام رویدادهای پیشین و پسین غدیر در یک کلمه یعنی «ولایت امیرالمومنین علیه السلام» خلاصه می‌شود، اگر در حصار ولایت امام باشیم همچون پدرمان حضرت آدم علیه السلام، خداوند از خطاهای ما چشم پوشی می‌کند، اگر در سایه ولایت امام باشیم، همچون ساکنان کشتی نوح نجات پیدا می‌کنیم به همین دلیل در تبیین امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که همه پیامبران به اوصیای خود اولاً دستور می‌دانند روز غدیر را جشن بگیرند و ثانیاً جانشینان خود را در این روز به امت خویش معرفی کنند.

۱. بقره: ۵۰

۲. البرهان ۲۱۵: ۱-۲۱۳

وظیفه ما پیرامون عید غدیر

پیامبر اکرم (ص) در خطابه غدیر می‌فرماید: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ حاضران به غائبان و پدران به فرزندان خود باید پیام غدیر را برسانند». آنچنان که وجوب اعمال عبادی به عهده حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم است، تبلیغ موضوع غدیر توسط ایشان، به عهده همه مخاطبان اسلام در سراسر گیتی و در همه زمانها سپرده شده است.

وظیفه ما در روز عید غدیر

اهمیت روز غدیر به عنوان بزرگترین و مهمترین اعیاد اسلامی موجب گشته تا برای آن آداب و اعمال و فضایل بی شماری بیان شود.

در این بخش وظایف و اعمال و آداب غدیر تا حدّ امکان در آینه روایات نمایانده می شود. قبل از هر چیز به چند نکته اشاره می شود:

۱ - کثرت اعمال و آداب این روز بسیار فوق العاده است و با اعمال هیچ روزی قابل مقایسه نیست.

۲ - در آداب و اعمال غدیر همه گروهها مورد توجه و خطاب هستند و برای هر گروه با هر فکر و اندیشه و سنی، آدابی مناسب حال وجود دارد.

۳ - اعمال و آداب این روز برخوردار از ویژگی جامعیت و به تمام ابعاد زندگی انسان مربوط می شود.

از این نکات استفاده می شود که معمار این حادثه مهم تاریخی، می خواهد این روز برای همیشه در تاریخ زنده باشد.

جمع شدن و باهم بودن و جشن گرفتن

از نامه‌های روز غدیر (یوم الجمع المشهود) است.
در خطبه روز غدیر که مصادف با روز جمعه بود امیرالمومنین علیه السلام در کوفه فرمودند:
واجمعوا یجمع الله شملکم .

خطبه امیرالمومنین در غدیر در کوفه

برگزاری مجلس دسته جمعی مخصوصاً در چنین روزی که اعلان ولایت و حقانیت امیرالمومنین علیه السلام است بسیار ممدوح، نیکو و باعث تعظیم شعائر الله و شادی اهل بیت علیهم السلام و باعث تعظیم شیعه و عظمت فرقه ناجیه است.

همچنین در جایی دیگر داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در روز غدیر می فرمایند:
هتّونى، هتّونى.^۱

به من تهنیت بگوئید، به من تهنیت بگوئید .

برگزاری مراسمات غدیر از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با کلام حضرت که فرمودند به من تهنیت بگوئید شروع شد. آنچنان که خود آن حضرت، مردم را امر می کنند که به ایشان تبریک بگویند.

این عید و جشن، جدید نیست و منحصر به تشیع هم نبوده چه اینکه فرق دیگر مسلمین هم این روز را جشن می گرفته اند .

ولی در قرون اخیر از شعائر شیعه محسوب می شود.

در مصر و کشورهای اسلامی در طول سالها روز غدیر را به عنوان عید جشن می گرفتند.^۱ در زمان امیرالمومنین علی علیه السلام روز جمعه مصادف با عید غدیر شده بود. حضرت در میدان شهر کوفه در خطبه نماز درباره غدیر و اهمیت و فضیلت آن سخنانی ایراد فرمودند و بعد از نماز در مجلسی که به همین مناسبت در منزل حضرت مجتبی علیه السلام ترتیب داده شده بود با جمعی شرکت نمودند. ائمه معصومین علیه السلام نیز در سالهای مختلف در مکان های مختلف، مراسم جشن و اطعام و افطار برپا می نمودند و در اهمیت و عظمت این روز کلمات بسیار حساس و شایان توجهی بیان می فرمودند.

عظمت این روز به حدی بوده که طارق بن شهاب یهودی در مجلس عمر گفت: اگر این آیه (اليوم اكملت لكم دينكم و ...) درباره ما نازل می شد، روز نزولش را عید قرار می دادیم.

کسی از حاضرین در آن مجلس این مطلب را انکار ننمود، بلکه عمر کلامی گفت که دلالت بر تقریر کلام یهودی می کرد.^۲ در طول قرون و اعصار مسلمین و بالاخص شیعه این روز عظیم را جشن می گرفتند.

رسمیت عمومی آن در ۱۸ ذی الحجه سال ۳۵۲ قمری بود که معزالدوله دستور داد جشن گرفتند و به خاطر عید غدیر سرور و شادی نمودند و شهر را آراستند همچنان که در سایر عیدها می کنند تا خاطره عید غدیر را زنده نگه دارند.^۳

مسئله تعظیم روز غدیر را امام رضا علیه السلام از پدران خود از امیرالمومنین علیه السلام نقل نمودند که امام صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمودند: این

۱. الغدير: ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸

۲. بحار: ج ۳۷ ص ۱۵۶. الغدير: ج ۱ ص ۲۸۳. اقبال: ص ۴۵۸

۳. المختصر: ج ۱- ص ۱۰۴

عید از سنن انبیا بوده که روز نصب جانشین خود به خلافت را عید قرار دهند.^۱ کما اینکه پادشاهان نسبت به جانشینان و ولیعهد خود چنین می کنند.

ائمه علیهم السلام، امر فرمودند شیعه ی خود را که در هر زمانی این روز را عید قرار دهند و اظهار سرور و فرح نمایند و حتی روزه شکر بگیرند و صله ارحام به جا آورند. پس عید و برگزاری جشن از پیش تر بوده و از زمان معزالدوله به عنوان مراسم حکومتی، عید عمومی اعلام شده است.

روزه غدیر

در روایتی حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این روز روزه بودند. روایتی نیز دلالت بر روزه بودن ائمه معصومین علیهم السلام در روز عید غدیر می کند.^۲

راوی می گوید: در روز هجدهم ذی الحجه خدمت امام صادق علیه السلام وارد شدم. آن حضرت را روزه دار یافتم. حضرت به من فرمود: امروز روز عظیمی است.^۳

نیت روزه غدیر در قالب روایات به نیت روزه ی شکر و سپاس بر نعمت ولایت آمده است.

تبریک گفتن مومنین به یکدیگر

در این روز شریف نوع برخورد ما شیعیان با یکدیگر و کلماتی که باید گفته شود از ناحیه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است.^۱

۱. وسائل: ج ۷ باب ۱۴ ح ۱

۲. وسائل: ج ۷ باب ۱۴ ح ۱

۳. اقبال: ص ۴۶۱-۴۶۳

هنگامی که مومنین یکدیگر را ملاقات کردند بعد از سلام و مصافحه این تهنیت را بگویند: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایت امیرالمومنین و الائمه علیهم السلام».^۲

اطعام کردن

از نامهای روز غدیر «یوم صله الاخوان» است.

در این روز شریف اطعام مومنین و افطار دادن ثواب زیادی دارد. در سالی که روز جمعه و غدیر با هم مصادف بود، امیرالمومنین علیه السلام بعد از خطبه با فرزندان و شیعیانشان به منزل حضرت مجتبی علیه السلام تشریف بردند برای صرف غذایی که بیشتر برای آن بزرگواران تهیه شده بود.

در این روز شریف سزاوار است، دوستان امیرالمومنین علیه السلام به حد وسع، بهترین مجالس و پذیرایی ها را انجام دهند و به مومنینی که اقدام به این امر می نمایند، مساعدت مالی و فکری نمایند تا در ثواب آنها شریک شوند و مجلس از ابهت شایسته‌ای برخوردار شود.

حضرت رضا علیه السلام در ثواب اطعام در آن روز می فرماید:
هر کس در آن روز مومنی را اطعام کند مانند کسی است که همه انبیا و صدیقین را اطعام کرده باشد^۳

هدیه دادن به مومنین

از نامهای روز غدیر «یوم الحباء والعطیه» است.

۱. اقبال: ص ۴۷۶. مفاتیح الجنان: اعمال غدیر. زادالمعاد مجلسی: اعمال غدیر

۲. اقبال: ص ۴۶۴ از کتاب النشر و الطی.

۳. خطبه حضرت علی علیه السلام در روز غدیر

هدیه باعث زیادی محبت و از بین رفتن کینه ها و شدت الفت بین مومنین می شود. قال علی علیه السلام: «و هبوا لآخوانکم و عیالکم من فضلہ». در این روز از فضل خداوند به برادران و عیال خود ببخشید.

در هیچ روزی از سال به اندازه این عید اسلامی و شیعی تاکید به هدیه دادن به برادران دینی و نزدیکان بالاخص اهل و عیال و فرزندان نشده است.

احسان کردن به مومنین

از نامه‌های روز غدیر «یوم صله الاخوان» است .

از سنت های حسنه احسان نمودن اعم از هدیه دادن و انفاق کردن است .

فرموده اند: احسان و نیکی مال و عمر را زیاد می کند .^۱

گاهی با تبسم به صورت برادر دینی خود، به او احسان کرده اید و گاهی عبور دادن شخصی از خیابان نوعی احسان است و گاهی قرض دادن به برادر دینی احسان محسوب می شود.

گاهی گوش دادن به مشکل برادر دینی احسان است و گاهی قدم برداشتن برای رفع گرفتاری برادر دینی احسان به او است.

در این روز شریف که بهترین زمان برای احسان است و ثواب آن مضاعف بر روزه‌های دیگر، ائمه معصومین علیهم السلام ما را امر به احسان فرموده اند.

یکی از موارد احسان و نیکی به برادر دینی در روز غدیر است. بدون آنکه او درخواستی داشته باشد.

هرکس قبل از درخواست برادر دینی به او احسان و اکرام و انفاق کند، مانند کسی است که این روز را روزه بگیرد و شب آن روز هم به عبادت مشغول باشد.

شاد کردن مومنین

از نامهای روز غدیر «يوم السرور» است.

ایجاد فرح و سرور در برادر دینی ثواب بسیار دارد و وسعت روزی می‌آورد و اثرات اخروی نیز دارد مثل اینکه قبر او یکی از روضه های بهشت قرار می‌گیرد. اسباب شادی بسیار است. هدیه دادن، مشکلات شخصی را برطرف کردن، مهمانی، اشعار در مدح اهل بیت (ع) سرودن و ذکر قضایایی که واقعیت است و دیگران را در وقت شنیدن به فرح و سرور کشاند. در روایت وارد شده که این روز، روز نفی غم ها است و مهربانی کردن رحمت الهی را به دنبال دارد.^۱

انفاق و صدقه

از نامهای روز غدیر «يوم الانفاق» است.

انفاق در هر حالی در زندگی انسان، سلامتی و عاقبت به خیری در خود صدقه دهنده و نسل او و توفیق در انجام کارهای خیر، تاثیر دارد. نمونه های انفاق را می‌توان در مهمانی، آب دادن، تهیه لباس برای مستمندان، نصیحت دلسوزانه و از مال و جان و آبرو برای دیگران مایه گذاشتن مشاهده کرد. در روز عید غدیر که بهترین ایام برای انفاق است ثواب این ویژگی ها مضاعف می‌شود. یک درهم انفاق ۲۰۰ هزار درهم محسوب می‌شود و در روایات یک درهم را با یک میلیون درهم برابر دانسته است.^۲

صله رحم

بازدید ارحام آثار زیادی نظیر زیاد شدن روزی و طول عمر و عاقبت به خیری دارد.

۱. اقبال: ص ۴۶۳

۲. غررالحکم: ج ۲ ص ۵۴۹ تا ۶۶۸

از ما خواستند که در ایام مخصوصی مثل بزرگترین عید ائمه علیهم السلام، یعنی عید کبیر غدیر به دیدن پدر و مادر و برادر و خواهر برویم و با سلام و تبریک و تهنیت گفتن هم اسباب خوشحالی ائمه علیهم السلام را فراهم نماییم هم باعث سرور فامیل شویم.^۱

توسعه بر عیال

یکی از سفارشات ائمه معصومین علیه السلام برای ایجاد هر چه بیشتر محبت در کانون خانواده، رفتار و کردار خویش، با اهل خانواده است.

بخیل نبودن در خرج خانه و با روی باز برخورد کردن با اهل و عیال، از نمونه‌های آن است که خداوند به مال او پیش از پیش برکت عنایت می فرماید و گرنه اسباب فقر او بیشتر می شود. درباره توسعه به اهل و عیال در روز غدیر خم در فرمایشات معصومین تاکید شده که برای همسر و فرزندان و در بعضی روایات برادران، اسباب آسایش و راحتی به هر طریقی که میسر باشد فراهم آورد که ثواب آن نسبت به بقیه ایام مضاعف است.^۲

زیارت مؤمنین

در کلمات ائمه معصومین علیهم السلام برای دید و بازدید برادران دینی ثوابهای کثیری ذکر شده تا آنجا که زائر مومنی، زائر خدا محسوب شده است و حتی اگر برای دیدن برادر دینی تا در منزل او برود ولی او در منزل نباشد، باز ثواب برای او حساب می شود و در وقت رفتن و برگشتن گناهان او آمرزیده می شود.

۱. خطبه حضرت علی در روز غدیر وسائل جلد ۷ باب ۱۴

۲. خطبه حضرت علی در روز غدیر

امام رضا علیه السلام می فرمایند: هرکس مومنی را در این روز زیارت کند، خداوند بر قبر او ۷۰ نور وارد می کند، قبر او را وسیع می نماید و هر روز در قبرش او را ۷۰ هزار ملک زیارت می کنند و او را به بهشت بشارت می دهند.^۱

مصافحه کردن

یکی از سنن دینی مصافحه و دست دادن است. هنگام سلام مستحب است دست یکدیگر را در دست بگیرند و فشار دهند. اگر دو نفر برای رفع اختلاف با یکدیگر مصافحه یا معانقه کنند، هنگامی که دست از دست یکدیگر می کشند گناهایشان ریخته می شود. درباره روز غدیر، امام رضا علیه السلام می فرماید: هرگاه در این روز با یکدیگر ملاقات کردید سلام خود را با مصافحه و دست دادن همراه کنید.^۲

دیدار با امام

در روزهای غدیر، شیعیان و بزرگان به دیدار امام خود مشرف می شدند. سیره شیعه از قدیم چنین بوده که بعد از غیبت حضرت ولی عصر در ایام مخصوص به دیدن نواب خاص حضرت و بعد نواب عام حضرت از علما و سادات بنی زهرا و بنی علی مشرف می شدند.

و این سنت حسن تا زمان ما در اکثر شهرهای شیعه نشین ادامه دارد.^۳

زینت کردن

از نامهای روز غدیر ((یوم الزینه)) است.

۱. اقبال: ص ۴۶۵

۲. خطبه امیرالمومنین در روز غدیر

۳. خطبه امیرالمومنین در روز غدیر

نظافت و پاکی از سنت های الهی است که در هر حال توصیه به آن شده است. در روایاتی امر شده که انسان با تمیزترین لباس نماز بخواند و یا هنگام خروج از منزل به آینه نگاه کند.

احادیثی درباره شانه زدن، حمام کردن و بوی خوش استعمال کردن در کتب مختلف شیعه آمده که سفارش به تمیز بودن و زینت ظاهری شده است.

در ایام شادی و عید و سرور و وجد و فرح، پوشیدن لباس های روشن که به چشم می خورد سفارش شده است. برای مردان در روایات اسلامی سفارش شده است که ظاهر بدن را طوری آرایش دهند که موافق اخلاق همسر باشد و به بانوان سفارش شده که برای همسر خود در منزل زینت نمایند.

در متون روایی و تاریخی می بینیم در روزهای عید غدیر رسول خدا و ائمه از لباس هایی استفاده می نمودند که دارای رنگ باز و روشن، مانند لباس سفید باشند. در بعضی روایات آمده است که روز غدیر روز بیرون آمدن از لباس مشکی یعنی لباس عزا است.^۱

روز تبسم

امام رضا علیه السلام می فرمایند: هر کس در روز غدیر به روی برادر خود تبسم کند خداوند روز قیامت به او با نظر رحمت می نگرد و برایش قصری از در سفید، در بهشت بنا می کند و صورت او را نورانی می نماید.^۲

۱. خطبه امیرالمومنین در روز غدیر

۲. اقبال صفحه ۴۶۴

پرسشنامه

۱- مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير چند منبع اهل سنت را نقل کرده که شان نزول آیه اکمال را روز غدیر دانسته اند؟

الف) ۵ منبع ب) ۱۰ منبع ج) ۲۶ منبع د) ۱۶ منبع

۲- ال در آیه شریفه «اليوم اکملت لکم دینکم» به چه چیزی در مورد روز غدیر اشاره می کند؟

الف) اشاره به مشخص بودن روز غدیر در نزد مومنان

ب) اشاره به عمومی بودن روز غدیر

ج) اشاره به عظمت روز غدیر

د) اشاره به ناشناخته بودن این روز برای ظالمان

۳- بنابر برخی روایات عمل روز غدیر برابر با چندماه است؟

الف) ۱۰۰۰ ماه ب) ۸۰ ماه ج) ۱۰ ماه د) ۸۰۰ ماه

۴- خطبه مبارکه غدیر در چه شرایطی و چه مدت به ول انجامید؟

الف) در گرمای شدید هوا - ۴۰ دقیقه

ب) در گرمای شدید هوا - ۴ ساعت

ج) در هوای معتدل کنار برکه آب - ۴۰ دقیقه

د) در هوای معتدل کنار برکه آب - ۴ ساعت

۵- تهدید خداوند نسبت به پیامبر مکرم اسلام ﷺ در مورد ابلاغ نکردن غدیر با

توجه به چه نکته ی عجیب و نشان دهنده اهمیت روز غدیر می باشد؟

الف) با توجه به اینکه قرآن پیامبر ﷺ را عموماً به زیباترین حالات خطاب

وحی قرار می دهد.

ب) با توجه به اینکه پیامبر مکرم اسلام ﷺ معصوم می باشند.

(ج) با توجه به سختی ابلاغ پیام غدیر

(د) با توجه به شناخت و علم کامل و مطلق خداوند به حالات بندگان

۶- بنابر روایت جابر شیطان به سپاهیان خود در مورد ابلاغ غدیر توسط پیامبر ﷺ چه گفت؟

(الف) دیگر راه هدایت بر همگان معلوم گشت.

(ب) این پیامبر کاری کرد که اگر براستی این کار تحقق یابد دیگر کسی هرگز خدا را نافرمانی نکند.

(ج) این پیامبر تمام کافران را ناامید کرد.

(د) از این به بعد فقط در راه گمراهی شیعیان بکوشید که دیگران گمراهند.

۷- بنابر فرموده امام باقر (ع) آیه اکمال نشان دهنده خاتمه یافتن نزول چه احکامی است؟

(الف) دیگر واجبی نازل نخواهد شد چون آخرین واجبات ولایت است.

(ب) دیگر تمام احکام خاتمه یافته اند و حکم جدیدی نخواهد بود.

(ج) دیگر احکام اولیه تغییری نخواهند کرد.

(د) هیچ یک از آداب و رسوم و احکام اسلام تغییر نمی کنند چون ولایت تکمیل همه احکام است.

۸- یکی از دلایل واضح و روشن بر احاطه کامل ولایت امیرالمومنین (ع) بر هر چیزی کدام آیه است؟

(الف) الیوم اکملت لکم دینکم (ب) یذهب عنکم الرجس اهل البیت

(ج) کل شیء احصیناه فی امام مبین (د) الا عبادک منهم المخلصون

۹- بنابر روایت محاسن برقی حقیقت دین چیست؟

(الف) محبت (ب) ولایت (ج) نماز (د) عقیده

۱۰- بنابر روایت امام صادق (ع) کدام یک از نام های عید غدیر است؟

(الف) عیدالله الاکبر (ب) یوم العهد المعهود

(ج) یوم الميثاق (د) همه موارد

۱۱- این روایت از کیست؟ «روز غدیر در آسمان مشهورتر از زمین است.»

(الف) امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانشان علیهم السلام (ب) امام باقر علیه السلام

(ج) امام کاظم علیه السلام (د) نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

۱۲- بنابر روایت امام صادق علیه السلام عید غدیر در میان روزهای عید فطر و عید قربان و

جمعه به چه چیزی تشبیه شده است؟

(الف) مانند خورشید نسبت به دیگر ستارگان است.

(ب) مانند امام نسبت به مومنان است.

(ج) مانند ماه نسبت به ستارگان است.

(د) مانند خورشید نسبت به ماه است.

۱۳- بنابر روایت امام صادق علیه السلام روز عیدغدیر روز چه اعمالی است؟

(الف) روز عبادت و جشن گرفتن

(ب) روز روزه داری، طعام دادن و به دیدار برادران دینی رفتن

(ج) اطعام دادن و خوشحالی مومنان

(د) سجده و روزه شکر به جای آوردن

۱۴- «و تهابوا النعمة فی هذا اليوم» که حضرت علی علیه السلام در روز غدیر فرمودند به چه

معناست؟

(الف) در این روز نعمت خداوند را بزرگ بشمارید.

(ب) در این روز به یکدیگر هدیه بدهید.

(ج) در این روز نعمت ولایت به شما هدیه شده است.

(د) نعمت خداوند در این روز بر شما عظیم است.

۱۵- بنابر روایت حضرت علی علیه السلام جزای کسی که عهده دار هزینه زندگی تعدادی از

مردان و زنان مومن در روز غدیر باشد چیست؟

الف) عاقبت به خیری

ب) من ضامنم پیش خداوند که از فقر و تنگدستی در امان باشد.

ج) من ضامنم که فقیر نگردد.

د) من ضامنم که باایمان از دنیا برود.

۱۶- بنابر روایت حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام چه اذکاری در عید غدیر زیاد باید

گفته شود؟

الف) حمد و سپاس الهی

ب) بیزاری و لعن بر دشمنان حضرت علی علیه السلام

ج) الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة علی بن ابیطالب علیه السلام

د) درود بر محمد و آل صلوات الله علیه و برائت جستن از ستمگران به آنان

۱۷- ثواب کسی که در روز غدیر دو رکعت نماز بخواند چیست؟

الف) خداوند هفتاد نور بر قبر او وارد می کند.

ب) ثواب ۸۰ ماه نماز دارد.

ج) ثواب کسی را دارد که در آن روز حضور پیدا کرده است.

د) ملائکه به او بشارت بهشت می دهند.

۱۸- بنابر روایت امام صادق علیه السلام ثواب روزه در روز عید غدیر چیست؟

الف) روزه عید غدیر با روزه ۸۰ ماه برابر است.

ب) روزه عید غدیر برابر با روزه ۱۰۰۰ ماه است.

ج) روزه عید غدیر با روزه تمام عمر جهان برابر است.

د) روزه عید غدیر با روزه پیامبران برابر است.

۱۹- این روایت درباره عید غدیر از کیست؟ «عید غدیر روز لبخند زدن به چهره مومنان است.»

الف) امام رضا علیه السلام ب) امام صادق علیه السلام

ج) امام کاظم علیه السلام د) امام هادی علیه السلام

۲۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که میخواهد زندگی و مرگش همانند من باشد در بهشت جاودانه ای که پروردگارم به من وعده کرده، ساکن شود، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را انتخاب کند، زیرا...

الف) خداوند و رسول خداوند او را دوست دارند.

ب) از نزدیکان و مقربان من است.

ج) علم الهی دارد و سختگیر است نسبت به محرمات.

د) او هرگز شما را از راه هدایت بیرون نبرده، به گمراهی نمی کشاند.

۲۱- بنابر روایت امام کاظم علیه السلام آنچه در کتاب های همه پیامبران آمده است و از همه پیامبران میثاق گرفته شده است چیست؟

الف) نماز و روزه ب) نبوت محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام

ج) صدق و امانت د) ولایت و عدالت

۲۲- بنابر روایت امام صادق علیه السلام در روز غدیر حداقل چند نفر شاهد و گواه بوده اند؟

الف) ده هزار نفر ب) صد هزار نفر

ج) چهل نفر د) هزار نفر

۲۳- در حجة الوداع چه تعداد از مسلمانان از مناطق مختلف شرکت داشتند؟

الف) ده هزار نفر ب) هفتاد هزار نفر

ج) صد و بیست هزار نفر د) صد هزار نفر

۲۴- امیرالمومنین علی علیه السلام همراه حجاج کدام منطقه در حجة الوداع حضور پیدا کردند؟

- الف) حجاج عراقی ب) حجاج یمنی
- ج) حجاج مدینه د) حجاج شامات
- ۲۵- لقب امیرالمومنین به عنوان هدیه الهی و اختصاصی حضرت علی علیه السلام چه زمانی به ایشان اهدا شد؟
- الف) در غدیر خم ب) در حین مراسم حجة الوداع
- ج) بعد از مراسم حج و پیش از غدیر د) بعد از خطبه غدیر خم
- ۲۶- در خطبه غدیر پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند ...
- الف) خداوند او را بع عذابی دردناک مبتلا می کند.
- ب) فقیر و ناتوان از دنیا می رود.
- ج) مسلمان هست ولی از اسلامش سودی نخواهد برد.
- د) خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد و مانند کفار جاهلیت اول است.
- ۲۷- بعد از ابلاغ فرمان خداوند در مورد امامت و وصایت حضرت علی علیه السلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چرا آیات عذاب و لعن از قرآن را تلاوت نمودند و منظور از این آیات چه کسانی بودند؟
- الف) منظور از آیات عده ای از اصحاب بودند که باید شناسایی و اعدام می گردیدند.
- ب) منظور کفار یهود و دشمنان سر سخت اسلام بودند که علی علیه السلام با آنها مبارزه می کرد.
- ج) منظور کسی بود که آنجا منکر ولایت شد و به عذاب الهی دچار گردید.
- د) منظور عده ای از اصحاب بودند که حضرت مامور به چشم پوشی از آنان بود.

۲۸- بنا بر فرموده پیامبر مکرم اسلام ﷺ امامانی که باعث گمراهی مردم می‌گردند

و آنان را به جهنم می‌کشانند چه کسانی هستند؟

الف) مجریان سقیفه ب) اصحاب صحیفه

ج) گزینه الف و ب د) منافقین از اصحاب

۲۹- «این سوره درباره ی من نازل شد، و به خدا قسم درباره ایشان «امامان» نازل

شده است. بطور عموم شامل آنهاست، و به طور خاص درباره ی آنان است.

این عبارت در مورد کدام سوره قرآن کریم بیان گردیده است؟

الف) حمد ب) کوثر ج) مومنون د) انسان

۳۰- این عبارات از خطبه غدیر در مورد کیست؟

«اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمان، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده ی آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرک و هدایت کننده ی آنان.

الف) امام علی علیه السلام ب) امام علی علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان

ج) امام حسین علیه السلام د) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه.

پاسخنامه

الف	ب	ج	د
۱			
۲			
۳			
۴			
۵			
۶			
۷			
۸			
۹			
۱۰			
۱۱			
۱۲			
۱۳			
۱۴			
۱۵			
۱۶			
۱۷			
۱۸			
۱۹			
۲۰			
۲۱			
۲۲			
۲۳			
۲۴			
۲۵			
۲۶			
۲۷			
۲۸			
۲۹			
۳۰			